

«کتاب صرف ساده»

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوه على سيدنا محمد و آله الطيبين و لعنه الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين

مقدمه

تعريف علم صرف

علم صرف می‌آموزد چگونه کلمه‌ای را بصورت‌های گوناگون در آوریم تا معانی مختلف بدست آید مثلا کلمه علم بمعنی دانستن را طبق قواعد صرفی بصورت‌های علم يعلم اعلم و...

در می‌آوریم تا معانی دانست می‌داند بدان و...

بدست آید و یا کلمه رجل به معنی مرد را بصورت‌های رجال و رجیل در می‌آوریم تا معانی مردها و مرد کوچک حاصل شود

فایده علم صرف

در هر زبانی بسیاری از کلمات از یکدیگر گرفته می‌شوند مثلا در فارسی کلمات گفتم گفتم گفتم گفتیم گفتیم گفتیم گفتند می‌گفتم...

خواهم گفت...

از ماده گفتن گرفته شده‌اند بنا بر این باید علم صرف را بیاموزیم تا کلمات را بشناسیم و به معانی آنها پی ببریم و نیز بتوانیم برای معانی منظور کلمات مناسب بسازیم از آنچه گذشت روشن شد که فایده علم صرف شناختن کلمه و معنی آن و قدرت بر ساختن کلمه است

۱

موضوع علم صرف

و ضمنا معلوم شد که موضوع علم صرف کلمه است یعنی این علم فقط درباره ساختمان و خصوصیات کلمه صحبت می‌کند

تعريف کلمه

کلمه لفظ مفردی است که دارای معنی باشد و به آن لفظ مستعمل هم می‌گویند در برابر لفظ بی معنی که لفظ مهمل نام دارد

اقسام کلمه

کلمات عربی مانند کلمات هر زبان دیگر به سه دسته تقسیم می‌شود فعل اسم حرف .

فعل کلمه‌ای است که بر معنای مستقلی دلالت کند و زمان آن را نیز برساند مانند حسن نیکو شد یذهب می‌رود اذهب برو .

اسم کلمه‌ای است که بر معنای مستقلی دلالت کند بدون دلالت بر اقتران آن معنی به زمان مانند علم دانستن مال ثروت .

حرف کلمه‌ای است که معنی آن مستقل نیست و ربط بین کلمات دیگر است مانند فی در جمله دخلت فی المدرسة و من از در جمله خرجت من الدار .

توجه کنید صورت و شکل حرف همیشه ثابت است لذا در علم صرف از حرف بحث نمی‌شود و هر کجا لفظ کلمه آورده شد فقط فعل و اسم مقصود است بنا بر این مباحث این کتاب در دو بخش فعل و اسم عنوان می‌گردد و يك سری مطالب متفرقه در خاتمه مطرح خواهد شد

۲

پرسش و تمرین

۱ - علم صرف چه علمی است.

۲ - علم صرف درباره چه چیز بحث می‌کند.

۳ - منظور شما از خواندن صرف چیست.

۴ - لفظ مهمل و مستعمل را تعریف کنید و برای هر کدام چند مثال بزنید.

۵ - کلمه و لفظ مهمل با هم چه فرقی دارند.

۶ - اسم و فعل را تعریف کنید.

۷ - در کلمات زیر هر کدام از افعال اسماء و حروف را در ستون مخصوصی بنویسید ضحی چاشت شعر مو من از یاتی می‌آید اسد شیر کبیر بزرگ مسجد صبح لا تشرب نیاشام رجل مرد حتی تا اعلم بدان نصرتم یاری کردید عشاء اول شب حسن احمد دحرج غلطانید علم دانستن یقتل می‌کشد ل برای شارع خیابان زقاق کوچه نما رشد کرد نام خوابید سماء آسمان لیل شب ذهاب رفتن نهار روز بقر گاو طائر پرنده الی تا جن ملك.

۸ - بر کلمات هر ستون چند کلمه دیگر اضافه کنید.

۹ - بین فعل و اسم از جهت معنی چه فرقی است.

۱۰ - چرا در علم صرف از حرف بحث نمی‌شود

جامد و مشتق

کلمه یا جامد است یا مشتق جامد کلمه‌ای است که از کلمه دیگر گرفته نشده باشد یعنی حروف آن ابتداء از حروف الفباء گرفته شده باشد مانند حجر سنگ علم دانستن عسی امید است .

مشتق کلمه‌ای است که از کلمه دیگر گرفته شده باشد مانند احجار سنگها معلوم دانسته شده عالم دانا علم دانست .

کلمه‌ای را که مشتق از آن گرفته شده باشد جامد باشد یا مشتق اصل آن کلمه می‌نامند .

از يك اصل کلمات چندی گرفته می‌شود اصل و مشتقات آنرا کلمات همجنس می‌گویند

۳

حروف اصلی و زائد

از حروف کلمه حرفی را که در تمام کلمات همجنس آورده شود حرف اصلی و آنرا که در بعضی آورده شود نه در تمام حرف زائد می‌نامند مثلا در کلمات علم عالم معلوم علیم اعلم و...

حروف ع ل م اصلی و بقیه زائدند

ابنیه کلمه

کلمه در زبان عربی دارای شش بناء است زیرا یا سه حرف اصلی دارد که به آن ثلاثی می‌گویند و یا چهار حرف اصلی که به آن رباعی گفته می‌شود و یا دارای پنج حرف اصلی است که آنرا خماسی نامیده‌اند هر کدام از این سه قسم یا بدون حرف زائد است که به آن مجرد می‌گویند و یا دارای حرف زائد است که مزید فیه نامیده می‌شود به مثالهای زیر توجه نمایید ثلاثی مجرد علم رجل مزید اعلم رجال رباعی مجرد دحرج جعفر مزید تدحرج جعافر خماسی مجرد سفرجل مزید خندریس توجه کنید خماسی بودن مختص به اسم است و فعل یا ثلاثی است یا رباعی

۴

پرسش و تمرین

۱ - فرق بین مشتق و جامد اصل و مشتق اصل و جامد را بیان کنید.

۲ - سه دسته کلمات همجنس ذکر کنید.

۳ - در دسته‌های زیر حروف اصلی و زائد را معین کنید خروج خارج اخراج مخرج خرج خراج مخرج صبر اصطبار صبور صابرين یصبر اصبر صابر سؤال مساله سائل مسائل مسؤل سؤالات.

۴ - بناء کلمات زیر را معین کنید حسن حسین صابر صبر درهم دراهم دریهم خرج خروج قمطر قرطعب برثن صدق صدیق.

۵ - اسم چند بناء دارد و فعل چند بناء برای هر کدام از ابنیه چند مثال جدید بزنید

وزن و قواعد آن

برای اینکه حروف اصلی کلمه از حروف زائد مشخص شود سه حرف ف ع ل را بترتیب بجای حروف اصلی بکار می‌برند مثلاً می‌گویند کتب بر وزن فعل و علم بر وزن فعل است و همینطور...

در ساختن وزن کلمات قواعد زیر باید رعایت شود

۱ - در مقابل حروف اصلی بترتیب ف ع ل قرار می‌گیرد و اگر کلمه‌ای بیش از سه حرف اصلی داشته باشد لام وزن تکرار می‌شود بنا بر این وزن ثلاثی دارای يك لام و وزن رباعی دارای دو لام و وزن خماسی دارای سه لام خواهد بود مثلاً سال بر وزن فعل در هم بر وزن فعل سفرجل بر وزن فعلل است.

۲ - اگر در کلمه‌ای حرف زائد بود چنانچه حرف زائد تکرار حرف اصلی باشد مثل سلم و جلبب در وزن نیز حرفی که مقابل حرف تکرار شده قرار می‌گیرد تکرار می‌شود مانند سلم فعل و جلبب فعلل و اگر چنین نبود خود زائد را در وزن می‌آورند مانند عالم فاعل و معلوم مفعول.

۳ - حرکت هر کدام از حروف وزن باید مانند حرکت همان حرفی باشد که در مقابل آن قرار می‌گیرد بنا بر این علم بر وزن فعل و علیم بر وزن فعیل و علوم بر وزن فعول خواهد بود مگر اینکه حرکت بر اثر قواعد اعلال و غیره که خواهد آمد

۵

تغییر کرده باشد که در این صورت حرکت اصلی مراعات می‌شود .

مثلاً می‌گوییم قال بر وزن فعل است زیرا در اصل قول بوده است و نیز می‌گوییم یمد بر وزن یفعل است زیرا در اصل یمدد بوده است و همینطور...

۴ - اگر در کلمه‌ای حرف مشدد که نمودار دو حرف همجنس است باشد با مراجعه به کلمات همجنس باید ببینیم آن دو حرف هر دو اصلیند یا هر دو زائد یا یکی اصلی و دیگری زائد در صورت اول وزن را بدون حرف مشدد می‌آوریم مانند مر مرور کرد که می‌گوییم بر وزن فعل است و در صورت دوم همان زائد مشدد را در وزن می‌آوریم مانند اجلواز بهم چسبیدن که می‌گوییم بر وزن افعال است و در صورت سوم هر گاه نتوان تشخیص داد

که حرف اول از دو حرف همجنس زائد است یا دوم هر کدام از ف ع ل وزن را که مقابل آن حرف قرار گرفته باشد مشدد می‌کنیم مثلاً می‌گوییم سلم بر وزن فعل و احمر بر وزن افعال است و هر گاه بدانیم کدامیک از آن دو زائد است و کدام اصلی وزن را بدون حرف مشدد می‌آوریم مثلاً می‌گوییم سید بر وزن فیعل است و علی بر وزن فعیل.

۵ - اگر بعضی از حروف اصلی کلمه طبق قواعد اعلال و غیره که خواهد آمد حذف شود از وزن نیز حرفی که مقابل آن است حذف می‌شود مثلاً می‌گوییم قل بگو از قال یقول بر وزن فل و هب ببخش از وهب یهب بر وزن عل و وفا کن از وفی یفی بر وزن ع است.

۶- اگر در کلمه‌ای قلب قلب مکانی واقع شده بود یعنی ترتیب اصلی فاء و عین و لام بهم خورده بود در وزن نیز ترتیب ف ع ل بهم خواهد خورد

۶

مثلاً می‌گوییم جاه بر وزن عفل است زیرا با مراجعه به کلمات همجنس آن از قبیل وجه وجیه و جاهت و غیره معلوم می‌شود ج عین الفعل و ا که منقلب از واو است
فاء الفعل می‌باشد فایده دانستن وزن کلمات تشخیص حروف است که بوسیله آن می‌توان نوع و بناء+کلمه را شناخت تبصره در کلمه حرفی را که برابر ف است فاء
الفعل حرفی را که مقابل ع است عین الفعل و حرفی را که مقابل ل است لام الفعل می‌نامند لام الفعلهای رباعی را لام الفعل اول و دوم و لام الفعلهای خماسی را لام الفعل اول دوم و سوم نامیده‌اند

پرسش و تمرین

۱ وزن چیست.

۲- با رعایت قواعد ۱ و ۳ وزن کلمات دسته اول و با رعایت سه قاعده اول وزن کلمات دسته دوم و با رعایت چهار قاعده اول وزن کلمات دسته سوم و با رعایت تمام قواعد وزن کلمات دسته چهارم از کلمات زیر را معین کنید

۷

دسته اول کرم کتب فرس قفل کتف عضد صعب عنب ضرس دسته دوم عالم علماء علامه مخارج خروج اسلام مسلم دراهم دریهیم دحراج تدحرج دسته سوم غفار جعفری تعلم خراج سلم قرار مقر مداد مد استمد مدن تمدن جید لاین علوی نبی وفی خدام جبار قوی دسته چهارم ق با توجه به وقی وقایه سل با توجه به سال و سؤال
حادی با توجه به واحد وحده توحید ایس با توجه به یاس یؤس یأسه طامن با توجه به طمان اطمان اطمئنان.
۳- با توجه به تمام قواعد وزن و وزن کلمات زیر را معین کنید استعلام معلم متعلم احسان استحسان تحسین تکامل استکمال کمال کمیل مکمل کمیلین.

۴- فاء عین و لام الفعل کلمات زیر را معین کنید کلام تکلم استسلام استغفار غفار صبور سؤال تفؤل فعال سفرجل رجیل درهم زبرج صدر کریم.

۵- اسم رباعی مجرد دارای شش وزن است فعلل فعلل فعلل فعلل فعلل فعلل و اسم خماسی مجرد دارای چهار وزن فعللل فعللل فعللل فعللل با توجه به اوزان فوق
بناء کلمات زیر را معین کنید جعافر قذعمل دراهم زبرج قرمز جحمرش ثعلب.

۶- حروف اصلی و زائد کلمات موزون زیر را معین کنید اعمار افعال توکل تفعل استیحاش استفعال اجاره افاله و فعاله صبور فعول میثاق مفعال توکیل تفعلیل
تقاعد تفاعل تجاره فعاله جولان فعلان کراهیه فعالیه ضروره فعوله جهور فعول حوقل فوعل شیطنه فیعله تمسکن تمفعل استخی استقل مقضی مفعول مهدی مفعول
یخشون یفعون ملی فعیل مبیع مفعول

صحيح معتل مهموز مضاعف سالم

کلمه از نظر چگونگی حروف اصلی سه تقسیم دارد ۱ صحيح و معتل کلمه‌ای را که هیچکدام از حروف اصلی آن حرف عله نباشد صحيح گویند و کلمه‌ای را که يك يا چند حرف اصلی آن حرف عله باشد معتل می‌نامند حروف عله عبارتند از واو ياء و الفو ساير حروف را صحيح می‌گویند بنا بر این کلمه صحيح مثل سلم سالم و کلمه معتل مانند يسر آسان شد باع فروخت رمی پرتاب کرد معتل هفت قسم است

۱ - معتل الفاء که آنرا مثال گویند مانند يسر و وقت

۲ - معتل العين که آنرا اجوف می‌نامند مانند خاف و بيع

۳ - معتل اللام که آنرا ناقص گویند مانند دعا و رمی

۴ - معتل الفاء و اللام که آنرا لفيف مفروق گویند مانند وفی و وحی

۵ - معتل العين و اللام که آنرا لفيف مقرون گویند مانند لوی و حی

۶ - معتل الفاء و العين که آنرا نیز لفيف مقرون گویند مانند ویل

۷ - معتل الفاء و العين و اللام مانند واو و ياء که در اصل ووو و ییی بوده است .

۹

مهموز و غير مهموز- مضاعف و غير مضاعف

مهموز و غير مهموز کلمه‌ای را که يك يا چند حرف اصلی آن همزه باشد مهموز می‌نامند مانند امر سال بریء و مهموز بر سه قسم است مهموز الفاء مانند امر و آمر مهموز العين مانند سال و سائل مهموز اللام مانند برا و باریء.

۳- مضاعف و غير مضاعف کلمه‌ای را که عين الفعل و لام الفعل يا فاء الفعل و عين الفعل آن همجنس باشد مضاعف نامند مانند مد حج ببر ددن لهو و لعب .

تتمه کلمه‌ای را که نه معتل باشد و نه مهموز و نه مضاعف سالم می‌نامند مانند ضرب و بقر .

تبصره ۱ تقسیمات فوق مخصوص ثلاثی است و رباعی و خماسی این انقسام را ندارند فقط به مثل زلزل و سلسل مضاعف گفته شده است .

تبصره ۲ باید توجه داشت که يك کلمه ممکن است هم صحيح باشد هم مهموز مانند امر سال يا هم صحيح باشد و هم مضاعف مانند مد ددن همچنین کلمه می‌تواند هم معتل باشد و هم مهموز مانند یئس و ابی يا هم معتل

۱۰

باشد و هم مضاعف مانند حی و ود و نیز کلمه می‌تواند هم مهموز باشد و هم مضاعف مانند ان ناله کرد از جوشید و اما کلمه سالم همیشه صحیح است .

تبصره ۳ حرف عله را اگر ساکن باشد حرف لین نامندمانند قول بیع دار امیر و حرف لین را اگر حرکت ما قبلش با آن مناسب باشد حرف مد نیز می‌نامندمانند دار امیر .

حرکت مناسب با واو ضمه است و مناسب با یاء کسره و مناسب با الف فتحه بنا بر این الف همیشه حرف مد است زیرا خود ساکن است و تا ما قبلش مفتوح نباشد قابل تلفظ نیست .

تبصره ۴ مضاعف ثلاثی در معرض ادغام استو ادغام این است که دو حرف پهلوی هم را از يك مخرج ادا کنیم بطوریکه در تلفظ بین آنها فاصله نیافتد در این صورت حرف اول را مدغم و حرف دوم را مدغم فیه گویند و غالباً هر دو را بصورت يك حرف و گاهی آنها را جدای از هم می‌نویسند مانند مدد مد الرجل الرجل بحث تفصیلی درباره ادغام در فعل مضاعف ثلاثی مجرد خواهد آمد .

تبصره ۵ همزه و حرف عله در معرض تغییرند تغییر همزه را تخفیف گویند و آن به دو صورت است قلب و حذف .

۱۱

تخفیف قلبی هرگاه در کلمه‌ای همزه ساکن بعد از همزه متحرك قرار گیرد همزه ساکن را به حرف مد تبدیل می‌کنند مانند اامن امن اوامر امان ایمان ولی اگر همزه ساکن بعد از حرف متحرکی غیر از همزه قرار گیرد تبدیل آن به حرف مد جایز است نه واجب مانند راس راس شوم شوم ذئب ذئب و در بعضی کلمات دیگر نیز که وضعیت فوق را ندارد تبدیل همزه شنیده شده است مانند ائمه ایمه نبیء نبی بربى نبوه نبوه مقروء مقروء .

تخفیف حذفی قاعده مشخصی ندارد و سماعی است مانند اؤخذ اؤخذ اؤکل کلتغییر حرف عله را اعلال گویندو اعلال حرف عله بر سه قسم است سکون و قلب و

حذف که اعمال هر کدام طبق قواعد خاص و در شرایط معینی صورت می‌گیرد تفصیل آن در فصل ۱۲ بخش اول و مقدمه بخش دوم خواهد آمد

پرسش و تمرین ۱ نوع و بناء کلمات موزون زیر را معین کنید مرء فعل ثعلب فعل سلسله فعله سئم فعل قذاره فعاله اجاره فعاله براءه فعاله فرار فعال بئر فعل رای فعل قوی فعیل مائل فاعل جریان فعالن جاری فاعل قساوه فعاله فیض فعل فیضان فعالن فیاض فعال مداد فعال ذر فعل سلام فعال سالم فاعل راهنمایی در حل این تمرین و همچنین تمرین بعدی می‌گوییم مرء ثلاثی مجرد مهموز ثعلب رباعی مجرد و همینطور...

۲- معتل مهموز مضاعف و سالم را در کلمات موزون زیر معین کنید طی فعل

۱۲

ولی فعیل یاء فعل مؤتمر مفتعل اتی فعل مراه فعله مرئی مفعل حریر فعیل تودیع تفعیل حکام فعال طیر فعل
طیاره فعاله یاقوت فاعول وحشه فعله وصول فعول صابر
فاعل سد فعل صدود فعول سماک فعال ایم فعیل دیان فعال علی فعیل علوی فعلی احمر افعل.

۳- حروف اصلی و زائد کلمات زیر را معین کنید الندا دشمن سرسخت افنعل عفنجج کلفت نادان فعنل مهدد
اسم زنی است فعنل درهم فعنل جعفر فعنل شرشره
قطعه قطعه کردن فعله یلندد دشمن سرسخت یفنعل زمزمه فعله احرنجم افنعل تزلزل تفعنل خدب پیر فعل
برثن پنجه شیر فعنل.

۴- برای هر يك از اقسام کلمه که در تبصره شماره ۲ به آنها اشاره شده است سه مثال بزنید.

۵- چرا الف همیشه حرف مد است.

۶- حروف عله مد و لین را در تمرین شماره ۲ مشخص کنید.

۷- ادغام مدغم و مدغم فیه را تعریف کنید.

۸- لام ال در حروف شمسی که عبارتند از ۱۴ حرف ت ت ث د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ل ن ادغام
می‌شود مانند التقوی الثواب و...

۱ نام بقیه حروف چیست ۲ برای ادغام لام ال در هر يك از حروف شمسی دو مثال بزنید و آنها را تلفظ کنید.

۹- برای لزوم تبدیل شدن همزه به حرف مد چند شرط وجود دارد نام ببرید.

۱۰- موارد قیاسی و سماعی تخفیف همزه را با ذکر مثال بیان کنید.

۱۱- تخفیف همزه در کدامیک از کلمات زیر جائز است و در کدام واجب چرا اءم اءداب مؤدب اءخر اءمن
اوتی باریء اءذان اءذر تاسیس مؤاخات مؤمن یؤمن
مؤبد مؤن فئه باس منزر سائر جائز مسائل.

۱۲- اصطلاحات زیر را معنی کنید حرف عله اءلال حرف صحیح حرف لین حرف مد کلمه مضاعف
مهموز صحیح معتل مثال اجوف ناقص لفیف مفروق لفیف
مقرون سالم.

۱۳- هر کدام از حروف عله اصلی اند یا منقلب

۱۳

بخش اول فعل

تعریف و تقسیم

فعل کلمه‌ای است که بر وقوع کار یا پدیدار شدن حالتی در زمان گذشته یا حال یا آینده دلالت کند واقع شدن
کار مانند ضرب زد یضرب دارد می‌زند یا خواهد زد
اضرب بزن و پدیدار شدن حالت مانند حسن نیکو شد یحسن نیکو می‌شود احسن نیکو شو فعل بر سه قسم است
ماضی مضارع امر فعل ماضی فعلی است که بر وقوع

کار یا حالتی در زمان گذشته دلالت کندمانند ضرب و حسن فعل مضارع فعلی است که بر وقوع کار یا حالتی در زمان حال یا آینده دلالت کندمانند یضرب و یحسبو فعل امر فعلی است که بر طلب ایجاد کار یا حالتی دلالت نمایدمانند اضرب و احسن

۱۴

اصل فعل مصدر

فعل از مصدر گرفته می‌شود و مصدر کلمه‌ای است که تنها بر وقوع کار یا حالتی دلالت کند مانند خروج خارج شدن حسن نیکو شدن علامت مصدر این است که در آخر ترجمه فارسی آن تن یا دن آورده شود مشروط بر اینکه اگر ن را برداشتیم تبدیل به فعل ماضی شود بنا بر این کلماتی مانند عنق گردن و خاضع فروتن مصدر نیستند آنچه مستقیماً از مصدر گرفته می‌شود تنها فعل ماضی است و اما مضارع و امر چنین نیستند بلکه مضارع از ماضی گرفته می‌شود و امر از مضارع مصدر ماضی مضارع امر

۱۵

پرسش و تمرین

۱ اقسام فعل و چگونگی انقسام آنرا ذکر کنید.

۲- بین فعل و مصدر چه فرقی است.

۳- از کلمات زیر کدام فعل و کدام مصدر است احسان نیکی کردن محسن نیکو کار عدن نام مکانی است نوم خوابیدن جاء آمد ینصر یاری می‌کند نسج بافتن ختن نام مکانی است (۳)

معلوم و مجهول

فعل یا معلوم است یا مجهول فعل معلوم فعلی است که فاعلش در کلام ذکر شده باشد مانند ضرب زید بکر زید بکر را زد و فعل مجهول فعلی است که فاعلش ذکر نشود و به مفعول نسبت داده شود در این صورت مفعول را چون بجای فاعل گذاشته شده است نائب فاعل می‌گویند مانند ضرب بکر بکر زده شد بنا بر این هر فعلی یا معلوم است یا مجهول یعنی یا دارای فاعل است یا دارای نائب فاعل .

باید توجه داشت که فعل مجهول را مستقیماً از مصدر نمی‌گیریم بلکه ماضی آن از ماضی معلوم و مضارع آن از مضارع معلوم و امر آن از مضارع مجهول گرفته می‌شود ماضی معلوم ماضی مجهول مضارع معلوم مضارع مجهول امر مجهول توضیح و چگونگی این اشتقاق خواهد آمد

صیغه‌های فعل

فاعل یا نائب فاعل یا غائب است یا مخاطب و یا متکلم به همین مناسبت فعل را در این سه حالت به ترتیب غائب مخاطب و متکلم می‌نامند .

دو فعل غائب و مخاطب با مذکر یا مؤنث بودن فاعل یا نائب فاعل و نیز با مفرد یا مثنی و یا جمع بودن آن تغییر می‌کند و در هر مورد صورت خاصی دارد و فعل متکلم فقط با مفرد یا غیر مفرد بودن فاعل یا نائب فاعل تغییر می‌کند و دارای دو صورت است هر کدام از صور فوق را صیغه می‌گویند و آن را به نام فاعل یا نائب فاعل می‌خوانند مثلاً می‌گویند صیغه مفرد مذکر غائب صیغه مثنای مذکر غائب صیغه جمع مذکر غائب و همینطور...

از آنچه گذشت روشن شد که فعل غائب دارای شش صیغه است و فعل مخاطب نیز دارای شش صیغه و فعل متکلم دارای دو صیغه و در نتیجه هر فعل دارای ۱۴ صیغه می‌باشد.

غائب مذکر ۱ مفرد ۲ مثنی ۳ جمع مؤنث ۴ مفرد ۵ مثنی ۶ جمع مخاطب مذکر ۷ مفرد ۸ مثنی ۹ جمع مؤنث ۱۰ مفرد ۱۱ مثنی ۱۲ جمع متکلم ۱۳ مفرد وحده ۱۴ غیر مفرد مع الغیر

مباحث بخش اول

مطالب این بخش در ضمن چهار عنوان بحث می‌شود که عبارتند از

۱ - ثلاثی مجرد ۲ ثلاثی مزید ۳ رباعی ۴ فعل صن .

توضیح فعل مجرد به فعلی می‌گویند که در صیغه اول ماضی آن حرف زائد نباشد و فعل مزید فیه به فعلی گفته می‌شود که صیغه اول ماضی آن دارای حرف زائد باشد

پرسش و تمرین ۱ فاعل نائب فاعل معلوم و مجهول را در جملات زیر معین کنید قرا زید الکتاب قرء الکتاب کتبت الدرس کتب الدرس اکت فاطمه الخبز اکل الخبز

شربت الماء شرب الماء عرف زید سال التلمیذ نصر علی قتل الحسین ع.

۲ - فعل غائب مخاطب متکلم را تعریف کرده برای هر کدام بفارسی مثال بزنید.

۳ - چرا هر کدام از دو قسم غائب و مخاطب شش صیغه و متکلم دو صیغه دارد آیا در فارسی هم همینطور است توضیح دهید.

۴ - شماره صیغه‌های زیر چیست متکلم وحده متکلم مع الغیر مفرد مؤنث مخاطب مفرد مؤنث غائب جمع مؤنث غائب جمع مؤنث مخاطب جمع مذکر مخاطب تثنیه مذکر غائب تثنیه مؤنث مخاطب.

۵ - نام صیغه‌های زیر را ذکر کنید ۶. ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ هر کدام از اقسام فعل معلوم و مجهول از چه گرفته می‌شوند

مبحث اول

ثلاثی مجرد فعل ثلاثی مجرد معلوم ماضی مضارع امر مجهول ماضی مضارع امر

فصل ۱ ماضی معلوم

ماضی معلوم ثلاثی مجرد از مصدر گرفته می‌شود.

برای گرفتن آن از مصدر باید حرف زائد مصدر را اگر دارای حرف زائیدی است انداخت فاء الفعل و لام الفعل را مفتوح و عین الفعل را متحرك نمود نوع حرکت عین الفعل در ماضی هر مصدر سماعی است بنا بر این ماضی ثلاثی مجرد معلوم بر یکی از این سه وزن است .

فعل فعل فعل مانند ذهاب رفتن ذهب رفت علم دانستن علم دانست حسن نیکو شدن حسن نیکو شد .

صیغه‌ها هر کدام از سه وزن فوق خود صیغه اول است سایر ۱۳ صیغه را از صیغه اول می‌گیریم بدین ترتیب .

۱۹

صیغه دوم با اضافه کردن الف به آخر صیغه اول فعل فعلا .

صیغه سوم با اضافه کردن واو به آخر صیغه اول و مضموم کردن لام الفعل فعلوا .

صیغه چهارم با اضافه کردن تاء ساکنه ت به آخر صیغه اول فعلت .

صیغه پنجم با اضافه کردن تا به آخر صیغه اول فعلتا .

صیغه ششم با اضافه کردن نون مفتوحه ن به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل فعلن .

صیغه هفتم با اضافه کردن تاء مفتوحه ت به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل فعلت .

صیغه هشتم با اضافه کردن تما به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل فعلتما .

صیغه نهم با اضافه کردن تم به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل فعلتم .

صیغه دهم با اضافه کردن تاء مکسوره ت به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل فعلت .

صیغه یازدهم با اضافه کردن تما به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل فعلتما .

صیغه دوازدهم با اضافه کردن تن به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل فعلتن .

صیغه سیزدهم با اضافه کردن تاء مضمومه ت به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل فعلت .

صیغه چهاردهم با اضافه کردن نا به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل فعلنا .

۲۰

الفعل را مضموم می‌کنیم حرکت عین الفعل مضارع نیز سماعی است و ممکن است مفتوح یا مکسور و یا مضموم باشد .

۲۲

بنا بر این مضارع ثلاثی مجرد معلوم نیز سه وزن دارد يفعل يفعل يفعل مانند ذهب یذهب دارد می‌رود یا خواهد رفت ضرب یضرب دارد می‌زند یا خواهد زد قتل یقتل دارد می‌کشد یا خواهد کشت .

صیغه‌ها هر کدام از سه وزن فوق صیغه اول مضارع است و ۱۳ صیغه دیگر را از صیغه اول می‌گیریم بدین طریق .

صیغه دوم با اضافه کردن الف و نون مکسوره ان به آخر صیغه اول و مفتوح کردن لام الفعل يفعل یفعلان .

صیغه سوم با اضافه کردن واو و نون مفتوحه ون به آخر صیغه اول يفعل یفعلون .

صیغه چهارم با تبدیل یاء حرف مضارع به تاء يفعل تفعل .

صیغه پنجم با تبدیل یاء به تاء و مفتوح کردن لام الفعل و اضافه کردن الف و نون مکسوره ان به آخر آن يفعل تفعلان .

صیغه ششم با ساکن کردن لام الفعل و اضافه کردن يك نون مفتوحه ن به آخر آن يفعل یفعلن .

صیغه هفتم با تبدیل یاء صیغه اول به تاء يفعل تفعل .

صیغه هشتم با تبدیل یاء صیغه اول به تاء و مفتوح کردن لام الفعل و اضافه کردن الف و نون مکسوره ان به آخر آن يفعل تفعلان .

صیغه نهم با تبدیل یاء صیغه اول به تاء و اضافه کردن واو و نون مفتوحه ون به آخر آن يفعل تفعلون .

صیغه دهم با تبدیل یاء صیغه اول به تاء و مکسور کردن لام الفعل و اضافه کردن یاء و نون مفتوحه ین به آخر آن يفعل یفعلین .

صیغه یازدهم با تبدیل یاء صیغه اول به تاء و مفتوح کردن لام الفعل و

۲۳

اضافه کردن الف و نون مکسوره ان به آخر آن يفعل تفعلان .

صیغه دوازدهم با تبدیل یاء صیغه اول به تاء و ساکن کردن لام الفعل و اضافه کردن يك نون مفتوح ن به آخر آن يفعل تفعن .

صیغه سیزدهم با تبدیل یاء صیغه اول به همزه يفعل افعل .

صیغه چهاردهم با تبدیل یاء صیغه اول به نون يفعل نفعل .

توجه کنید یاء تاء همزه و نون حروف اتین را که در اول صیغه‌های مضارع قرار دارند حروف مضارعه یا علامت فعل مضارع می‌نامند این حروف در مضارعی

که ماضی آن چهار حرفی باشد مضموم و در مضارعی که ماضی آن کمتر از چهار حرفی یا بیشتر از آن باشد مفتوح می‌باشند بنا بر آنچه گذشت صرف مضارع ثلاثی مجرد معلوم چنین است .

یفعَل یفعلان یفعلن یفعل تفعَلان تفعَلون تفعَلین تفعَلان تفعَلان افعَل افعَلن .

و همچنین است صرف صیغه‌های دو وزن دیگر یفعل و یفعَل .

ضمائر الف در تننیه‌ها و او در جمعهای مذکر نون در جمعهای مؤنث یاء در مفرد مؤنث مخاطب ضمائر بارز فاعل است در صیغه‌های ۱۴ ۱۳ ۱۴ ۷ ۱۴ ضمیر فاعل مستتر است در صیغه ۱ هو در صیغه ۴ هی در صیغه ۷ انت در صیغه ۱۳ انا و در صیغه ۱۴ نحن.

۲۴

توجه کنید در فعل مضارع دو صیغه جمع مؤنث مبنی و بقیه صیغه‌ها معرب است صیغه‌های معرب بخودی خود مرفوع می‌باشند علامت رفع در صیغه‌های ۱۳ ۷ و ۱۴ و ۱۴ ضمه لام الفعل و در تننیه‌ها جمعهای مذکر و مفرد مؤنث مخاطب نون آخر صیغه است که به آن نون عوض رفع می‌گویند .

در دو صیغه جمع مؤنث ۶ و ۱۲ نون مفتوحه ضمیر است نه علامت رفع

پرسش و تمرین

۱- فعل مضارع را تعریف کنید.

۲- مضارع ثلاثی مجرد معلوم چند وزن دارد چرا.

۳- مضارع ثلاثی مجرد معلوم از چه گرفته می‌شود و چگونه.

۴- صیغه‌های زیر چگونه ساخته می‌شوند ۵. ۱۱ ۸ ۱۲ ۶ ۱۴ ۱۳ ۱۴ ۷ ۱۴ نام صیغه‌های تمرین فوق چیست.

۶- مضارعه‌های زیر را صرف کنید یعمل یحسد یقذف یشرف یکتب یقرء یصبر.

۷- صیغه‌های زیر را از یعلم معنی کنید ۸. ۱۰ ۳ ۱۱ ۵ ۸ ۲ ۱۴ ۱۳ ۱۴ ۷ ۱۴ کیفیت ضمائر فعل مضارع را توضیح دهید.

۹- حروف مضارعه و حرکت آنها در مضارع ثلاثی مجرد معلوم و کیفیت وقوع آنها را بیان کنید.

۱۰- اعراب و علامت رفع در صیغه‌های مضارع به چه کیفیت است.

۱۱- در چه صیغه‌هایی از مضارع لام الفعل ساکن است و جامع بین این صیغه‌ها چیست

فصل ۳ ابواب ثلاثی مجرد

باید دانست که مضارع فعل ممکن است بر یکی از سه وزن **يَفْعَل يَفْعَل يَفْعَل** و مضارع فعل ممکن است بر یکی از دو وزن **يَفْعَل يَفْعَل** بیاید و مضارع فعل فقط بر وزن **يَفْعَل** می‌آید بعبارت دیگر در فعل ثلاثی مجرد معلوم به این چند گونه ماضی مضارع برخورد خواهیم کرد

۱ - فعل **يَفْعَل** مانند **منع** یمنع

۲ - فعل **يَفْعَل** مانند **ضرب** یضرب

۳ - فعل **يَفْعَل** مانند **نصر** ینصر

۴ - فعل **يَفْعَل** مانند **سمع** یسمع

۵ - فعل **يَفْعَل** مانند **حسب** یحسب

۶ - فعل **يَفْعَل** مانند **کرم** یکرم هر کدام از این اقسام ماضی مضارع را باب می‌نامند بنا بر این فعل ثلاثی مجرد دارای شش باب است

پرسش و تمرین

۱ اینکه می‌گویند فعل ثلاثی مجرد معلوم شش باب دارد یعنی چه.

۲- ماضی و مضارع مصادر زیر را بسازید اکل خوردن از باب ۳ قعود نشستن از باب ۳ شهاده حاضر بودن از باب ۴ ضرب زدن از باب ۲ رکوع خم شدن از باب ۱ سامه ناراحت شدن از باب ۴ قتل کشتن از باب ۳. ۳ صیغه‌های ۱۴ ۱۳ ۷ ۴ ۱ ماضی و مضارع‌های فوق را معنی کنید.

۴- شماره ابواب زیر را معین کنید جاء یجیء فهم یفهم سال یسال عمل یعمل حلم یحلم ذهب یذهب قتل یقتل علم یعلم حسن یحسن

۲۵

فصل ابواب ثلاثی مجرد

باید دانست که مضارع فعل ممکن است بر یکی از سه وزن **يَفْعَل يَفْعَل يَفْعَل** و مضارع فعل ممکن است بر یکی از دو وزن **يَفْعَل يَفْعَل** بیاید و مضارع فعل فقط بر وزن **يَفْعَل** می‌آید بعبارت دیگر در فعل ثلاثی مجرد معلوم به این چند گونه ماضی مضارع برخورد خواهیم کرد

۱ - فعل **يَفْعَل** مانند **منع** یمنع

۲ - فعل **يَفْعَل** مانند **ضرب** یضرب

۳ - فعل **يَفْعَل** مانند **نصر** ینصر

۴ - فعل **يَفْعَل** مانند **سمع** یسمع

۵ - فعل **يَفْعَل** مانند **حسب** یحسب

۶ - فعل یفعل مانند کرم یكرم هر کدام از این اقسام ماضی مضارع را باب می‌نامند بنا بر این فعل ثلاثی مجرد دارای شش باب است

پرسش و تمرین

۱ - اینکه می‌گویند فعل ثلاثی مجرد معلوم شش باب دارد یعنی چه.

۲ - ماضی و مضارع مصادر زیر را بسازید اکل خوردن از باب ۳ قعود نشستن از باب ۳ شهاده حاضر بودن از باب ۴ ضرب زدن از باب ۲ رکوع خم شدن از باب ۱ سامه ناراحت شدن از باب ۴ قتل کشتن از باب ۳. ۳ صیغه‌های ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ماضی و مضارع‌های فوق را معنی کنید.

۴ - شماره ابواب زیر را معین کنید جاء یجیء فهم یفهم سال یسال عمل یعمل حلم یحلم ذهب یذهب قتل یقتل علم یعلم حسن یحسن

۲۶

فصل امر معلوم

فعل امر از مضارع گرفته می‌شود البته نه اینچنین که صیغه اول آن از مضارع و بقیه صیغه‌ها از صیغه اول بلکه هر کدام از صیغه‌های آن از همان صیغه مضارع گرفته می‌شود شش صیغه غائب و دو صیغه متکلم با درآوردن لام امر بر سر مضارع ساخته می‌شود و شش صیغه مخاطب با تغییر خاصی در صیغه مضارع لذا آن هشت صیغه را امر بلام یا امر غائب و متکلم و این شش صیغه را امر به صیغه یا امر حاضر می‌نامند .

صیغه‌ها برای ساختن صیغه‌های غائب و متکلم امر لام مکسوری را که به آن لام امر گویند در اول صیغه‌های مضارع درآورده علامت رفع را از آخر آن می‌اندازیم و برای ساختن صیغه‌های مخاطب آن اولاً از اول هر کدام از صیغه‌های مضارع مخاطب حرف مضارع را می‌اندازیم ثانیاً اگر ما بعد حرف مضارع متحرك بود از همانجا امر را بنا می‌کنیم و دیگر احتیاج به زیاد کردن چیزی نیست و اگر ساکن بود همزه متحرکی در اول آن می‌آوریم ثالثاً اگر عین الفعل مضموم بود همزه را مضموم و الا همزه را مکسور می‌آوریم رابعاً علامت رفع را از آخر صیغه می‌اندازیم .

بنا بر این صرف صیغه‌های امر از یفعل چنین است لیفعل لیفعلا لیفعلوا لتفعل لتفعلا لیفعلن افعل افعلوا افعلی افعلوا لتفعل لتفعلا لیفعل لیفعلوا لتفعل لتفعلا لیفعلن افعل افعلوا

۲۷

و از یفعل چنین است لیفعل لیفعلا لیفعلوا...

افعل افعلوا...

لافعل لتفعل و از یفعل چنین است لیفعل لیفعلا لیفعلوا...

افعل افعلوا...

لا فعل لنفعل دو نکته ۱ لام امر را چون بعد از واو یا فاء یا ثم قرار گیرد می‌توانیم ساکن کنیم مانند
و لتنظر نفس ما قدمت لغد فلیعبدوا رب هذا البیتکم ليقضوا تفهم و لیوفوا نذورهم و لیطوفوا بالبيت العتیق
قرآن مجید.

۲- همزه امر همزه وصل است یعنی چون صیغه امر در اثناء کلام واقع شود همزه در تلفظ ساقط می‌شود و
ما قبل آن به ما بعد وصل می‌گردد مانند ارجع البصر
کرتین ۴ الملك .

ضمائر کیفیت ضمائر فعل امر مانند مضارع است و نیز ضمائر سائر افعال یعنی ثلاثی مزید معلوم رباعی
مجرد معلوم رباعی مزید معلوم و مجهول تمام این افعال
مانند ضمائر ثلاثی مجرد معلوم است ماضی مانند ماضی مضارع و امر مانند مضارع البتّه روشن است که
ضمیر در فعل معلوم ضمیر فاعل و در فعل مجهول ضمیر
نائب فاعل می‌باشد

پرسش و تمرین

۱ - فعل امر را تعریف کنید.

۲ - کیفیت اشتقاق امر از مضارع را بیان کنید.

۳ - قاعده ساختن امر غائب و امر حاضر را بیان کنید .

۲۸

امر صیغه‌های زیر چیست یذهب یعلمون نعلم اذهب تذهبین تذهبان یذهبان یعلمن تعلمن تذهب تعلم.

۵ - امر یقرء یکتب یصبر را صرف نموده صیغه‌های ۹ ۶ ۵ ۲ ۱۴ ۱۳ ۷ ۴ آنها امرها را معنی کنید.

۶ - در سور آخر قرآن مجید ده فعل امر حاضر را که همزه آن ساقط شده باشد پیدا کنید.

۷ - کیفیت ضمائر فعل امر را بیان کنید.

۸ - ضمائر زیر در چه صیغه‌هایی از مضارع و امر بکار می‌روند ان ی هو انا نحن.

۹ - در صیغه‌های زیر از مضارع و امر چه ضمیری بکار می‌رود و بارز است یا مستتر ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۵ ۴

۲۳

فصل ۵ ماضی مجهول

گذشت که ماضی مجهول را از ماضی معلوم می‌گیریم برای تبدیل ماضی معلوم به مجهول ما قبل آخر را

اگر مکسور نباشد مکسور و حروف متحرك قبل از آن را

که در ثلاثی مجرد فقط فاء الفعل است مضموم می‌کنیم مانند ضرب زد ضرب زده شد علم دانست علم دانسته
شد .

و صرف امر آن از این قرار است لیفعل به لیفعل بهما لیفعل بهم...

لیفعل بك لیفعل بکما لیفعل بکم...

لیفعل بی...

ضمائر همانطور که ملاحظه شد ضمائر مجهول متعدی به حرف جر غیر از ضمائر اقسام گذشته است این ضمائر عبارتند از ه هما هم ها هما هن ك كما کم ك كما کن ی نا که بوسیله حرف جر به ترتیب نائب فاعل صیغه‌های چهارده‌گانه فعل قرار می‌گیرند بجای شش ضمیر اول می‌توان اسم ظاهر آورد مانند ذهب به یا ذهب برجل...

ذهب بهن یا ذهب بنساء ولی در هشت صیغه بعد فقط باید ضمیر آورده شود

فصل ۹ مجهول بدون معلوم

در زبان عرب چند فعل مجهول وجود دارد که یا معلوم آن استعمال نشده است مثل اغمی علیه بیهوش شد و یا اصل معنای معلوم در آن حفظ نشده است مثل اولع به به او علاقه زیاد پیدا کرد یا به آن چیز یا کار حریص شد یا حریص بود حم تبار شد غشی علیه غش کرد جن دیوانه شد اتری آیا گمان می‌کنی عنی به باو اهتمام ورزید و...

پرسش و تمرین

۱ - اصطلاحات زیر را معنی کنید فعل لازم متعدی فعل متعدی بنفسه متعدی بحرف جر جار و مجرور مفعول با واسطه مفعول بی واسطه .

۲ - از سوره‌های نصر و انشراح برای اصطلاحات فوق مثال بیاورید.

۳ - فعل لازم را چگونه مجهول می‌کنند و چرا .

۴ - ماضی و مضارع مجهول افعال زیر را صرف کنید خرج منه دخل فیه سال عنه نظر الیه .

۵ - صیغه‌های زیر را از ماضی و مضارع‌های مجهول فوق معنی کنید ۶. ۱۴ ۱۳ ۱۴ ۱۷ ۱ امر مجهول مضارع‌های تمرین سابق ۴ را صرف کنید و صیغه‌های ۱۲ ۹ ۶ ۳ ۲ از امر مجهولها را معنی کنید .

۷ - ضمائر مجهول فعل لازم و کیفیت تخلف جانشین شدن اسم ظاهر از آنها را بیان کنید .

۸ - بنظر شما علت آوردن فعل مجهول بجای معلوم یعنی ذکر نکردن فاعل چه چیزها می‌تواند باشد .

۹ - آیا قواعدی که برای ساختن مجهول گفته شد عمومی است یا مختص به ثلاثی مجرد به چه دلیل .

۱۰ - کیفیت ضمائر معلوم و مجهول عمومی است یا خصوصی چرا

فصل ۹ مجهول بدون معلوم

در زبان عرب چند فعل مجهول وجود دارد که یا معلوم آن استعمال نشده است مثل اغمی علیه بیهوش شد و یا اصل معنای معلوم در آن حفظ نشده است مثل اولع به به او علاقه زیاد پیدا کرد یا به آن چیز یا کار حریص شد یا حریص بود حم تبار شد غشی علیه غش کرد جن دیوانه شد اتری آیا گمان می‌کنی عنی به باو اهتمام ورزید و...

پرسش و تمرین

۱ - اصطلاحات زیر را معنی کنید فعل لازم متعدی متعدی بنفسه متعدی بحرف جر جار و مجرور مفعول با واسطه مفعول بی واسطه .

۲ - از سوره‌های نصر و انشراح برای اصطلاحات فوق مثال بیاورید.

۳ - فعل لازم را چگونه مجهول می‌کنند و چرا .

۴ - ماضی و مضارع مجهول افعال زیر را صرف کنید خرج منه دخل فیه سال عنه نظر الیه .

۵ - صیغه‌های زیر را از ماضی و مضارع‌های مجهول فوق معنی کنید ۶. ۱۴ ۱۳ ۱۷ ۱ امر مجهول مضارع‌های تمرین سابق ۴ را صرف کنید و صیغه‌های ۱۲ ۹ ۶ ۳ ۲ از امر مجهولها را معنی کنید .

۷ - ضمائر مجهول فعل لازم و کیفیت تخلف جانشین شدن اسم ظاهر از آنها را بیان کنید .

۸ - بنظر شما علت آوردن فعل مجهول بجای معلوم یعنی ذکر نکردن فاعل چه چیزها می‌تواند باشد .

۹ - آیا قواعدی که برای ساختن مجهول گفته شد عمومی است یا مختص به ثلاثی مجرد به چه دلیلی .

۱۰ - کیفیت ضمائر معلوم و مجهول عمومی است یا خصوصی چرا

۳۴

تتمه

انکه در خلال فصلهای اخیر روشن شد فعل مجهول چه مجهول متعدی بنفسه و چه مجهول متعدی بحرف جر فقط به يك صورت صرف می‌شود و ۱۴ صیغه دارد و همین طور است فعل معلوم لازم لکن فعل معلوم متعدی چه متعدی بنفسه و چه متعدی به حرف جر برای هر صیغه آن در رابطه با مفعول ۱۴ صیغه متصور است که از ضرب ۱۹۶ ۱۴.۱۴ صورت بدست می‌آید هر چند تمام این صور مورد استفاده قرار نمی‌گیرد دو جدول زیر صور آنرا در حالتی که مفعول ضمیر متصل باشد نشان می‌دهد

۳۵

و بر همین قیاس است صرف مضارع و امر در مجهول کردن هر کدام از صیغه‌های جدول شماره ۲ فعل را مجهول کرده ضمیر فاعلی را حذف نموده و جار و مجرور را بعنوان نائب فاعل بعد از فعل می‌آوریم مانند ذهبوا بزید ذهب بزید اما در مجهول کردن هر کدام از صیغه‌های جدول شماره ۱ فعل را مجهول کرده ضمیر فاعلی را حذف می‌کنیم و ضمیر مفعولی را به ضمیر فاعلی معادل خود تبدیل کرده و بعنوان نائب فاعل به فعل مجهول ملحق می‌کنیم روشن است که در برخی از صیغه‌ها ضمیر نائب فاعل مستتر خواهد بود مثلا مجهول نصر و هن نصرن و مجهول نصرنهم نصر و... در جدول زیر معادله بین ضمائر فاعلی و مفعولی مشخص شده است ضمائر فاعلی ماضی ضمائر مفعولی ضمائر فاعلی مضارع و امر هو مستتر ه هو مستتر ا هما ا و هم و هی مستتر ها هی مستتر ا هما ا ن هن ن ت ك انت مستتر تما کما ا تم کم و ت ك ی

۳۶

تما کما ا تن کن ن ت ی انا مستتر نا نا نحن مستتر

فصل ۱۰ مضاعف

گذشت که مضاعف کلمه‌ای است که فاء و عین یا عین و لام آن همجنس باشد لکن در زبان عربی فعلی که فاء و عین آن همجنس باشد شنیده نشده است بنا بر این فعل مضاعف منحصر است در فعلی که عین الفعل و لام الفعل آن همانند باشد مانند مدد کشید و سدد بست فعل مضاعف چنانچه در مقدمه گذشت در معرض ادغام است ادغام در بعضی از صیغه‌های فعل مضاعف واجب و در بعضی جائز و در بعضی ممتنع است .

۳۷

ماضی در پنج صیغه اول ماضی ادغام واجب است زیرا حرف دوم متحرك و حرف اول جائز التسکین است و در بقیه صیغه‌ها ممتنع می‌باشد زیرا

۳۸

حرف دوم ساکن و سکون آن به جهت اتصال به ضمیر رفع متحرك است صرف آن از مد کشید بر وزن فعل چنین است معلوم مد مدا...

مددن مددت...

مجهول مد مدا...

مددن مددت...

مضارع ادغام در دو صیغه جمع مؤنث مضارع ممتنع و در بقیه صیغه‌ها واجب است دلیل امتناع و وجوب همان است که در ماضی گفته شد صرف آن از یمد می کشد بر وزن یفعل چنین است معلوم یمد یمدان یمدون تمد تمدان یمدتن تمدن تمدین تمدان تمددن امد نمد مجهول یمد...

یمددن تمد...

تمدن امد نم.

امر ادغام در صیغه‌های ۱۳ ۱۴ و ۱۴ امر جائز و در صیغه‌های ۶ و ۱۲ ممتنع و در بقیه واجب است
دلیل امتناع و وجوب همان است که گذشت و دلیل
جواز در آن پنج صیغه این است که حرف دوم بخاطر عامل جزم یا بناء ساکن است روشن است که در این
پنج صیغه اگر بخواهیم ادغام کنیم باید حرف دوم را
حرکت دهیم حرکت آن می‌تواند فتحه یا کسره و اگر عین الفعل مضموم است فتحه یا کسره یا ضمه باشد بنا
بر این در مضموم العین چهار وجه و در غیر آن سه
وجه جائز است.

در پنج صیغه اول امر حاضر در صورت ادغام همزه امر می‌افتد زیرا

۳۹

فاء الفعل به حرکت عین الفعل متحرك می‌شود و دیگر احتیاجی به همزه نیست صرف صیغه‌های امر معلوم
یعض می‌گردد بر وزن یفعل چنین است لیعضض لیعض
لیعض لیعضا...

اعضض عض عض اعضا...

لاعضض لاعض لاعض...

صرف صیغه‌های امر معلوم یفر فرار می‌کند بر وزن یفعل چنین است لیفرر لیفر لیفر لیفرا...

افرر فر فر فرا...

لافرر لافر لافر...

صرف صیغه‌های امر معلوم یمد می‌کشد بر وزن یفعل چنین است لیمدد لیمد لیمد لیمدا...

امدد مد مد مدا...

لامدد لامد لامد لامد...

تبصره ماده‌های الحیاه زنده شدن و العی عاجز شدن و امثال آن هم مضاعف‌اند و هم لفیف بنا بر این حکم هر
دو را می‌توان در آنها جاری کرد و گفت حی حی حیوا
حیوا...

حییوا نیز سماعا جائز است یحیی یحییان یحیون...

لیحیی لیحییا لیحیوا...

احی احییا احیوا...

و یا حی حیا حیوا...

یحی یحیان یحیون...

لیحیی لیحی لیحی لیحیا لیحیوا...

و همینطور ماده‌های دیگر از این قبیل در بعضی از صیغه‌های چنین افعالی تغییراتی عارض می‌شود که جهت آن در فصلهای آینده خواهد آمد

پرسش و تمرین

۱ - ادغام چیست.

۲ - حکم ادغام کلمات زیر چیست چرا ویل لکل همزه لمزه یجرر مررت سارر عوود محمرر درر حرر ممسوح تنوین محلل مرره اشئدد یشئددن تعوون مضارر تحررر ببر لم یعضض افرر احللن قررتم مستقرر سئدئتما منوال یوبب.

۳ - دو حرف متقارب را تعریف کنید.

۴ - آیا قاعده ادغام به فعل یا اسم اختصاص دارد.

۵ - آیا انقسام به صحیح معتل مهموز مضاعف سالم مخصوص کلمه ثلاثی است.

۶ - ضمائر فعل را ضمیر رفع یا مرفوع می‌گویند چرا.

۷ - عض را که بر وزن فعل و مد و فر را که بر وزن فعل هستند صرف کنید.

۸ - ادغام در چه مواردی واجب در چه مواردی جائز و در چه مواردی ممتنع است اجمالا ذکر کنید.

۹ - یمد یفر و یعض را صرف کنید.

۱۰ - خصوصیت امر از جهت ادغام نسبت به مضارع چیست.

۱۱ - علت هر کدام از وجوه صیغه‌های چند وجهی امر را می‌دانید آن علت چیست.

۱۲ - امر یمد یفر و یعض را صرف کنید.

۱۳ - ماضی مجهول مد و مضارع مجهول فر و امر مجهول عض را صرف کنید

فصل ۱۱ مهموز

مهموز بر سه نوع است

۱ - مهموز الفاء مانند امر فرمان داد

۲ - مهموز العین مانند سال پرسید

۳ - مهموز اللام مانند قرا خواند نوع دوم و سوم مانند سالم است و

۴۰

پرسش و تمرین

۱ - ادغام چیست.

۲ - حکم ادغام کلمات زیر چیست چرا ویل لکل همزه لمزه یجرر مررت سارر عوود محمرر درر حرر ممسوح تنوین محلل مرره اشئدد یشددن تعوون مضارر تحررر ببر لم یعضض افرر احللن قررتم مستقرر سددتما منوال یوبب.

۳ - دو حرف متقارب را تعریف کنید.

۴ - آیا قاعده ادغام به فعل یا اسم اختصاص دارد.

۵ - آیا انقسام به صحیح معتل مهموز مضاعف سالم مخصوص کلمه ثلاثی است.

۶ - ضمائر فعل را ضمیر رفع یا مرفوع می‌گویند چرا.

۷ - عض را که بر وزن فعل و مد و فر را که بر وزن فعل هستند صرف کنید.

۸ - ادغام در چه مواردی واجب در چه مواردی جائز و در چه مواردی ممتنع است اجمالا ذکر کنید.

۹ - یمد یفر و یعض را صرف کنید.

۱۰ - خصوصیت امر از جهت ادغام نسبت به مضارع چیست.

۱۱ - علت هر کدام از وجوه صیغه‌های چند وجهی امر را می‌دانید آن علت چیست.

۱۲ - امر یمد یفر و یعض را صرف کنید.

۱۳ - ماضی مجهول مد و مضارع مجهول فر و امر مجهول عض را صرف کنید

فصل ۱۱ مهموز

مهموز بر سه نوع است

۱ - مهموز الفاء مانند امر فرمان داد

۲ - مهموز العین مانند سال پرسید

۳ - مهموز اللام مانند قرا خواند نوع دوم و سوم مانند سالم است و

۴۱

امتیازی ندارد و اما نوع اول محل جریان قاعده تخفیف همزه می‌باشد بدین ترتیب که همزه در صیغه‌های ۱۳ مضارع و امر و ۷ تا ۱۲ امر معلوم وجوبا تخفیف می‌شود مانند معلوم یامر یامرآن...

امر نامر لیامر...

اومر...

لامر لنامر مجهول یؤمر یؤمرآن...

اؤمر نؤمر ليؤمر...

لتؤمر...

لاؤمر لنؤمر و در بقيه صيغه‌های مضارع و امر تخفيف آن جائز است مانند يامر...

و يومر...

چند مورد استثنائی ۱ و ۲ و ۳ اخذ گرفتن اكل خوردن امر فرمان دادن امر حاضر معلوم اين سه ماده از قواعد عمومي استثناء شده چنين صرف می‌شود خذ خدا خذوا...

كل كلا كلوا...

مر مرا مروا...

يعنی نه تنها همزه امر نمی‌گیرد بلکه همزه فاء الفعل نیز می‌افتد البته اين عمل در دو ماده اول واجب و در ماده سوم جائز است يعنی امر آنرا اين چنين نیز می‌توان صرف کرد اوامر او مروا...

۴۲

سؤال پرسیدن در ماضی مضارع و امر معلوم اين ماده جايز است همزه عين الفعل را به الف تبدیل کنیم پس می‌گوییم سال سالو يا سال سالو سالو...

يسال يسالان...

يا يسال يسالان...

ليسال...

اسال...

يا ليسال...

سل...

در صيغه‌های ۱۴ ۱۳ ۱۲ و نیز ۶ و ۱۲ امر الف به التقاء ساکنین می‌افتد در صيغه‌های ۱۰ ۹ ۸ و ۱۱ سلا سلوا و سلی نیز شنیده شده است و در

صورتی که واو یا فاء بر سر صيغه امر درآید مانند و اسال و فاسالوا تبدیل همزه آن بالف شنیده نشده است.

۵- رای رؤيه دیدن از معلوم و مجهول مضارع و امر اين مصدر همزه عين الفعل پس از نقل حرکت آن به ما قبل حذف می‌شود می‌گوییم یری یریا یرون...

لیر لیریا لیروا...

ر ریا روا...

یری یریان یرون...

لیر لیریا لیروا...

در بعضی از صیغه‌های این فعل تغییراتی عارض می‌شود که جهت آن در بحث ناقص خواهد آمد

پرسش و تمرین

۱ - سالم صحیح مضاعف و مهموز را تعریف کنید.

۲ - تبدیل همزه به حرف مد در کجا واجب و در کجا جائز است.

۳ - مضارع معلوم و مجهول امن یامن و امر یامر و امر معلوم آن دو را صرف کنید.

۴ - امر معلوم و مجهول یاخذ یاکل و یامر را صرف کنید.

۵ - ماضی معلوم مضارع معلوم و مجهول و امر معلوم و مجهول رای یری را صرف کنید.

۶ - معلوم و مجهول ماضی مضارع و امر سؤال را به وجوه ممکن صرف کنید

۴۳

فصل ۱۲ قواعد اعلال

چنانکه قبلاً اشاره شد حروف عله در معرض تغییرند که تغییر آنها را اعلال می‌نامند اینک لازم است قبل از بررسی اقسام فعل معتل تغییراتی را که در حروف عله عارض می‌شود بشناسیم این تغییرات در چهار چوب قواعدی که به قواعد اعلال معروفند صورت می‌گیرد قواعد اعلال بعضی مخصوص نوع خاصی از انواع کلمه‌اند مثلاً مخصوص فعل مضارع مثال واوی یا ماضی اجوف یا امر ناقص می‌باشند و بعضی دیگر چنین نبوده و نسبتاً عمومی‌اند از قواعد عمومی نسبی اعلال بعضی بیشتر در فعل مورد دارند و بعضی فقط در اسم دسته اول از قواعد عمومی اعلال در اینجا و دسته دوم در مقدمه بخش اسم بیان می‌شود و هر کدام از قواعد خصوصی در موضع مخصوص به خود خواهد آمد .

قاعده اول واو و یاء متحرك اگر عين الفعل کلمه واقع شوند و ما قبلشان حرف صحیح و ساکن باشد حرکتشان به ما قبل داده می‌شود مانند يقول يقول یبيع یبيع یخوف یخوف یخاف یخاف بخلاف فتیه مثلاً .

قاعده دوم واو و یاء مضموم یا مکسور اگر در اثناء کلمه واقع شوند و عين الفعل یا لام الفعل باشند و ما قبلشان حرف صحیح و متحرك باشد پس از سلب حرکت ما قبل حرکتشان به ما قبل داده می‌شود مانند قول قول قبل یبيع یبعون یبعون رضیوا رضیوا رضوا .

۴۴

قاعده سوم واو مضموم ما قبل مضموم و یاء مضموم یا مکسور ما قبل مکسور اگر در آخر کلمه قرار گیرند حرکتشان می افتد مانند یدعو یدعو یرمی یرمی رومی رومی .

قاعده چهارم واو ساکن ما قبل مکسور قلب به یاء می شود مانند قول قیل موزان میزان .

قاعده پنجم واو در صورتیکه لام الفعل باشد و ما قبل آن مکسور قلب به یاء می شود مانند دعو دعوی دعون دعین داعو داعی داعین داع بخلاف رخو و رجو رجا .

قاعده ششم واو در صورتیکه لام الفعل باشد و ما قبل آن مفتوح قلب به یاء می شود مشروط بر اینکه حرف چهارم به بعد کلمه باشد مانند یدعو یدعی یدعی یدعون یدعین بخلاف دعو دعا باید توجه داشت که این قاعده بر قاعده هشتم اعلال مقدم است یعنی در مواردی که امکان اجرای هر دو قاعده باشد اول این قاعده جاری می شود و سپس قاعده هشتم .

قاعده هفتم یاء ساکن ما قبل مضموم قلب به واو می شود مشروط بر اینکه فاء الفعل باشد مانند بیسر یوسر میسر موسر .

قاعده هشتم واو و یاء متحرك ما قبل مفتوح قلب به الف می شوند مشروط به اینکه حرکت آنها عارضی نباشد و حرکتی را که قبل از

۴۵

الف یا یاء نسبت یا علامت تثنیه یا نون تاکید و یا جهت دفع التقاء ساکنین باشد عارضی گویند مانند دعو دعا یدعو یدعی یدعی بخلاف دعوا و رضوی و فتیان و فتیین و اخشون صیغه نهم امر معلوم مؤکد به نون تاکید ثقیله و اخشوا الله و امثال اینها و همچنین است اگر واو و یاء در موضع حرکت باشند یعنی به جهت جریان قواعد اعلال سکونی در همین کلمه ساکن شده باشند مانند یخوف یخوف یخاف یبیع یبیع یباع تبصره این قاعده در فاء الفعل جاری نمی شود مانند یود و تیسر قاعده نهم الف ما قبل مضموم قلب به واو و الف ما قبل مکسور قلب به یاء می شود مانند قابل قابل قوبل مصباح مصبیح .

قاعده دهم حرف عله در التقاء ساکنین حذف می شود مانند قول قل بیع بع خاف خف تفصیل این قاعده در فصل دوم خاتمه خواهد آمد .

تذکار ۱ از قواعد دهگانه فوق سه قاعده اول مربوط به اعلال سکونی است و شش قاعده بعد مربوط به اعلال قلبی و قاعده دهم مربوط به اعلال حذفی ۲ در تزامم بین قواعد قلبی و سکونی قاعده قلبی بر سکونی مقدم است مثلاً خوف می شود خاف نه خوف که بشود خیف .

۴۶

تبصره

بر قواعد اعلال حرف عله در موارد زیر در حکم حرف صحیح است و اعلال نمی شود

- ۱ - عین الفعل لفیف مقرون مانند قوی و یحیی
- ۲ - عین الفعل کلماتی که بمعنی عیب یا رنگ باشند مانند عور حول قود اسود
- ۳ - عین الفعل اسم آلت مانند مقود و مخیط
- ۴ - عین الفعل جمع قله مانند ادور جمع دار اعین جمع عین انیاب جمع ناب اسوره جمع سوار احوال و احوله جمع حول و حال
- ۵ - عین الفعل مصدر مشهور باب تفعیل مانند تقویم تنوین تبیین تعیین
- ۶ - عین الفعل افعال تفضیل و افعال وصفی صفت مشبیه مانند اهون و ابیض
- ۷ - عین الفعل صیغه تعجب مانند ما اقوم زیدا و اقوم بزید
- ۸ - عین الفعل وزن فعلاں مانند جولان حیوان فوران هیجان
- ۹ - عین الفعل کلمه‌ای که بعد از عین الفعل آن حرف مد است مانند جواد طویل بیان غیور گر چه در بعضی موارد اعلال می‌شود مانند صوام صیام مبیوع مبیع و تفصیل آن در بحث اجوف و مقدمه بخش اسم خواهد آمد
- ۱۰ - غیر آخر کلمه ملحق بحث ملحق در فصل ۶ خاتمه خواهد آمد مانند جهور و خورنق بخلاف مثل اسلنقی

۱۱ - حرف عله مشدد مانند صیر و مصور

فصل ۱۳ مثال

۱ - مثال بر دو نوع است

۱ - واوی مانند وعد وعده داد

۲ - یائی مانند یسر آسان شد .

مثال واوی ثلاثی مجرد دارای دو قاعده خصوصی است

۴۷

از مصدر آن اگر بر وزن فعل باشد غالبا واو فاء الفعل پس از نقل حرکتش به ما بعد می‌افتد و به جای آن يك تاء در آخر آورده می‌شود مانند وعد وعده دادن عده وصل صله بخلاف مثل وزر سنگینی گاهی در مصدر بر وزن فعل مثال واوی نیز قاعده فوق جاری می‌شود مانند وسع سعه وضع ضعه لکن غالبا جاری نمی‌شود مانند وقت و وزن و...

۲ - از مضارع معلوم آن اگر بر وزن یفعل مکسور العین باشد فاء الفعل حذف می‌شود مانند یوعد یعد این قاعده در چند مضارع مفتوح العین نیز جاری می‌شود از قبیل یوسع یضع یوقع یقع یودع یُدع یورع یرع یوطا یطأ یوذر یذر یوهب یهب یوسع و یوضع

نیز شنیده شده است امر معلوم چنین افعالی نیز نظیر مضارع معلوم آن محذوف الفاء خواهد بود مانند لیعد لیعدا لیعدوا...
عد عدا عدوا...

اما در مضارع و امر مجهول واو حذف نمی‌شود می‌گوییم یوعد یوعدان...
لیوعد لیوعدا...
پرسش و تمرین

۱ - معتل را تعریف نموده اقسام آنرا نام ببرید.

۲ - مصادر زیر در اصل چه بوده‌اند هبه سعه جده مقه دیه.

۳ - مضارع معلوم یعد و یرث مضارع مجهول یجد و یصل امر معلوم یکل و یهب امر مجهول یضع و یطا را صرف کنید.

۴ - قواعد خصوصی و عمومی مثال را با ذکر دو نمونه برای هر يك ذکر نمایید.

۵ - امر حاضر معلوم یدع یرد یذر و یقف را صرف کنید

۴۸

فصل ۱۴ اجوف

اجوف ثلاثی مجرد دارای دو قاعده خصوصی می‌باشد که عبارتند از قاعده ۱ مضارع معلوم اجوف چه واوی باشد چه یائی اگر مضموم العین یفعل باشد ماضی معلوم و مجهول آن از صیغه ششم به بعد مضموم الفاء می‌شود و اگر مفتوح العین یا مکسور العین یفعل یا یفعل باشد از صیغه ششم به بعد مکسور الفاء می‌گردد .

در ماضی معلوم القول گفتن که فعل آن از باب فعل یفعل است می‌گوییم قال قالوا قالوا قالت قالنا قلن قلت...

و در مجهول آن می‌گوییم قبل قبلا قیلوا قیلنا قلن قلت...

در ماضی معلوم البیع معامله کردن که فعل آن از باب فعل یفعل است می‌گوییم باع باعوا باعث باعثا بعن بعن...

و در مجهول آن می‌گوییم بیع بیعا بیعوا بیعتا بعن بعن...

و در ماضی معلوم الخوف ترسیدن که فعل آن از باب فعل یفعل است می‌گوییم خاف خافا خافوا خافت خافتا خفن خفت...

و در مجهول آن می‌گوییم خیف منه خیف منهما خیف منهنم...

۴۹

تبصره

در فعل ماضی لیس نیست قاعده مزبور جاری نمی‌شود و فاء الفعل در تمام صیغه‌ها مفتوح است می‌گوییم لیس لیسوا لیسوا لیست لیست لسن لست...

قاعده ۲

اجوف واوی مجرد باشد یا مزید اگر در مصدر آن واو ما قبل مکسور قبل از الف قرار گیرد قلب به یاء می‌شود مشروط به اینکه واو در ماضی آن اعلال شده باشد مانند قوام قیام انقواد انقیاد بخلاف لواذ و اجتوار .

توجه کنید با در نظر گرفتن قواعد عمومی اعلال تغییراتی که در صیغه‌های مختلف اجوف صورت گرفته است

روشن می‌شود الف در پنج صیغه اول ماضی معلوم اجوف قاعده هشتم جاری می‌شود و در بقیه صیغه‌ها بعد از این قاعده قاعده دهم جاری می‌گردد ب در تمام صیغه‌های مضارع معلوم قاعده اول و در دو صیغه ۶ و ۱۲ قاعده دهم نیز جاری می‌شود ج به جهت اجراء همین قواعد قاعده ۱ و ۱۰ است که امر یقول را چنین صرف می‌کنیم لیقل لیقولاً لیقولوا...

قل قولاً قولوا و امر بیبع را چنین لیبع لیبیعاً لیبیعوا...

بع بیعاً بیعوا...

و نیز اصل قیل مجهول قال قول بود که به جهت اجراء قواعد ۲ و ۴ بدین صورت درآمد و اصل بیع مجهول باع بیع بود که بواسطه اجراء قاعده ۲ چنین شد و همینطور...

۵۰

پرسش و تمرین

۱ در کلمات زیر کدام قاعده از قواعد اعلال جاری می‌شود یزین یروع لوم قوم به صیر یجیء حوله جوران عود القول میقظ مختیر میسر معتود میقن مرتوض اجود قوم یقول محول روی موثاق اجلواز غیب قولت سیرت سیر قومن یهیین.

۲ -معلوم و مجهول ماضی قام یقوم و خاف یخاف اجوف واوی و سار یسیر و هاب یهاب اجوف یائی را صرف کنید.

۳ -معلوم مضارعهای تمرین سابق را صرف کنید و بیان کنید در صیغه‌های ۱۰ ۶ ۱ یقول چه قاعده یا قواعدی جاری می‌شود.

۴ -در پنج صیغه اول ماضی مجهول قال و باع چه قاعده یا قواعدی جاری می‌شود و در بقیه صیغه‌های آن چه قواعدی.

۵ -امر معلوم و امر مجهول افعال تمرین دوم را صرف کنید.

۶- می‌دانید که در اجوف همیشه از صیغه‌های ۶ ۱۴ ۱۳ ۷ ۴ ۱ و ۱۲ امر عین الفعل حذف می‌شود علت این مطلب چیست.

۷- مجهول ماضی مضارع و امر خاف منه سار الیه قام فیه را صرف کنید.

۸- با توجه به قواعد وزن که در مقدمه گذشت وزن صیغه‌های ماضی معلوم الخوف و مضارع مجهول البیع و امر معلوم القول را ذکر کنید.

۹- قواعد خصوصی اجوف را بیان نموده برای هر کدام مثال بزنید و لیس را صرف کنید.

۱۰- ده کلمه معتل از قرآن مجید بیاورید و اعلال آنها را بیان کنید

فصل ۱۵ ناقص

ناقص ثلاثی مجرد دارای يك قاعده خصوصی است و آن اینکه در امر و مضارع مجزوم آن در صیغه‌های ۱۳ ۷ ۴ ۱ و ۱۴ که علامت رفع ضمه لام الفعل است خود لام الفعل می‌افتد .

۵۱

جریان قواعد عمومی اعلال در ناقص نیز تغییرات زیادی ایجاد می‌کند از این رو بعضی از قسمتهای آن را صرف می‌کنیم الدعاء الدعوه خواندن و دعوت کردن ناقص واوی از باب فعل یفعل است ماضی معلوم دعا دعوا دعوا دعوت دعوت دعوت دعوت...

مضارع معلوم یدعو یدعوان یدعون تدعو تدعوان یدعون تدعون تدعین تدعوان تدعون ادعو تدعو امر معلوم لیدع لیدعوا لیدعوا لتدع لتدعوا لیدعون ادع ادعوا ادعوا ادعی ادعوا ادعون لادع لندع ماضی مجهول دعی دعیا دعوا دعیت دعیتا دعین دعیت... مضارع مجهول یدعی یدعیان یدعون تدعی تدعیان یدعین تدعی تدعیان تدعون تدعین تدعیان تدعین ادعی ندعی امر مجهول لیدع لیدعیا لیدعوا لتدع لتدعیا لیدعین لتدع...
الرمی پرتاب کردن ناقص یائی از باب فعل یفعل است

۵۲

ماضی معلوم رمی رمیا رموا رمت رمتا رمین رمیت...

مضارع معلوم یرمی یرمیان یرمون ترمی ترمیان یرمین ترمی ترمیان ترمون ترمین ترمیان ترمین ارمی نرمی امر معلوم لیرم لیرمیا لیرموا لترم لترمیا لیرمین ارم ارمیا ارموا ارمی ارمیا ارمین لارم لارم ماضی مجهول رمی رمیا رموا رمیت رمیتا رمین رمیت...

مضارع مجهول یرمی یرمیان یرمون ترمی ترمیان یرمین ترمی ترمیان ترمون ترمین ترمیان ترمین ارمی نرمی امر مجهول لیرم لیرمیا لیرموا لترم لترمیا لیرمین لترم...
لترم...

- ۱ - دعا و رمی را صرف کرده اعلال تمام صیغه‌ها را بیان نمایید.
- ۲ - دعای و رمی را صرف کرده چگونگی اعلال هر صیغه را بیان کنید.
- ۳ - یدعو و یرمی را صرف کرده کیفیت اعلال تمام صیغه‌ها را بیان کنید.
- ۴ - در یدعی چه قواعدی جاری است و در یرمی چه قاعده‌ای.
- ۵ - امر معلوم بیکی و یعلو و امر مجهول یخلو و یجری را صرف کنید.
- ۶ - یهدی یمشی یغزو و یرجو را صرف کنید.
- ۷ - ماضی‌های زیر را صرف کنید بدا یبدو مشی یمشی محایمحو.
- ۸ - با توجه به قواعد وزن وزن صیغه‌های ماضی معلوم الرمی و مضارع معلوم الدعاء و مضارع مجهول الرمی را ذکر کنید

فصل ۱۶ لفیف

دانستیم که لفیف بر دو قسم است

- ۱ - لفیف مفروق مانند وقی
- ۲ - لفیف مقرون مانند لوی لفیف مقرون خود بر دو قسم است که معتل الفاء و العین آن مختص اسم می‌باشد.

۵۳

لفیف مفروق از جهت فاء الفعل مانند مثال و از جهت لام الفعل مانند ناقص است لذا قواعد عمومی و خصوصی هر دو قسم در آن جاری می‌شود مثلاً الوقی نگهداشتن و حفظ کردن لفیف مفروق از باب فعل یفعل است ماضی معلوم آن می‌شود وقی...

مضارع معلوم آن یقی...

و امر معلوم آن لیق...

ق...

و مجهول آنها بترتیب وقی...

یوقی...

لیوق...

لفیف مقرون نیز از جهت عین الفعل شبیه به اجوف و از جهت لام الفعل شبیه ناقص است اما در آن فقط احکام ناقص جاری می‌شود و در عین الفعل آن نه تنها قاعده خصوصی اجوف نمی‌آید بلکه قواعد عمومی اعلال نیز جاری نمی‌شود مثلاً اللوی پیچاندن لفیف مقرون از باب فعل یفعل است ماضی معلوم آن لوی...

مضارع معلوم آن یلوی...

و امر معلوم آن لیلو...

الو...

است و مجهول آن بترتیب لوی...

یلوی...

لیلو...

با توجه به قواعد عمومی و خصوصی اعلال صرف افعال لفیف روشن خواهد بود .

تذکار فعلی که هر سه حرف اصلیش حرف عله باشد نداریم لذا در باره معتل الفاء و العین و اللام بحثی نخواهیم داشت

۵۴

پرسش و تمرین

۱ وجه تسمیه لفیف چیست لفیف یعنی پیچیده شده.

۲- در لفیف مقرون چه قواعدی جاری است و عین الفعل آن چه حکمی دارد.

۳- معلوم و مجهول ماضی مضارع و امر افعال زیر را صرف کنید وفی یفی وای یای و جی یوجی شوی یشوی عیی یعییی عی یعی حی یحیی یحیی حی یحیی.

۴- در مضارع معتل اللام چه صیغه‌هایی لفظا مشابهند و وزن هر کدام چیست.

۵- امر لفیف مفروق در چه صورتی يك حرفی است و چرا.

۶- با توجه به قواعد وزن و وزن صیغه‌های مضارع معلوم الوعی و امر مجهول الوقی را ذکر کنید.

۷- در لفیف مفروق چه قواعدی جاری است

فصل ۱۷ حالات فعل ماضی

فعل ماضی در زبان عربی از جهت معنی چهار گونه است ۱

ماضی مطلق که همان ماضی ساده است و تا بحال در مثالها از آن استفاده می‌کردیم مانند ذهب زید زید

رفت منفی ماضی مطلق را به دو نحو می‌توان ساخت الف با

درآوردن ما یا لای نافیه بر سر فعل ماضی ب با درآوردن لم که حرف نفی و جزم است بر سر فعل

مضارع از این ترکیب در فصل بعد بحث خواهد شد می‌گوییم ما

ذهب زید یا لم یذهب زید نرفت .

۲ ماضی نقلی که بر وقوع کاری در زمان گذشته و در موردی که اثر

۵۵

آن تا زمان حال باقی باشد دلالت می‌کند ماضی نقلی از ترکیب قد با ماضی مطلق ساخته می‌شود می‌گوییم قد ذهب زید زید رفته است و منفی آن از ترکیب لما که حرف نفی و جزم است با فعل مضارع ساخته می‌شود می‌گوییم لما یذهب زید زید تا بحال نرفته است .۳ ماضی بعید که بر تحقق کاری در گذشته بطوری که اثر آن نیز زائل شده است دلالت می‌کند این فعل از ترکیب فعل کان با فعل ماضی ساخته می‌شود می‌گوییم زید کان ذهب زید رفته بود زید و بکر کانا ذهباً زید و بکر رفته بودند و...

گاهی قبل یا بعد از فعل کان حرف قد نیز آورده می‌شود مانند زید قد کان ذهب یا زید کان قد ذهب و گاهی اسم را بین کان و فعل ماضی می‌آورند و می‌گویند کان زید ذهب کان زید ذهب کان زید و بکر ذهباً و...

منفی این فعل با درآوردن مای نافیہ بر سر کان ساخته می‌شود مانند زید ما کان ذهب زید نرفته بود زید و بکر ما کانا ذهباً زید و بکر نرفته بودند .۴ ماضی استمراری که بر وقوع مستمر کاری در گذشته دلالت می‌کند این فعل با درآوردن فعل کان بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود می‌گوییم زید کان یذهب زید می‌رفت زید و بکر کانا یذهبان زید و بکر می‌رفتند و...

گاهی بین کان و فعل مضارع يك یا چند کلمه فاصله می‌شود مانند کان زید یذهب و کان زید و بکر یذهبان و کانا قليلا من الليل ما یهجعون ۱۷ الذاریات منفی ماضی استمراری با درآوردن مای نافیہ بر سر کان یا لای

۵۶

نافیه بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود می‌گوییم ما کان زید یذهب زید نمی‌رفت زید و بکر ما کانا یذهبان زید و بکر نمی‌رفتند کانا لا یتناهون عن منکر فعلوه ۷۹ مائده و...

پرسش و تمرین

۱ - جملات زیر را به عربی ترجمه کنید حسن خوابیده بود علی می‌جنگید شما درس خوانده‌اید بچه‌ها بازی می‌کردند مادرم مرا دوست می‌داشت پدرم به جبهه رفته بود شاگردان درس خوانده‌اند هر روز به مدرسه می‌رفتیم.

۲ - جملات زیر را به فارسی برگردانید .۱ لم نشرح لك صدرکانت تعمل الخبائثکانوا انفسهم یظلمونلم یکن شیئاً مذکوراً عصى ابلیس ربه و لما یندم قد سمع اللهکنا نخوض و نلعبقد شفی العلیلکنا نکذب بیوم الدین.

۳ - جملات مثبت تمرین شماره ۱ را منفی و جملات منفی را مثبت کنید.

۴ - چگونگی ساختن انواع ماضی در عربی را بیان کنید

فصل ۱۸ حالات فعل مضارع

فعل مضارع دارای پنج جهت و خاصیت است که عبارتند از

- ۱- می‌تواند در زمان حال یا آینده استعمال شود
- ۲- مثبت است یعنی دلالت بر واقع شدن می‌کند نه واقع نشدن
- ۳- مرفوع است
- ۴- معنای آن خبری است و از تحقق چیزی خبر می‌دهد

۵۷

معنی را بطور ساده و بدون تاکید بیان می‌کند گاهی به اول یا آخر فعل مضارع چیزی اضافه می‌شود که موجب از بین رفتن بعضی از خواص فوق می‌گردد این چیزها به ترتیب تاثیر در جهات مذکور عبارتند از

- ۱- حروف تعیین
- ۲- حروف نفی
- ۳- حروف جزم و حروف نصب
- ۴- حروف استفهام
- ۵- حروف تاکید بنا بر این هر دسته از این حروف حالت خاصی به فعل مضارع می‌دهند که آن را در معیت با حروف تعیین فعل حال یا مستقبل و با حروف نفی مضارع منفی و با حروف جزم مضارع مجزوم و با حروف نصب مضارع منصوب و با حروف استفهام مضارع استفهامی و با حروف تاکید مضارع مؤکد می‌نامند اینک هر کدام را در بحثی توضیح می‌دهیم .

بحث ۱

فعل حال و مستقبل هر گاه در اول فعل مضارع لام مفتوحه درآید مختص به زمان حال می‌شود مانند آید، می‌رود و اگر اول آن سین مفتوحه یا سوف درآید به زمان مستقبل اختصاص می‌یابد مانند سید، سوف یا سوف یذهب خواهد رفت سین در آینده نزدیک و سوف در آینده دور به کار می‌رود به این حروف از این جهت که زمان مضارع را معین می‌کنند حروف تعیین می‌توان گفت به سین و سوف حروف تنفیس نیز گفته می‌شود

۵۸

تنفیس به معنی وسعت دادن است لام مفتوحه اقسام دیگری نیز دارد که در نحو از آن بحث می‌شود

بحث-۲ مضارع نفی

مضارع منفی حروف نفی عبارتند از ما و لا که بر سر مضارع درآمده معنی آن را منفی می‌کنند یضرب یعنی می‌زند ما یضرب یا لا یضرب یعنی نمی‌زند حروف نفی به مضارع اختصاص ندارند و بر سر فعل ماضی نیز درآمده معنی آن را منفی می‌کنند

۱ - جهات پنجگانه فعل مضارع از چه و چگونه استفاده می‌شود.

۲ - ده فعل مضارع را با حروف تعیین بکار برده معنی نمایید.

۳ - یعلم یعد یقول یهدی یقی یروی را با ما و لا صرف نموده صیغه‌های اول هر کدام را معنی نمایید.

۴ - شش صیغه اول افعال زیر را با ما و لا صرف نموده صیغه اول هر کدام را معنی نمایید در منفی کردن به لا به تکرار لا و انضمام فعل دیگر توجه داشته باشید
اکل جاء رای وفی حوی.

۵ - هر کدام از حروف تعیین و حروف نفی کدام جهت را از فعل مضارع می‌گیرند

۵۹

بحث-۳ مضارع مجزوم

حروف جزم فعل مضارع عبارتند از لم لما لام امر لاء نهی و اداه شرط که بر سر فعل مضارع درآمده آنرا مجزوم می‌کنند مجزوم شدن فعل مضارع به این است

که علامت رفع از آخر آن ساقط شود بنا بر این در پنج صیغه ۱۳ ۱۴ ۷ و ۱۴ ضمه لام الفعل و در تننیه‌ها و جمع‌های مذکر و مفرد مؤنث مخاطب نون

عوض رفعی می‌افتد در ناقص مجزوم از پنج صیغه ۱۳ ۱۴ ۷ و ۱۴ خود لام الفعل می‌افتد و در اجوف مجزوم عین الفعل این پنج صیغه بالتقاء ساکنین حذف

می‌شود و حکم مضارع مجزوم مضاعف حکم امر مضاعف است مراجعه نمایید می‌گوییم

لم یضرب لم یضربا لم یضربوا لم تضرب لم تضربا لم یضربن...

لم یقل لم یقولوا لم یقولوا لم تقل لم تقولا لم یقلن...

لم یدع لم یدعوا لم یدعوا لم تدع لم تدعوا لم یدعون...

لم یمد لم یمدا لم یمدا لم یمد...

لم یضلل لم یضلوا لم یضلوا لم یضلا...

و همینطور سایر حروف جزم و مجهول فعل مضارع مانند معلوم آن است حروف فوق علاوه بر جزم که اثر لفظی است در معنای فعل مضارع نیز اثر می‌گذارند و

اثر معنوی آنها از این قرار است

۶۰

لم و لما معنی مضارع را به ماضی تبدیل کرده آنرا منفی می‌کنند مثلا لم یضرب یعنی نزد و لما یضرب

یعنی هنوز نزده است مضارع منفی به لم و لما را فعل جحد

نیز می‌گویند .

لام امر معنی خبری فعل مضارع را به انشائی که در اینجا طلب انجام است تبدیل می‌کند ایضرب یعنی بزند مضارع مدخول لام امر را فعل امر می‌گویند .

لاء نهی نیز معنی خبری فعل مضارع را به انشائی که در اینجا بازداشتن از انجام فعل است تبدیل می‌کند لایضرب یعنی نزند فعل مضارع مدخول لاء نهی را فعل نهی می‌گویند .

اداه شرط بر دو قسم است بعضی فعل مضارع را مختص به آینده و بعضی دیگر معنای آنرا ماضی می‌کند نوع اول مانند ان و نوع دوم مانند لو می‌گوییم ان تضرب اضرب اگر بزنی می‌زنم و لو تضرب اضرب اگر زده بودی می‌زدم حروف جزم مختص به فعل مضارع اند باستثناء ادوات شرط که بر ماضی

۶۱

نیز داخل می‌شود و آنرا محلا مجزوم می‌کند تنبیه ادوات شرط منحصر به حروف نیستند بلکه اسماء چندی بنام اسماء شرط داریم که آنها نیز بر سر فعل در آمده آنرا مجزوم می‌کنند مجموع حروف جزم و ادوات شرط را عوامل جزم نیز نامیده‌اند پرسش و تمرین

- ۱ - حروف جزم چند اثر بر فعل مضارع دارند بیان کنید.
- ۲ - تغییر لفظی مضارع مجزوم را توضیح دهید.
- ۳ - افعال زیر را با لم صرف کنید یا من یسیر یدعو یفر.
- ۴ - افعال زیر را با لما صرف کنید یخرج یجوز یعصى یغفو.
- ۵ - جملات زیر را معنی کنید لم اسال لم اوامر لم تکتبن لم تکتبوا لم یقرء لم تدخلى لم نوخذ لم نعد لما نوعد لم یصبر لما تخرج لما نخرج.
- ۶ - در آیه ۱۴ سوره حجرات تأمل نمایید و آنچه فهمید بنویسید.
- ۷ - آثار لام امر در فعل مضارع را توضیح دهید.
- ۸ - معلوم و مجهول افعال زیر را با لام امر صرف کنید یحمد یسر یعد یدل یعود الیه یدعو.
- ۹ - آیا بین امر به لام و امر به صیغه در معنای امری فرقی هست.
- ۱۰ - فرق بین اثر لام امر و لاء نهی در فعل مضارع را بیان کنید.
- ۱۱ - افعال زیر را با لاء نهی صرف کنید یكذب یضل یهن یقل یغیب یدعو علیه.
- ۱۲ - برای جملات زیر صیغه مناسب قرار دهید شما مردها نزنید آن دو زن نیابند آن مردها نروند ما نخواهیم من نباید بخورم تو مرد نباید گوش کنی تو زن نگو من نباید حرف بزنم شما زنها نباید راه بروید.

۱۳- اثر ادات شرط را در فعل مضارع بیان کنید.

۱۴- پنج جمله با ان و پنج جمله با لو آورده معنی کنید.

۱۵- فرق ادات شرط با سایر حروف جزم چیست

۶۲

بحث-۴ مضارع منصوب

مضارع منصوب حروف نصب عبارتند از ان لن کی اذن که در اول فعل مضارع در آمده آنرا منصوب می‌کنند نصب فعل مضارع چنین است که در صیغه‌های ۱۳ و ۱۴ و ۱۴ لام الفعل مفتوح می‌شود و از تننیه‌ها و جمعهای مذکر و مفرد مؤنث مخاطب نون عوض رفعی می‌افتد در صیغه‌های ۱۳ و ۱۴ و ۱۴ ناقص الفی یعنی ناقصی که در آخرش الف مقلوب باشد مانند یرضی و یدعی فتحه لام الفعل مقدر است ولی در ناقص واوی و یائی مانند یدعو و یرمی ظاهر می‌شود می‌گوییم

ان یضرب ان یضربا ان یضربوا ان تضرب ان تضربا ان یضربن...

ان یدعو ان یدعوا ان یدعوا ان تدعو ان تدعوا ان یدعون...

ان یرضی ان یرضیا ان یرضوا ان ترضی ان ترضیا ان یرضین...

و همین طور است سایر حروف نصب و مانند مضارع معلوم است مضارع مجهول حروف نصب در معنای فعل مضارع نیز مؤثراند ان فعل مضارع را تاویل به مصدر می‌برد یعنی معنایی به آن می‌دهد که می‌توان بجای آن دو مصدر آن فعل را گذاشت مانند اردت ان اعیبها یعنی اردت عیبها ۷۹ کھف لن معنی مضارع را مختص به مستقبل کرده آنرا منفی

۶۳

می‌کند مانند لن تریض یعنی مرا نخواهی دید ۱۴۳ اعراف کی فعل مضارع را علت ما قبل قرار می‌دهد مانند فرددناه الی امه کی تقر عینها او را به مادرش برگردانیدیم تا چشمش روشن شود ۱۳ قصص اذن فعل مضارع را جزاء یا جواب مطلب معهودی قرار می‌دهد مثلا در جواب کسی که گفته است ازورك می‌گوییم اذن اكرمك حروف ناصبه مختص به مضارع‌اند و بر ماضی و امر داخل نمی‌شوند

پرسش و تمرین

۱ - تغییر لفظی مضارع منصوب را توضیح دهید.

۲- افعال زیر را با لن صرف کنید یظلم یهب یجوز یعضی یوفی به یسهو یرمی.

۳- برای هر کدام از حروف نصب با فعل مضارع دو مثال آورده معنی نمایید.

اخشین اخشون...

لیمدن...

مدن...

لیمدن...

مدن...

در آخر فعل نهی مضارع مقرون به لاء ناهیه نیز نون تاکید درمی آید و اثر آن مانند اثر در امر است و همچنین در چند مورد دیگر که توضیح و تفصیل آن در جای خود بیان شده است

پرسش و تمرین

۱ - فرق حرف تاکید با سایر حروفی که در مضارع داخل می شوند چیست.

۲ - حروف تاکید چند اثر در فعل مضارع دارند بیان کنید.

۳ - فرق اثر لفظی حروف تاکید با حروف نصب چیست.

۴ - فرق نون تاکید ثقیله با نون تاکید خفیفه چیست.

۵ - می دانید چرا بین نون ثقیله و نون جمع مؤنث الف فاصله می شود .

۶۸

بضرب یمد یقول یهدی و یفی به را با نون ثقیله صرف کنید و صیغه اول مؤکد هر کدام را معنی نمایید.

۷ - مجهول افعال تمرین سابق را با نون خفیفه صرف نمایید و صیغه اول هر کدام را معنی کنید.

۸ - معلوم و مجهول امر افعال تمرین ۶ را با نون ثقیله و خفیفه صرف نمایید و صیغه اول هر کدام را معنی نمایید.

۹ - حروف تاکید چه جهاتی از جهات فعل مضارع را زائل می کنند.

۱۰ - نهی مؤکد افعال تمرین ۶ را صرف کنید.

۱۱ - فعل جحد چرا مؤکد بنون تاکید نمی شود

مبحث دوم ثلاثی مزید

مقدمه

فعل ثلاثی مزید از ثلاثی مجرد گرفته می شود بدین معنی که صیغه اول ماضی معلوم آنرا از صیغه اول ماضی معلوم ثلاثی مجرد می گیریم و اما بقیه صیغه های ماضی معلوم آن از صیغه اول و سائر قسمتهای آن فعل ثلاثی مزید از ماضی معلوم خودش گرفته می شود بنا بر اینفعل ثلاثی مزید آن است که صیغه اول ماضی معلوم آن

دارای سه حرف اصلی و يك يا چند حرف زائد باشد حروفی که برای ساختن ثلاثی مزید در ثلاثی مجرد اضافه می‌شود حروف مخصوصی است و در جای مخصوصی از آن درمی‌آید و حروف کلمه جدید مزید فیه ممکن است حرکات جدیدی داشته باشد این خصوصیات را بوسیله اوزان ثلاثی مزید که خواهد آمد می‌توان دریافت ماضی ثلاثی مزید معلوم دارای ۲۵ وزن است مضارع آن نیز ۲۵ وزن دارد زیرا در غیر ثلاثی مجرد برای هر ماضی بیش از يك وزن مضارع نیست مصدر هر وزن نیز قیاسی و معین است

۶۹

مبحث دوم ثلاثی مزیدمقدمه

مقدمه

فعل ثلاثی مزید از ثلاثی مجرد گرفته می‌شود بدین معنی که صیغه اول ماضی معلوم آنرا از صیغه اول ماضی معلوم ثلاثی مجرد می‌گیریم و اما بقیه صیغه‌های ماضی معلوم آن از صیغه اول و سائر قسمتهای آن فعل ثلاثی مزید از ماضی معلوم خودش گرفته می‌شود بنا بر اینفعل ثلاثی مزید آن است که صیغه اول ماضی معلوم آن دارای سه حرف اصلی و يك يا چند حرف زائد باشد حروفی که برای ساختن ثلاثی مزید در ثلاثی مجرد اضافه می‌شود حروف مخصوصی است و در جای مخصوصی از آن درمی‌آید و حروف کلمه جدید مزید فیه ممکن است حرکات جدیدی داشته باشد این خصوصیات را بوسیله اوزان ثلاثی مزید که خواهد آمد می‌توان دریافت ماضی ثلاثی مزید معلوم دارای ۲۵ وزن است مضارع آن نیز ۲۵ وزن دارد زیرا در غیر ثلاثی مجرد برای هر ماضی بیش از يك وزن مضارع نیست مصدر هر وزن نیز قیاسی و معین است

۷۰

از این ۲۵ وزن ده وزن مشهور است یعنی افعال زیادی طبق هر کدام از آنها مزید فیه می‌شود و پانزده وزن غیر مشهور اوزان مشهور عبارتند از ماضی مضارع مصدر

۱ - افعال یفعل افعال

۲ - فعل یفعل تفعیل

۳ - فاعل یفاعل مفاعله

۴ - افتعل یفتعل افتعال

۵ - انفعال ینفعل انفعال ماضی مضارع مصدر

۶ - تفعّل یتفعّل تفعّل

۷ - تفاعل یتفاعل تفاعل

۸ - افعال یفعل افعلال

۹ - استفعل یستفعل استفعال

۱۰ - افعال یفعال افعیلال هر کدام از ماضی مضارعهای فوق را همانطور که در ثلاثی مجرد گذشت باب می‌گویند و آنرا بنام مصدر می‌خوانند مثلاً می‌گویند باب افعال باب تفعیل باب مفاعله و...

بنا بر این فعل ثلاثی مزید دارای ۲۵ باب است در ثلاثی مزید مصدر هم مانند مضارع معلوم همانطور که اشاره شد از ماضی گرفته می‌شود و بطور کلی برای ساختن هر کدام از سه قسمت ماضی مضارع و مصدر هر باب باید وزن آن را در نظر گرفت و بر طبق آن حرف زائد در آورد و حروف را متحرك و ساكن نمود دقت کنید قاعده ساختن مجهول ماضی و مضارع و معلوم و مجهول امر و صیغه سازی هر کدام از اینها همان است که در ثلاثی مجرد بیان گردید و نیز کیفیت ضمائر در ثلاثی مزید همانند ثلاثی مجرد است قاعده ادغام

۷۱

تخفیف همزه و قواعد عمومی اعلال و قاعده خصوصی ناقص در تمام ابواب ثلاثی مزید جاری می‌گردد و نیز ماضی و مضارع آن دارای حالات مختلف سابق است علاوه بر این دو قاعده اعلال نیز در ثلاثی مزید جاری می‌شود ۱ اگر واو و یاء بعد از الف زائد و در آخر کلمه قرار گیرند قلب به همزه می‌شوند مانند ارخاو ارخاء اجرای اجراء ۲ یاء ما قبل مضموم اگر لام الفعل باشد ما قبل خود را مکسور می‌کند مانند ترجی ترجی مصدر ناقص باب تفعیل تبنانی تبنانی مصدر ناقص باب تفاعل بدین نکته باید توجه کامل داشت که هر ثلاثی مجردی را نمی‌توان بطور دلخواه به تمام یا بعضی از ابواب ثلاثی مزید برد زیرا بعضی اصلاً مزید فیه ندارند و بعضی فقط به يك یا چند باب مخصوص برده می‌شوند بنا بر این مزید فیه شدن ثلاثی مجرد و کیفیت آن یعنی بابی که بدان برده می‌شود سماعی است نه قیاسی اینک به خصوصیات ابواب توجه نمائید

پرسش و تمرین

۱ - اشتقاق تمام قسمتهای فعل ثلاثی مزید را بیان کنید.

۲ - آیا در ثلاثی مزید با داشتن وزن ماضی یا مضارع یا مصدر می‌توان وزن دو قسمت دیگر را دانست چرا.

۳ - مضارع ماضی‌های زیر چیست افعال افعال افعال استفعال فاعل .

۷۲

ماضی مضارع‌های زیر چیست یفعل یتفعل یتفاعل یفعل یفعال.

۵ - مضارع مصادر زیر چیست افعال افعلال افعیلال افعال تفاعل.

۶- چرا به مضارع ثلاثی مجرد با اینکه دارای حرف زائد است مزید فیه گفته نمی‌شود.

۷- مشهوریت در ابواب ثلاثی مزید به چه معنی است.

۸- ابواب مشهور را نام ببرید.

۹- اوزان زیر را بسازید افعال فاعل یفاعل مفاعله تفاعل ینفعل انفعال ینفعل انفعال افعال.

۱۰- اوزان زیر را صرف کنید افعال فاعل انفعال تفاعل ینفعل یفعل ینستفعل یفعال.

۱۱- مجهول افعال فوق را صرف کنید.

۱۲- مضارع‌های تمرین ۱۰ را با لاء نهی و نون تاکید ثقیله صرف نمایند.

۱۳- سماعی بودن ابواب مزید فیه را توضیح دهید.

۱۴- کیفیت ضمائر ماضی مضارع و امر را ذکر کنید

فصل ۱ باب افعال

مانند کرم اکریم اکریم باب افعال دارای خصوصیتی است و آن اینکه همزه آن در ماضی مصدر و امر

همزه قطع است یعنی چون در اثناء کلام واقع شود تلفظ

می‌شود و ما بعد خود را از ما قبل قطع می‌کند همزه امر آن همان همزه‌ای است که در ماضی بوده زیرا

آنها از مضارع اصلی می‌گیریم و مضارع اصلی باب افعال

یافعل است افعال یافعل که چون در صیغه ۱۳ مضارع دو همزه جمع می‌شد آنها از مضارع انداخته‌اند

۷۳

صرف بعضی از قسمتهای باب افعال چنین است

ماضی معلوم اکریم اکرما اکرما...

مضارع معلوم یکریم یکرمان یکرمان...

ماضی مجهول اکریم اکرما اکرما...

مضارع مجهول یکریم یکرمان یکرمان...

امر معلوم لیکریم لیکرما لیکرما...

اکریم اکرما اکرما...

امر مجهول لیکریم لیکرما لیکرما...

مثال اوعد یوعد ایعاد لیوعد اوعد اجوف اقام یقیم اقامه لیقم اقم مهموز الفاء و ناقص آتی یؤتی ایتاء لیؤت

آت.

توضیح در مصدر اجوف باب افعال پس از اینکه عین الفعل بجهت قواعد اعلال حذف شد بجای آن يك تاء

در آخر آورده می‌شود اقوام اقامه و اعوان اعانه و...

يك مورد استثنائی رای چون به باب افعال رود عين الفعل آن پس از نقل حرکتش بما قبل حذف می‌شود و در مصدر بجای عين الفعل محذوف يك تاء در آخر می‌آورند می‌گویم اری پری ارئه ارئه ارئه ارئه .

تبصره ماده‌هایی مانند الحياه و العی چون بباب افعال روند فقط حکم معتل در مورد آنها جاری می‌شود و نه حکم مضاعف .

۷۴

معانی باب افعال باب افعال در ده معنای زیر بکار برده می‌شود

۱ - تعدیه یعنی متعدی کردن فعل لازم مانند ذهب زید زید رفت اذهب زید بکرا زید بکر را روانه کرد ضحك زید زید خندید اضحکنی زید زید مرا خندانند تعدیه معنای غالبی باب افعال است.

۲ - دخول فاعل در وقت و این در افعالی است که ماده آنها وقتی از اوقات باشد مانند اصبح زید زید داخل صبح شد و امسی بکر بکر داخل عصر شد فسبحان الله حین تمسون و حین تصبحون ... و حین تظهرون ۱۸ روم.

۳ - وصول وقت یعنی وصول وقت ماده فعل برای فاعل مانند احصد الزرع وقت حصاد زرع رسید حصاد درو اقطف الثمر وقت چیدن میوه رسید.

۴ - مفعول را دارای صفتی یافتن مانند اعظمت الله خدا را با عظمت یافتم ابخلت فلانا فلانی را بخیل یافتم.

۵ - واجدیت یعنی دارای مبدا فعل شدن فاعل یا دارای مبدا فعل کردن مفعول مانند اغد البعیر شتر دارای غده شد اقدر البلاد شهر دارای قفار یعنی ویرانی شد ارکبت ابی پدرم را دارای مرکب کردم ثم اماته فاقبره سپس او را میراند و برایش قبر قرار داد ۲۱ عبس.

۶ - سلب یعنی سلب مبدا فعل از فاعل یا مفعول مانند اشفی المریض شفای مریض بر طرف یعنی ممتنع شد اعجمت الكتاب عجمه و ابهام کتاب را بر طرف نمودم.

۷ - تعریض یعنی در معرض قرار دادن مثل اباع زید کتابه زید

۷۵

کتابش را در معرض بیع قرار داد.

۸ - مطاوعه یعنی اثر پذیری و این عکس معنای تعدیه است مانند كب زید الاناء زید کاسه را واژگون کرد اکب الاناء کاسه واژگون شد.

۹ - ضد معنای ثلاثی مجرد مانند نشطت الحبل ریسمان را گره زد انشطت الحبل گره ریسمان را باز کردم.

۱۰ - معنای ثلاثی مجرد مانند قال او اقال زید البیع زید معامله را بهم زد .

توجه کنید از باب افعال و دیگر ابوابی که در بیان معانی متعدد بکار گرفته می‌شوند ممکن است در يك استعمال بیش از يك معنی استفاده شود مانند اعظمت الله که هم مفید تعدیه است و هم مفعول را دارای صفتی یافتن

پرسش و تمرین

- ۱ - امر حاضر معلوم باب افعال بر چه وزنی است همزه آن چه حرکتی دارد چرا.
- ۲ - همزه بر چند قسم است و خاصیت هر کدام چیست برای هر کدام پنج مثال از قرآن مجید بیاورید.
- ۳ - افعال زیر را به باب افعال ببرید هر وقت گفته می‌شود فلان فعل را به فلان باب ببرید باید صیغه اول ماضی و صیغه اول مضارع و بعد مصدر آنرا ذکر کنید
خرج مد و عد مات رای حی.
- ۴ - از باب افعال افعال فوق ماضی معلوم سه فعل اول مضارع معلوم سه فعل دوم مضارع مجهول سه فعل اول ماضی مجهول سه فعل دوم امر معلوم سه فعل دوم و امر مجهول سه فعل اول را صرف کنید.
- ۵ - در افعال زیر کدامیک از معانی باب افعال مراد است احسن نیکو کرد اخوص النخل درخت خرما خوشه‌دار شد اضحی زید زید چاشت کرد

۷۶

اجمع القوم مردم جمع شدند ارفد پشت سر هم در آورد اسخیت زیدا زید را سخی یافتم اکمل کامل کرد افطر الصائم روزه‌دار افطار کرد اسرع تند رفت اثر الشجره درخت میوه‌دار شد انتجت الفرسه ماده اسب زانید اشفاك الله عسلا خداوند عسل را برای تو شفا قرار دهد افزعت زیدا بیم زید را برطرف کردم اقتلنتی مرا در معرض قتل قرار دادی اخفیت امری کارم را پنهان کردم با توجه به خفیت امری فلما راینه اکبرنه ۳۱ یوسف اقیموا الصلوه و اتوا الزکاه ۴۳ بقره اتونی زبر الحدید...

افرغ علیه قطر ۹۶ كهف سبحان الله حین تمسون و حین تصبحون...

و حین تظهرون ۱۸ روم اماته فاقبره ۲۱ عبس.

۶ - اعلال اراءه اساءه احاطه را بیان کنید

فصل ۲ باب تفعیل

مانند صرف صرف یصرف تصریف مصدر سالم این باب علاوه بر وزن تفعیل گاهی بر وزن فعال و گاهی بر وزن فعال و گاهی بر وزن فعال و گاهی بر وزن تفعال و گاهی بر وزن تفعله می‌آید مانند سلم یسلم تسلیم و سلام کذب یکذب تکذیب و کذاب و کذاب کرر یکرر تکریر و تکرار کرم یکرر تکریم و تکرمه مصدر مهموز اللام و ناقص این باب غالباً فقط بر وزن تفعله می‌آید مانند هنا یهنیء تهنئه ربی یربی تربیه صرف بعضی قسمتهای باب تفعیل چنین است

ماضی معلوم صرف صرفا صرفوا...

مضارع معلوم یصرف یصرفان یصرفون...

امر معلوم لیصرف لیصرفا لیصرفوا...

صرف صرفا صرفوا...

۷۷

ماضی مجهول صرف صرفا صرفوا...

مضارع مجهول یصرف یصرفان یصرفون...

امر مجهول لیصرف لیصرفا لیصرفوا...

مضاعف مدد یمدد تمديد لیمدد...

مدد...

اجوف حول یحول تحویل لیحول...

حول...

لفیف وصی یوصی توصیه لیوص...

وص...

معانی باب تفعیل باب تفعیل در هفت معنی بکار برده می‌شود

۱ - تعدیه مانند فرح زید زید خوشحال شد فرح بکر زیدا بکر زید را خوشحال کرد تعدیه معنی غالبی باب تفعیل است.

۲ - تکثیر یعنی دلالت بر کثرت و زیادی یا در خود فعل مانند طوف زید زید بسیار طواف کرد یا در فاعل مانند موت المال چارپایان زیاد مردند و یا در مفعول مانند غلقت الابواب همه درها را بستم.

۳ - سلب یعنی سلب مبدا فعل از مفعول مانند قشرت البیضه تخم مرغ را پوست کردم جلدت الجزور پوست شتر یا گوسفند را کردم.

۴ - نسبت یعنی نسبت دادن مبدا اشتقاق فعل به مفعول مانند وحد الله خدا را یگانه دانست عدلت زیدا به زید نسبت عدالت دادم کفرت بکرا بکر را کافر شمردم به او نسبت کفر دادم.

۵ - تدریج مانند نزل بتدریج فروفرستاد.

۶ - ضد معنای باب افعال مانند فرط کوتاهی کرد که ضد افراط زیاده روی کرد می‌باشد.

۷ - معنای ثلاثی مجرد مانند زال زید بین القوم یا زیل بینهم زید میان جمعیت تفرقه انداخت

پرسش و تمرین

۱ - ماضی و مضارع مصادر زیر را ذکر کنید مقدمه تحیه تهیه کلام تمثال.

۲ - افعال زیر را به باب تفعیل ببرید صغر وسع جاز حد یسر سما وفی حوی ادب.

۳ - ماضی معلوم فعل اول ماضی مجهول فعل دوم مضارع معلوم فعل سوم مضارع مجهول فعل چهارم امر معلوم فعل پنجم امر مجهول فعل ششم نهی معلوم فعل هفتم مضارع معلوم مقرون به لن فعل هشتم و مضارع مجهول مؤکد به نون ثقیله فعل نهم از افعال تمرین سابق را صرف کنید.

۴ - در افعال زیر کدامیک از معانی باب تفعیل منظور است عدل تعدیل کرد عرف شناساند جلد الشاه پوست گوسفند را کند صدق تصدیق کرد یسوی برابر می‌کند قسم تقسیم کرد قدم جلو انداخت قدم جلو افتاد کثر زیاد کرد نظم دسته کرد ادب ادب کرد قراد البعیر قراد کنه را از شتر جدا کردیدبحون ابناءکم ۴۹ بقرهقطعن ایدیهن ۳۱ یوسف.

۵ - سه فعل لازم را با باب تفعیل متعدی کنید

فصل ۳ باب مفاعله

مانند ضرب ضارب یضارب مضاربه و ضراب مصدر مثال یائی این باب فقط بر وزن مفاعله می‌آید مانند یاسر ییاسر میاسره ولی مصدر سایر اقسام غالباً علاوه بر مفاعله بر وزن فعال نیز می‌آید اینک صرف بعضی از قسمتهای آن ماضی معلوم ضارب ضاربا ضاربوا... مضارع معلوم یضارب یضاربان یضاربون...

۷۹

امر معلوم لیضارب لیضاربا لیضاربوا...

ضارب ضاربا ضاربوا...

ماضی مجهول ضورب ضوربا ضوربوا...

مضارع مجهول یضارب یضاربان یضاربون...

امر مجهول لیضارب لیضاربا لیضاربوا...

مضاعف ضار یضار مضاره و ضرار لیضار لیضار...

ضارر ضارر ضار...

مهموز آمر یؤامر مؤامرہ لیؤامر آمر اجوف قاوم یقاوم مقاومه لیقاوم قاوم لفیف ساوی یساوی مساواہ لیساو ساو .

معانی باب مفاعله معانی معروف این باب چهار معنی است ۱ مشارکت یعنی بیان شرکت دو شخص یا دو چیز در فعل یعنی هر دو هم فاعلند و هم مفعول مانند ضارب زید بکرا زید با بکر زد و خورد کردند شاعرت زیدا با زید مشاعره کردم مشارکت معنی غالبی این باب است.

۲- تعدیه مانند بعد دور شد باعدته او را دور کردم.

۳- تکثیر مانند ناعمه الله خدا زیاد به او نعمت داد.

۴- معنای ثلاثی مجرد مانند سفر زید یا سافر زید مسافرت کرد .

غالباً چون فعلی از این باب به خداوند نسبت داده شود به همین معناست مانند قاتلهم الله عافاك الله یخادعون الله و هو خادعهم

۸۰

پرسش و تمرین

۱ - افعال زیر را به باب مفاعله ببرید عمل وضع عاد عان عدا سوی.

۲- معلوم و مجهول ماضی فعل اول مضارع فعل دوم و امر فعل سوم را صرف کنید و نیز مضارع معلوم عدا را با لاء ناهیه و مضارع مجهول سوی را با نون تاکید ثقیله صرف کنید در تمام این افعال صرف باب مفاعله آنها منظور است.

۳- در افعال زیر کدامیک از معانی باب مفاعله منظور است باریک الله خدا زیاد کند صافح زید بکرا زید با بکر مصافحه کرد شاهدت الحرب در جنگ حاضر شدم عاین زید دید صالح سعید زیدا سعید با زید مصالحه کرد فاستبشروا بیعکم الذی بايعتم بهالتوبه ۱۱۱ انما یبایعون اللہالفتح ۱۰ سارعوا الی مغفره من ربکمال عمران ۱۳۳

فصل ۴ باب افتعال

مانند کسب اکتسب یکتسب اکتساب باب افتعال دارای هفت قاعده خصوصی است

۱ - هر گاه فاء الفعل این باب صاد یا ضاد یا طاء یا ظاء باشد تاء باب به طاء تبدیل می‌گردد مانند صبر اصطربر ضرب اضطرب طرد اطرد ظلم اظلم در مورد اخیر اظلم و اظلم نیز طبق قاعده ادغام جایز است.

۲- هر گاه فاء الفعل دال یا ذال یا زاء باشد تاء باب به دال تبدیل می‌شود مانند درک ادرك ذکر اذکر زجر ازدرجر در دو مورد اخیر نیز ادغام جایز است یعنی می‌توان گفت اذکر و ادکر و ازجر ادجر استعمال نشده است.

۳- هر گاه فاء الفعل حرف عله باشد به تاء تبدیل شده سپس در تاء باب

۸۱

ادغام می‌شود مانند وحد اتحاد یسر اتسر در مورد اخیر اینتر نیز جائز است.

۴- قاعده تخفیف همزه غالباً در مهموز الفاء این باب جاری نمی‌شود مانند انتم و...

بخلاف اخذ ائتخذ ایتخذ اتخذ.

۵- چنانچه فاء الفعل ثاء باشد تاء باب به ثاء تبدیل سپس قاعده ادغام جاری می‌شود مانند ثار اثار انتقام خون کشته را گرفت.

۶- هر گاه عین الفعل این باب یکی از ۱۲ حرف ت ث ج د ذ ز س ش ص ض ط ظ باشد جائز است تاء باب را از جنس عین الفعل نموده و در آن ادغام نماییم
سپس فاء الفعل را مفتوح یا مکسور کنیم مفتوح بنا بر قاعده ادغام و مکسور بنا بر قاعده التقاء ساکنین و چون از همزه باب مستغنی می‌شویم آنرا بیاندازیم مانند
اختصم اخصم بفتح خاء و کسر آن خصم بفتح خاء و کسر آن یهتدی یهدی.

۷- در اجوف باب افتعال اگر به معنی مشارکت باشد قاعده هشتم اعلال جاری نمی‌شود مانند ازدوج علی و فاطمه و اعتونا بخلاف اعتاد و اختار و امثال آن .

صرف بعضی از قسمتهای آن چنین است مضاعف امتد یتمد امتداد لیتمد لیتمد لیتمد...

امتدد امتد امتد...

اجوف اعتاد یعتاد اعتیاد لیعتد اعتد

۸۲

ناقص ارتضی یرتضی ارتضاء لیرتض ارتض .

معانی باب افتعال این باب به شش معنی می‌آید

۱ - مطاوعه یعنی اثر پذیری مانند جمعت الناس فاجتمعوا مردم را جمع کردم پس جمع شدند البته چنانکه از مثال معلوم است فاعل این باب در این معنی مفعول ثلاثی مجرد است مطاوعه معنی غالبی این باب می‌باشد.

۲- مشارکت مانند اختصم زید و بکر زید و بکر با هم دشمنی کردند.

۳- اتخاذ یعنی فراهم آوردن و تهیه کردن مبدا فعل مانند احتطب زید و اختبز و اشتوی زید هیزم تهیه کرد و نان پخت و کباب درست کرد.

۴- طلب یعنی خواستن مبدا فعل از مفعول مانند اکتد زید بکرا زید از بکر خواست که کوشش کند.

۵- کوشش مانند اکتسبت المال با کوشش مال بدست آوردم.

۶- معنای ثلاثی مجرد مانند جذبیت یا اجتذبت رداء زید عبای زید را کشیدم

پرسش و تمرین

۱ - افعال زیر را به باب افتعال ببرید کسب حوی وسع غاب عاد رضی وقی درء زوج ذلق مد عد زحم صك ضجع صاد صفا طلب ظار ذخرد دعا افك الف اكل اوى الى ام وهم وصل.

۲ - در افعال زیر کدامیک از معانی باب افتعال منظور است اجتمع القوم مردم

۸۳

جمع شدند اختصم الجند لشکر با هم نزاع کردند اکتحلت الفتاه دختر سرمه کشید اصطاد زید زید شکار کرد اقتسم تقسیم شد اقتدی طلب قرب کرد اجتور الاخوان برادرها کنار هم جمع شدند احتاط احتیاط نمود اکثری درخواست کرایه کرد و اصطنعتك لنفسی ۴۱ طهفلا اقتحم العقبه ۱۱ بلدان تنتهوا فهو خیر لكم ۱۹ انفلان يتخذونك الا هزوا ۳۶ انبياء

فصل ۵ باب انفعال

مانند صرف انصرف ينصرف انصراف خصوصیت باب انفعال این است که افعال خارجی یعنی افعالی که اثر خارجی و ظاهری دارند به آن برده می‌شوند نه افعالی مانند علم و ظن و امثال آن این باب همیشه لازم است و متعدی ندارد .

معنای باب انفعال فقط مطاوعه است مانند صرفته فانصرف قسمته فانقسم کسرتنه فانكسر و...

تمرین افعال زیر را به باب انفعال برده معنی نمایند غلق بست عطل تعطیل کرد عدم نابود کرد هدم خراب کرد صرف گردانید طلق آزاد کرد عرف دانست فکر فکر کرد یقن یقین کرد قسم تقسیم کرد شق شکافت سمع شنید سد بست

فصل ۶ باب تفعّل

مانند صرف تصرف يتصرف تصرف

۸۴

در باب تفعّل چهار قاعده خصوصی جاری می‌شود

۱ - در مضارع معلوم از صیغه‌های ۴ و ۵ غائب و شش صیغه مخاطب که دو تاء در اول صیغه جمع می‌شود جانش تاء دوم را که تاء باب است بیاندازیم مثلاً تتصرف تصرف تتصرفان تصرفان و همینطور...

۲ - هر گاه فاء الفعل این باب یکی از دوازده حرف ت ت ث ج د ذ ز س ش ص ض ط ظ باشد جانش است که تاء باب را همجنس فاء الفعل نموده در آن ادغام نماییم و در مواردی که لازمه این عمل سکون اول کلمه است چون ابتداء به ساکن محال یا مشکل است همزه وصل مکسوری در اول کلمه درمی‌آوریم بنا بر این تثبت...

اثبت يثبت اثبت ليثبت اثبت تتبع...

اتبع يتبع اذثر لیتبع اذثر... تدر...

اذثر یدثر اذثر لیدثر اذثر و از این قبیل است ا فلم یدبرو اما یدکرو از ینتلا یسمعونیشققفاصدقیضر عونفاطهروا قرآن مجید.

۳- در بعضی موارد چون فعل مضاعف به باب تفعل رود لام الفعل آن به یاء تبدیل می‌شود مانند ظن تظنن تظنی تظنی و از همین قبیل است تسری و تصدی ۴ در مصدر ناقص واوی باب تفعل واو لام الفعل قلب به یاء می‌شود و یاء ما قبل خود را مکسور می‌کند همچنان که در مصدر ناقص یائی آن نیز یاء ما قبل خود را مکسور می‌نماید مانند ترجو ترجی و تولی تولی

۸۵

صرف بعضی از قسمتهای این باب چنین است مضاعف تخلص یتخلص تخلص لیتخلص تخلص مثال توهم یتوهم توهم لیتوهم توهم ناقص تعدی یتعدی تعدی لیتعدی تعد لیف تولی یتولی تولی لیتولی تول .

معانی باب تفعل در نه معنی زیر به کار برده می‌شود

۱- مطاوعه مانند ادبته فتادب همانطور که از مثال معلوم است فاعل این باب در این معنی مفعول باب تفعل است از این رو گفته می‌شود باب تفعل برای مطاوعه باب تفعل می‌باشد مطاوعه معنای غالبی باب تفعل است.

۲- تکلف یعنی بزحمت و مشقت کاری را بر خود تحمیل کردن مانند تشجع بزحمت از خود شجاعت نشان داد تحلم بزحمت حلم را بر خود تحمیل کرد.

۳- اتخاذ به همان معنی که در باب افتعال گذشت مانند توسد متکا تهیه کرد توسد الحجر سنگ را برای خود بالش قرار داد تبنی زیدا زید را بفرزندی گرفت.

۴- طلب یعنی خواستن معنای فعل مانند تعجلت الامر خواستم کار زود انجام گیرد تنجزت الوعد وفای به وعده را خواستار شدم.

۵- تدریج مانند تجرع الماء آبرای جرعه جرعه نوشید تفهم المساله مساله را اندک اندک فهمید .

۸۶

تجنب یعنی اجتناب کردن فاعل از معنای فعل مانند تائم از گناه دوری کرد تذمم از مذمت کناره گرفت.

۷- صیوروت یعنی به حالتی درآمدن مانند تایمت المراه زن ایم بی‌شوهر شد.

۸- شکایت مانند تظلم از ظلم شکایت کرد .

۹- معنای ثلاثی مجرد مانند بسم یا تبسم لبخند زد

پرسش و تمرین

۱ - افعال زیر را به باب تفعل ببرید درج سطح شرف صدر ضر ذل لطلع ثبت طرح.

۲ - افعال زیر را نیز به باب تفعل ببرید بسر طاع حال صبا وقی روی جزا ولی.

۳ - ماضی معلوم فعل اول مضارع معلوم فعل دوم و سوم امر معلوم فعل چهارم و پنجم ماضی مجهول فعل ششم و هفتم و مضارع و امر مجهول فعل هشتم از افعال تمرین سابق را صرف کنید.

۴ - کلمات زیر چه صیغه‌ای هستند از چه فعلی ادرج یصدر اطوع ازکی لیزک تصدران تصرفین اضرنا اترحنفانت له تصدی تنزل الملائکها فلا تذکرون .

۵ - صرف و نظر را به باب تفعل برده و مضارع آنها را به دو وجه ممکن صرف کنید.

۶ - معنی باب تفعل را در افعال زیر بیان کنید تصدق صدقه داد تعلم یاد گرفت طلب علم کرد تکسر شکست تصرف گردید تلحف لحاف بسر کشید تجسم مجسم شد

تغیر تغییر یافتتخلفوا باخلاق الله حدیث تجهیزوا رحمکم الله نهج البلاغه تسحروا فان فی السحور برکه نهج الفصاحه التذلل للحق اقرب الی العز من التعزز بالباطل نهج

الفصاحه فانث له تصدی ۶ عبستنزل الملائکه ۶ قدرما یكون لك ان تتکبر فیها ۱۳ اعراف ان جاءکم فاسق بنیاء فتبینوا ۶ حجات الذی یؤتی ماله یتزکی ۱۸ لیل ۱ فلا تذکرون ۳ یونس

۸۷

فصل ۷ باب تفاعل

مانند ضرب تضارب یتضارب تضارب قواعد ۱ و ۲ و ۴ باب تفعل عینا در باب تفاعل نیز جاری می‌شود بنا بر این الف تتضارب تضارب تتضارب بان تضارب بان ... و

ب تتابع ...

اتباع یتابع اتباع لیتابع اتباع تتأقل ...

اثاقل یناقل اثاقل لیتاقل اثاقل و همینطور تدارک تذابح تزاور تسارع تشاعر تصاعد تضارع تطابق تظاهر ج تداعو تداعی یتداعی توالی توالی صرف بعضی از قسمتهای

این باب چنین است مثال تواعد یتواعد تواعد لیتواعد تواعد اجوف تعاون یتعاون تعاون لیتعاون تعاون ناقص تراضی یتراضی تراضی لیتراض تراض لیف تساوی یتساوی تساوی لیتساو تساو مجهول تعون یتعاون لیتعاون .

معانی باب تفاعل این باب در پنج معنی بکار برده می‌شود ۱ مشارکت که معنای غالبی این باب است مانند تضارب زید و عمرو .

۸۸

تبصره سه باب مفاعله افتعال و تفاعل همانطور که گذشت می‌توانند در بیان مشارکت بکار روند با این فرق که بعد از باب مفاعله لازم است دو اسم ذکر شود یکی بصورت فاعل مرفوع و دیگری بصورت مفعول منصوب ولی در دو باب دیگر می‌توانیم يك اسم که دارای افرادی است بیاوریم مثلا بگوییم اختصم القوم و تضارب الرجلان و یا دو اسم که در این صورت هر دو بصورت فاعل خواهند بود مانند اختصم زید و بکر تضارب زید و بکر.

۲- مطاوعه مانند باعدته فتباعد او را دور کردم پس دور شد باب تفاعل برای مطاوعه باب مفاعله است.

۳- تظاهر و تشبه یعنی خود را به حالتی زدن مانند تمارض خود را به مریضی زد تجاهل خود را به نادانی زد.

۴- تدریج مانند توارد القوم جمعیت بتدریج وارد شدند.

۵- معنای ثلاثی مجرد مانند تعالی الله که به معنی علا است یعنی خدا بلند مرتبه است

پرسش و تمرین

۱- در باب تفاعل چه قواعدی جاری است بیان کنید.

۲- افعال زیر را به باب تفاعل برده مضارع آنها را به دو وجه ممکن صرف کنید عهد ولی عان.

۳- افعال تمرین سابق را به باب تفاعل بپسندید از فعل اول مجهول ماضی و مضارع از فعل دوم معلوم و مجهول امر و از فعل سوم مضارع معلوم را مؤکد به نون خفیفه صرف کنید.

۴- افعال زیر را به باب تفاعل بپسندید ترك ثقف درس ذکر سد شرط صدف ضحك طال ظرف زاج یسر ولی سوی علا.

۵- در افعال زیر کدامیک از معانی باب تفاعل مراد است تعاضدنا

۸۹

همدستی کردیم تباکی خود را به گریه زد تساویا آندو با هم برابر شدند تجاهر اظهار کرد تهاجموا هجوم کردند تعاهدوا با هم عهد بستند تساقط بتدریج ساقط شد تغافل خود را به غفلت زد تغایر تغیر کرد

لا تنابزوا باللقاب ۱۱ حجات

تعاونوا علی البر و التقوی ۲ مائده

تواضع للمحسن الیک نهج الفصاحم یتسالون ۱ نبا

فصل ۸ باب افعال

مانند حمزه احمر يحمر احمرار خصوصیت این باب این است که غالباً در الوان و عیوب بکار می‌رود و همیشه لازم است در بیان دو منظور از باب افعال استفاده می‌شود

۱ - دخول فاعل در مبدا فعل که معنای غالبی آن است مانند اسود اللیل شب وارد سیاهی شد احمر البسر خرمای نارس وارد قرمزی شد.

۲ - مبالغه مانند احمر الحديد آهن بسیار سرخ شد .

صرف بعضی از قسمتهای آن چنین است ماضی معلوم احمر احمر احمر و احمرت احمرت احمرت احمرت احمرت... احمرت...

مضارع معلوم يحمر يحمران يحمرون تحمر تحمران يحمرن...

امر معلوم ليحمر ليحمر ليحمر ليحمر ليحمر...

احمر احمر احمر احمر احمر...

ماضی مجهول احمر به احمر بهما احمر بهم...

مضارع مجهول يحمر به يحمر بهما يحمر بهم...

۹۰

تمرین

۱ - حمزه بیاض و سواد را به باب افعال برده معلوم و مجهول ماضی فعل اول و مضارع فعل دوم و امر فعل سوم را صرف کنید.

۲ - معنای باب افعال را در افعال زیر معین نمائید اقطر النبات گیاه شروع به خشکیدن کرد اعور يك چشمی شد تخضر الحقله فی الربيع در بهار باغچه سبز می

شود احول لوچ شد یصفر لون زید رنگ زید دارد زرد می‌شود یوم تبيض وجوه و تسود وجوه ۱۰۶ آل عمرانما قام للدين عمود و لا اخضر للایمان عودنهج البلاغه

۵۶

فصل ۹ باب استفعال

مانند خرج استخرج يستخرج استخراج باب استفعال قاعده خصوصی ندارد و صرف اجمالی آن چنین است ماضی معلوم استخرج استخرجا استخرجا...

مضارع معلوم يستخرج يستخرجان يستخرجون...

امر معلوم ليستخرج ليستخرجا ليستخرجون...

استخرج استخرجا استخرجا ماضی مجهول استخرج استخرجا استخرجا...

مضارع مجهول يستخرج يستخرجان يستخرجون...

مضاعف استمد استمد استمداد لیستمد لیستمد لیستمد لیستمدوا...

استمد استمد استمد...

مثال استوضح یستوضح استیضاح لیستوضح استوضح اجوف استقام یستقیم استقامه لیستقم استقم ناقص استفتی یستفتی استفتاء .

۹۱

توضیح در مصدر اجوف باب استفعال مانند باب افعال پس از این که عین الفعل بجهت اجراء قواعد اعلال حذف شد بجای آن يك تاء در آخر آورده می شود مانند استقوم استقامه و از همین قبیل است استعاده استفاده استحاله و...

يك مورد استثنائی ماده حییا حیا کرد چون به باب استفعال رود می توان عین الفعل آن را پس از نقل حرکت آن به ما قبل انداخت و چنین صرف کرد استخی یستخی استحاء .

معانی باب استفعال باب استفعال دارای هفت معنی است

۱ - طلب که معنای غالبی این باب است مانند استغفر الله از خدا طلب غفران می کنم استنصر طلب یاری کرد باب استفعال در بیان این معنی متعدی است اگر چه از ثلاثی لازم باشد مانند استخرجت المعدن معدن را استخراج کردم.

۲ - تحول مانند استحجر الطین گل سنگ شد.

۳ - مفعول را بر صفتی یافتن مانند استعظمت الامر مطلب را بزرگ یافتم.

۴ - مفعول را به صفتی متصف کردن مانند استخلفت زیدا زید را جانشین خود قرار دادم.

۵ - تکلف مانند استجرا جرات را بر خود تحمیل کرد بزحمت جرات نشان داد.

۶ - مطاوعه مانند ارحت زیدا فاستراح زید را راحت کردم پس او

۹۲

راحت شد.

۷ - معنای ثلاثی مجرد مانند قر یا استقر آرام گرفت پرسش و تمرین ۱ افعال زیر را به باب استفعال ببرید
خرج مد امن وضح خار فتا وفی حبی غاث جاز حال.

۲ - افعال تمرین سابق را به باب استفعال برده بدستور زیر صرف کنید معلوم ماضی فعل اول مضارع فعل دوم امر فعل سوم مجهول ماضی فعل چهارم مضارع فعل پنجم نهی فعل ششم و مضارع معلوم مؤکد به نون ثقیله فعل هفتم.

۳ - معنای باب استفعال را در افعال زیر معین کنید استمر عبور کرد استنوق الجمل شتر نر ماده شد استجاز اجازه خواست استسلمت للموت آیا تسلیم مرگ شده ای

استوحش وحشت کرد استسقی طلب سقایت کرد استحسن زید خالدا زید خالد را نیکو یافت و استغشوا ثيابهم ۷

نوحو استعمرکم فیها ۶۱ هودان رآه استغنی ۷ علقما
استکانوا لر بهم ۷۶ مؤنونان القوم استضعفونی ۱۵۰ اعرافی و استکیر ۳۴ بقره

فصل ۱۰ باب افعیلال

مانند حمزه اعمار یحمار احمیرار خصوصیت این باب این است که غالباً در الوان و عیوب بکار می‌رود و همیشه لازم است معنای این باب بیان تدریج و مبالغه است
مانند اعمار الحدید آهن تدریجاً بسیار سرخ شد صرف اجمالی آن ماضی معلوم اعمار...

احماررن...

مضارع معلوم یحمار...

یحماررن...

۹۳

ماضی مجهول احمور به...

مضارع مجهول یحمار به...

امر معلوم لیحمارر لیحمار لیحمار...

نهی لا یحمارر لا یحمار لا یحمار...

تمرین شهب دهم صفر سود را به باب افعیلال برده ماضی معلوم و مجهول فعل اول مضارع معلوم و مجهول فعل دوم و امر معلوم و مجهول فعل سوم و چهارم را صرف کنید

فصل ۱۱ ابواب غیر مشهور

ابواب غیر مشهور که ۱۵ باب‌اند قاعده خصوصی ندارند و غالباً با تاکید و مبالغه معنای خود را بیان می‌کنند و همانطور که گذشت کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند
لذا به ذکر اجمالی آنها اکتفا می‌شود

۱- باب فوعله فوعل یفوعل فوعله مانند حقل حوقل یحوقل حوقله پیر شدن.

۲- باب فیعله فیعل یفیعل فیعله مانند شطن شیطن یشیطن شیطنه شیطنت کردن.

۳- باب فعنله فعنل یفعنل فعنله مانند قلس قلنس یقلنس قلنسه کلاه پوشاندن.

۴- باب فعوله فعول یفعول فعوله مانند جهر جهور یجهور جهوره صدا بلند کردن.

۹۴

باب فعنله فعنل یفعنل فعنله مانند شمل شمال یشمل شماله تند رفتن.

۶- باب فعلاه فعلی یفعلی فعلاه مانند قلس قلسی یقلسی قلساه کلاه پوشاندن.

- ۷ - باب تمفعّل تمفعّل يتمفعّل تمفعّل مانند ركز تمرکز يتمركز تمرکز ثابت شدن.
- ۸ -باب تفوعّل تفوعّل يتفوعّل تفوعّل مانند جرب تجورب يتجورب تجورب جوراب پوشیدن.
- ۹ -باب تفيعل تفيعل يتفيعل تفيعل شطن تشيطن يتشيطن تشيطن بد جنسی کردن.
- ۱۰ -باب تفعّل تفعّل يتفعّل تفعّل جلب تجلبب يتجلبب تجلبب لباس گشاد پوشیدن یا پوشاندن.
- ۱۱ -باب تفوعّل تفوعّل يتفوعّل تفوعّل مانند رهك ترهوك يترهوك ترهوك لرزان راه رفتن .
- ۱۲ - باب افعللال افعللال يفعللال افعللال مانند قعس اقعنسس يقعنسس اقعنساس امتناع کردن و به عقب برگشتن.
- ۱۳ -باب افعلاء افعللى يفعللى افعلاء مانند سلق اسلنقى يسلنقى اسلنقاء به پشت خواباندن.
- ۱۴ -باب افعوال افعول يفعول افعوال مانند جلز اجلوز يجلوز اجلوز بهم چسباندن .
- ۱۵ - باب افيعال افوعل يفوعل افيعال مانند حلا احلولى يحلولى احلياء شيرين شدن .

۹۵

تبصره

در پنج باب ۱۰ ۹ ۸ ۷ و ۱۱ قاعده اول باب تفعل جاری می‌شود مراجعه نمایید

پرسش

۱- از ابواب مشهور چه ابوابی برای تعدیه و چه ابوابی برای طلب و چه ابوابی برای تدریج به کار می‌روند.

۲- حرف مضارع حروف مضارعه در چه ابوابی از مشهور و غیر مشهور مضموم است چرا و در کدام مفتوح است چرا

۹۶

مبحث سوم رباعی مقدمه

مقدمه

تقسیمات فعل رباعی همانند ثلاثی است فعل رباعی مجرد معلوم ماضی مضارع امر مجهول ماضی مضارع امر مزید معلوم ماضی مضارع امر مجهول ماضی مضارع امر قاعده ساختن هر قسمت و صیغه‌های هر کدام نیز همانطور است که گذشت به مقدمه کتاب و اوائل مبحث ثلاثی مجرد و مقدمه مبحث ثلاثی مزید مراجعه نمایید و نیز ماضی و مضارع رباعی مانند ماضی و مضارع ثلاثی است در حالات مختلف رباعی مجرد دارای يك باب و رباعی مزید دارای سه باب است

۹۷

فصل ۱ رباعی مجرد

ماضی رباعی مجرد بر وزن فعل مضارع آن بر وزن یفعل و مصدر آن بر وزن فعله است و گاهی در بعضی افعال بر وزن فعلا نیز می‌آید مانند دحرج یدحرج دحرجه و دحراج غلطاندن ماضی مجهول دحرج...

مضارع مجهول یدحرج...

امر معلوم لیدحرج...

دحرج...

امر مجهول لیدحرج...

نهی لا یدحرج...

نهی لا یدحرج...

تاکید یدحرجن یدحرجان یدحرجن...

یدحرجن یدحرجن...

تمرین

۱- اشتقاق قسمتهای مختلف فعل رباعی را بیان کنید.

۲- کلمات زیر یک قسمت از باب رباعی مجردند دو قسمت دیگر هر کدام را ذکر کنید زمزمه یزخرف صحیح یثقیق شرشره زحلفه دادا.

۳- باب زلزل و زحزح را ذکر نموده معلوم و مجهول ماضی فعل اول مضارع و امر معلوم فعل دوم را صرف کنید

۹۸

فصل ۲ رباعی مزید

ابواب رباعی مزید از این قرار است

باب تفعّل

تفعّل یتفعّل تفعّل مانند دحرج یدحرج یتدحرج یتدحرج لیتدحرج تدحرج در این باب نیز قاعده اول باب تفعّل جاری می‌شود و نمونه قسمتهای مختلف آن از این قرار است ماضی مجهول تدحرج به...

مضارع مجهول یتدحرج به...

امر مجهول لیتدحرج به...

نهی لا یتدحرج...

استفهام هل يتدحرج...

تاكيد يتدحرجن...

يتدحرجن...

معنى این باب مطاوعه فعلل رباعی مجرد است

باب افعللال

افعللال یفعللال افعللال مانند حرجم احرنجم یحرنجم لیحرنجم احرنجم ماضی مجهول احرنجم به...

مضارع مجهول یحرنجم به...

امر مجهول لیحرنجم به...

۹۹

معنى این باب نیز مطاوعه است حرجم جمع کرد احرنجم جمع شد

باب افعللال

افعلل یفعلل افعللال مانند قشعیریه اقشعیر یقشعیر اقشعیرار امر معلوم لیقشعیرر لیقشعیر لیقشعیرا...

اقشعیرر اقشعیر اقشعیرا...

ماضی مجهول اقشعیر به...

مضارع مجهول یقشعیر به...

امر مجهول لیقشعیرر به لیقشعیر به لیقشعیر به...

این باب مفید تاکید و مبالغه است

تمرین

معلوم و مجهول ماضی مضارع و امر تزلزل احرنجم و اقشعیر را صرف کنید

۱۰۰

مبحث چهارم فعل صناعی فعل غیر متصرف اسم فعل

فصل ۱ فعل صناعی

فعل صناعی یا منحوت فعلی است که از اسم جامد غیر مصدر و یا از جمله اسمیه یا فعلیه بر وزن یکی از

افعال ساخته می‌شود در قسم اول که از اسم جامد غیر

مصدر ساخته می‌شود شرط است که حاوی جمیع حروف اصلی اسم باشد و غالباً بر وزن یکی از ابواب

مزید فیه ثلاثی یا رباعی می‌آید مانند اصبح صبح کرد امسی

داخل شب شد قشره پوستش را کند تنی زیدا زید را به فرزندی گرفت اغد البعیر شتر غده در آورد اقفر البلد شهر ویران شد درعه به او زره پوشانید ادرع و ادرع زره پوشید درع الفرس اسب سرش سیاه و سایر

۱۰۱

اعضایش سفید شد سافه و تسیفه او را با شمشیر زد سایفوا و تسایفوا با شمشیر زد و خورد کردند اختبز الخبز نان پخت احتطب هیزم فراهم کرد بیا الیاء یاء را نوشت احمر سرخ شد و همینطور است ابیض و اسود و اصفر اعمار بتدریج سرخی اش شدید شد استنوق الجمل شتر نر ماده شد فلفل الطعام در غذا فلفل ریخت

عصر الثوب لباس را به عصفه رنگ آمیزی کرد اقشعر او را لرزه گرفت و...

و از همین قبیل است آیه شریفه فسبحان الله حین تمسون و حین تصبحون...

۱۷ - روم و حدیث شریفکل مولود یولد علی الفطره حتی یكون ابواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانهبحار ج ۲ ص ۸۸ و در قسم دوم که از جمله اسمیه یا فعلیه

ساخته می شود شرط است که يك یا چند حرف از تمام یا اکثر کلمات آن جمله گرفته شود و حروف جمع آوری شده بصورت فعلی در آورده شود تا مضمون جمله را بیان نماید و غالباً بر وزن باب رباعی مجرد آورده می شود مانند بسمل و حمدل و حوقل و حسبل و سبل گفت بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله لا حول و لا قوه الا

بالله حسبی الله سبحان الله جعلت گفت جعلنی الله فداك طلبق گفت اطال الله بقاءك مساه باو گفت مساك الله بالخیر یعنی دعا کرد شبش به خیر باشد و...

۱۰۲

فصل ۲ فعل غیر متصرف

آنچه تا کنون گذشت درباره فعل متصرف بود و فعل متصرف فعلی است که ماضی مضارع و امر و تمام چهارده صیغه هر کدام از اینها را داشته باشد و فعلی را که

چنین نباشد غیر متصرف گویند افعال غیر متصرف چهار دسته اند

۱- آنهایی که امر ندارند

۲- آنهایی که مضارع و امر ندارند

۳- آنهایی که مضارع ندارند

۴- آنهایی که ماضی و مضارع ندارند .

افعال دسته اول عبارتند از زال یزال برح بیرح فتیء یفتؤ انفك ینفك كاد یکاد اوشك یوشك طفق یطفق .

چهار فعل اول بمعنی قطع شد می‌باشند و دائماً با اداه نفی بکار برده می‌شوند و در نتیجه دوام و اتصال را می‌رسانند و دو فعل بعد بمعنی نزدیک شد است و فعل اخیر بمعنی شروع کرد می‌باشد .

افعال دسته دوم عبارتند از تبارك مقدس و منزه است و این فعل فقط به خداوند متعال نسبت داده می‌شود خلا عدا حاشا این سه فعل در استثناء بکار برده می‌شوند شد سخت است طال دیر زمانی است کثر زیاد است قل نیست کم است لیس نیست دام دوام یافت

۱۰۳

این فعل همیشه بعد از مای وقتیه مصدریه قرار می‌گیرد عسی حری اخلولق این سه فعل بمعنی امید است می‌باشند انشا جعل اخذ علق این چهار فعل بمعنی شروع کرد می‌باشند کرب نزدیک شد بئس ساء این دو فعل بمعنی ناپسند است می‌باشند و به آنها فعل ذم می‌گویند نعم حب این دو فعل بمعنی پسندیده است می‌باشند و به آنها فعل مدح می‌گویند و صیغه‌های عقود مانند بعث و اشتریت و

افعال دسته سوم افعال دسته سوم عبارتند از افعال و افعال بعنوان دو وزن تعجب وزن اول همیشه بعد از مای استفهامیه و قبل از اسم منصوب قرار می‌گیرد و دومی قبل از باء جاره و اسم مجرور به آن دو وزن فوق را در ترکیبی که گذشت دو صیغه تعجب می‌گویند مثلاً ما احسن زیدا یا احسن بزید یعنی چقدر زید نیکو است از حسن زید تعجب می‌کنم .

تذکر عین الفعل صیغه اول تعجب اعلال و عین الفعل صیغه دوم اعلال و ادغام نمی‌شود می‌گوییم ما اقوم زیدا اقوم بزید و اعزز به .

افعال دسته چهارم عبارتند از تعال بیا هات بیاور هاء بیاور هاء بگير هي بشتاب هب فرض کن .

۱۰۴

تبصره فعل غیر متصرف مبدا اشتقاق مصدر ندارد

فصل ۳ اسم فعل

اسم فعل کلمه‌ای است که دارای اثر و معنی فعل باشد ولی وزن یکی از افعال را نداشته باشد و یا اگر دارد بعضی از خواص اسم مثلاً تنوین را می‌پذیرد مانند هیهات و صه اسماء افعال بر سه دسته‌اند دسته اول آنهایی که بمعنی فعل ماضی هستند مانند هیهات دور شد دسته دوم آنهایی که بمعنی فعل مضارع‌اند مانند اف بیزارم دسته سوم آنهایی که بمعنی فعل امراند مانند صه ساکت شو اسم فعل با مبالغه معنای فعل مرادف خود را می‌فهماند توضیح بیشتر اسم فعل در بخش اسم خواهد آمد

پرسش و تمرین

۱ - فعل صناعی یا منحوت چه فعلی است.

اب اخو اخ حمو حن هنو هن دمو دم غدو غد يدى يد فوه فو فم شوهه شاه و ما وضع فى الاصل على حرف
او حرفين كالتاء و الكاف فى نصرتك و كمن و ما قليل

١٠٨

تقسيمات الاسم

للاسم ستة تقسيمات اذ هو اما

١ - مصدر او غير مصدر

٢ - جامد او مشتق

٣ - مذكر او مؤنث

٤ - متصرف او غير متصرف

٥ - معرفه او نكره

٦ - معرب او مبنى و البحث عن كل فى مبحث فمباحث الاسم ستة و له بل لخصوص الاسم المعرب تقسيم
آخر باعتبار حرفه الاخير الى المقصور و الممدود و
المنقوص و الصحيح و شبه الصحيح نوره هنا لقله البحث فيه فالمقصود ما ختم بالف ثابتة سواء كانت منقلبه
كعصا و فتى او مزیده للتانيث كعطشى او للاحاق كارطى
او لغيرهما كموسى .

و الممدود ما ختم بهمهزه قبلها الف زائده سواء كانت الهمهزه اصلية كقراء او منقلبه كسما و بناء او مزیده
للتانيث كحمراء او للاحاق كحرباء اسم دابه او لغيرهما
كزكرياء .

و المنقوص ما ختم بياء ثابتة مكسور ما قبلها كالقاضى و المنادى .

١٠٩

و الصحيح ما ختم بحرف صحيح غير الهمهزه التى قبلها الف زائده نحو رجل مرء و مرء .

و شبه الصحيح ما ختم بواو او ياء ساكن ما قبلهما نحو دلو و ظبى ثم الصحيح و المنقوص هيهنا اصطلاح
خاص غير ما سبق فى مقدمه من تقسيم الكلمه الى الصحيح و
الناقص و ...

السؤال و التمرين

١ - بين معنى الاسم و الفرق بينه و بين قسيميه الفعل و الحرف .

٢ - اعط لكل من اقسام الاسم خمسة امثله .

٣ - بين ابنيه الاسم و الفعل .

٤- اعط ثلاثة امثله على كل من اوزان الاسم الثلاثى و مثالين على كل من اوزان الرباعى و مثالا على كل من اوزان الخماسى.

٥- لم يذكر اوزان للاسم المزيد فيه.

٦- بين انواع الاسم الثلاثى المحذوف بعض اصوله و اذكر مثالين لكل منها.

٧- ما معنى تقسيمات الاسم الستة هل يأتى جميعها فى اسم واحد او يختص كل اسم بقسم بين ذلك.

٨- عرف علم الصرف و موضوعه كى يتضح لك اجمالا وجه ارتباط بعض التقسيمات بالصرف لا النحو.

٩- لم اخر قسم الاسم عن الفعل و لم لا يبحث فى الصرف عن الحرف.

١٠- عرف كلا من الصحيح و شبه الصحيح و المقصور و الممدود و المنقوص و اضرب لكل خمسة امثله

قواعد الاعلال الخاصه بالاسم

هناك قواعد للاعلال تجرى فى الاسم خاصه منها ١ تقلب الواو و الياء همزه فى ثلاثه مواضع الاول فيما اذا تطرقتا بعد الف زائده نحو رضاو رضاء

١١٠

اجراى اجراء الثانى فيما اذا وقعتا بعد الف فاعل و فروعه نحو قائل بايع بائع الثالث فى كل جمع على فعائل و شبهه باحد شرطين

١ - فيما اذا كان الثالث من حروف مفردة مدا زائدا نحو عجاوز جمع عجوز عجائز فرايد جمع فريده فرائد بخلاف جداول جمع جدول لتحريك الواو فى المفرد و معايش جمع معيشه لعدم زياده المد فى المفرد

٢ - فيما اذا وقع الفه اى الف الجمع بين حرفى عله نحو او اول جمع اول اوائل نيايف جمع نيف نيايف و كذلك تقلب اولى الواوين همزه اذا اجتمعتا فى اول الجمع نحو وواصل جمع واصله وواقى جمع واقيه وواقى .

٢ - تقلب الواو ياء فى اربعة مواضع الاول فيما اذا اتصلت بياء فى كلمه او ما يشبه الكلمه و كان السابق منهما ساكنا غير منقلب نحو سيود سيد مرموى مرمى

مرمى ضاربوى ضاربى بخلاف نحو زيتون لعدم الاتصال و نحو ادعو ياسرا لكونهما فى كلمتين و نحو طويل و غيور لكون السابق منهما متحركا و نحو ديوان لكون السابق منقلبا

١١١

و الثانى ما اذا وقعت بعد كسره و قبل الف فى موضعين ا فى مصدر الاجوف بشرط ان يكون الواو معلا فى الماضى نحو قوام قيام بخلاف لواذ .

ب فى جمع الاسماء من الاجوف بشرط ان يكون الواو ساكنا فى المفرد نحو دوار جمع دار ديار ثواب جمع ثوب ثياب رواض جمع روضه رياض بخلاف نحو طوال جمع طويل .

و الثالث ما اذا تطرفت فى الاسم المعرب و سبقتها ضمه نحو ترجو ترجى تراجى تداعو تداعى ادلو جمع دلو ادلى ادلى بخلاف غير المتطرف نحو غير او المتطرف فى الفعل نحو يدعو او فى الاسم المبني نحو هو او المسبوق بغير الضمه نحو القفو القفا و الرابع ما اذا وقعت لاما لصفه على وزن فعلى نحو دنوى دنى دنيا علوى علىا و شذ نحو قصوى .

٣ - تقلب الياء واوا اذا وقعت لاما لموصوف على وزن فعلى نحو فتى فتوى فتوى تقوى و شذ نحو ربا الراءه.

٤ -تبدل الضمه قبل الياء كسره فيما كانت الياء غير فاء اى فاء الفعل نحو مبيع مبيع مرمى مرمى تراجى

١١٢

المبحث الاول المصدر و غير المصدر مقدمها المصدر اسم يدل على حدث اى فعل او حاله نحو قتل و حسن و غير المصدر بخلافه نحو حسن و كتاب ثم المصدر على ثلاثه اقسام اصلى و ميمى و صناعى هاك البحث عنها فى الفصول الاتيه

الفصل ١ المصدر الاصلى

و هو على نوعين مصدر الفعل الثلاثى المجرد و مصدر غيره من الافعال .

الف مصدر الثلاثى المجرد لا قياس فى وزن هذا المصدر بل هو موقوف على السماع نعم هناك ضوابط غالبيه اهمها

١-فعل اذا كان لازما فمصدره على فعول نحو جلس جلوس

٢- فعل اذا كان لازما فمصدره على فعل نحو فرح فرح .

١١٣

٣ - ١٢٨ فعل و يكون لازما دائما مصدره على فعوله او فعاله او فعل نحو سهل سهوله فصاحه كرم كرم .

٤ - فعل و فعل اذا كانا متعديين فمصدرهما على فعل نحو كسب كسب فهم فهم.

٥ -الثلاثى المجرد مطلقا اذا دل على داء او مرض فمصدره على فعال نحو زكم زكام سعل سعال.

٦ -و اذا دل على صوت فمصدره على فعال او فعيل نحو صرخ صراخ صهيل.

٧ -و اذا دل على امتناع و مخالفه فمصدره على فعال نحو ابى اباء نفر نفر.

٨- و اذا دل على حرفه و صنعه او اماره و حكومه فمصدره على فعاله نحو تجر تجاره حاك حياكه امر اماره ولى ولايه .

٩- و اذا دل على لون فمصدره على فعله نحو حمر حمره .

١٠- و اذا دل على سير و انتقال فمصدره على فعيل نحو رحل رحيل .

١١- و اذا دل على اضطراب و انقلاب فمصدره على فعلا ن نحو جال جولان غليان .

و له اوزان لا ضابط لها و دونك بعضها شرب حفظ كذب صغر هدى رحمه نشده ندره غلبه سرقة ذهاب صراف سؤال قبول سوؤد زهاده درايه بغايه كراهيه بينونه حرمان غفران تلقاء جبور و...

ب مصدر غير الثلاثي المجرد هو قياسى كما مر فى باب الفعل فقد سبق ان له من الثلاثي المزيد فيه خمسة و عشرين وزنا هي افعال تفعيل مفاعله الى آخرها و من الرباعى اربعة اوزان هي فعله تفعلا افعلا و ان لبعض الابواب مصادر اخرى غير معروفه او مختصه ببعض

١١٤

الموارد كباب التفعيل و المفاعله و الفعله فراجع ان شئت

السؤال و التمرين

١- ما الفرق بين المصدر و الفعل .

٢- اورد مصادر الافعال التاليه قعد حضر عمل غرب سمح برد ضرب نصر غضب و عد رمى سلك يقال سلك المكان اى دخل فيه و سلك الطريق اى سار فيه حرث عدم قلبه اى حوله عن وجهه نعس عطش حمد شفق الحمار خار البقر عج ضج نعق الغراب بكى فر خاط زرع دل صفر هاج فار طار حى مات حرب ركع سجد جمذ دار .

٣- اعط ما تستطيع من المثال لمصادر الثلاثي المجرد و اذكر الوزن الغالبى منها .

٤- اورد مصادر الافعال التاليه اجار اجر قاتل ساوى اعتاد اتقى ارى انقاد استراح ابصر كرر اشهاب آمن اذى او عد قاوم سلسل دادا تزلزل احرنجم اقشعر

الفصل ٢ المصدر الميمى

لكل فعل ثلاثى او رباعى مجرد او مزيد فيه مصدر قياسى غير ما سبق يقال له المصدر الميمى لزياده ميم فى اوله مطلقا و هو فى المعنى كالاصلى بلا فرق فالمصدر الميمى مصدر فى اوله ميم زائده زياده قياسيه نحو منظر نظر محمده حمد .

و اما وزنه فمن الفعل الثلاثى المجرد على مفعلا غالبا الا اذا كان مثالا و اويا محذوفا فائه فى المضارع فيكون على مفعلا نحو ضرب مضرب مر ممر اخذ ماخذ قال مقال جرى مجرى حيبى محيبى و جل يوجل موجل و عد يعد موعدا و المخالف لذلك نادر لا يقاس عليه نحو زاد

مزید بات مبیبت صار مصیر جاء مجيء حاض محیض و
قد تزداد تاء فی آخره نحو سال

۱۱۵

مساله حمد محمده و من ذلك محبه موده مغفره معرفه معذره معصیه معیشه و...

و من غیر الثلاثی المجرّد علی وزن مضارعه المجهول بجعل میم مضمومه مکان حرفه المضارعه نحو اکرم
مکرم صرف مصرف قاتل مقاتل دحرج مدحرج تدحرج
متدحرج و...

تنبيه يهم شأن المصدر الميمي في الثلاثي المجرّد و يكثر الانتفاع به لكونه قياسيا بخلاف مصدره الاصلی
السؤال و التمرین

۱ - عرف المصدر الميمي و بين الفرق بينه و بين المصدر الاصلی.

۲ - ابن المصدر الميمي مما يلي من الافعال دخل خرج ظهر حضر جلس شرب اوى سعى ومق رضى جرى
هلك عصى ود اكتسب استفتى انقاد اختار

الفصل ۳ المصدر الصناعی

و هو كلمه لها معنى المصدر تصاغ من زياده ياء مشدده و تاء على آخر الاسم مطلقا نحو جاهل جاهليه عالم
عالميه محصول محصوليه حيوان حيوانيه تبع تبعيه و
تحذف عند بنائه ياء النسب من الاسم ان اشتمل عليها نحو ايراني ايرانيه و يجرى فى الاسم عند صوغ
المصدر منه ما يجرى فيه لياء النسب و سيأتى فنحو شيه بمعنى
العلامه و شويه صغرى صغرويه بردي برديه و هكذا ...

السؤال و التمرین

۱ - صغ المصدر الصناعی مما يلي من الاسماء مدنى عرب عصبى رحمن رؤوف فوق تحت قبل بعد ليل قوم
صغرى كبرى اشد مظلوم صادق.

۲ - ما الفرق بين المصدر الصناعی و المصدر الميمي و ما الفرق بينه و بين الاصلی

۱۱۶

المصدر المجهول

المصدر - مطلقا - قد يكون مصدرا لفعله المعلوم فينصب الي الفاعل و يقال له (المصدر المعلوم) نحو
(ضرب زيد بكرا ضربا) و قتل اللص صاحب
الدار فليقتل لقتله) و قد يكون مصدرا لفعله المجهول فينصب الي النائب عن الفاعل و يقال له المصدر
المجهول نحو ضرب بكر ضربا و قوله عليه السلام و قتلا في
سبيلك فوفق لنا و من ذلك قوله

ان يقتلوك فان قتلك لم عارا عليك و رب قتل عار

عارا عليك و رب قتل عار عارا عليك و رب قتل عار

هذا و قد ظهر ان المعلوم و المجهول من المصدر يتشابهان لفظا و يختلفان في المعني و الاستعمال .

و قد يكون المصدر بمعني اسم المفعول ك(كتاب) بمعني مكتوب و من ذلك قوله عليه السلام في الدعاء : (و الخلق كلهم عياك)

السؤال

ما الفرق بين المصدر المعلوم و المصدر المجهول و ما المميز بينهما

الفصل ٥ اسم المصدر

و هو كلمه تدل على الحاصل من معني المصدر و نتيجته نحو الحب البغض الغسل المشى الهدنه و...

و لا قياس في وزنه بل قد يكون موازنا للمصدر نحو الحب و المشى و قد يكون مغايرا له نحو البغض و الغسل فان مصدريهما البغاضه و الغسل و ليس لكل فعل اسم

المصدر بل صوغه ايضا سماعي

١١٧

التمرين بين معني اسم المصدر و اعط عشره امثله عليه و لو من الفارسيه

الفصل ٦ المره و النوع

قد يذكر مصدر بعد فعل لبيان ان الفعل لم يقع الا مره واحده او لبيان نوع الفعل و كيفيه وقوعه .

فالاول بيني من الثلاثي المجرى على فعله نحو ضربه ضربه اي مره و من غيره على المصدر الاصلى بزياده

تاء في آخره نحو اكرمه اكرامه و الثاني ياتي من الثلاثي

المجرى على فعله و من غيره على المصدر الاصلى بزياده تاء في آخره و يلزمه الاضافه نحو جلست جلسه

الامير و تعاضدنا تعاضده الاخوان فلو كان المصدر

الاصلى من الثلاثي المجرى على فعله و من غيره مختوما بتاء احتيج في بيان المره بقيد يفيد ذلك نحو رحمته

رحمه واحده و افادني افاده واحده و اما في بيان النوع

فالاضافه هي المبينه في كل حال هذا تمام الكلام في المصدر و اما غير المصدر فلا يبحث عنه بعنوانه اذ ليس

له حكم من حيث هو غير المصدر

التمرين صغ المره و النوع من الافعال التاليه قرا كتب مشى نام درس تصافح استراح قاتل سار عاد

١١٨

المبحث الثاني الجامد و المشتق

مقدمه

الجامد ما لم يؤخذ من غيره نحو رجل و درهم و المشتق ما اخذ من كلمه اخرى نحو عالم و معلوم و عليم
الماخوذه من العلم .

ثم الجامد لا يختص بحكم و اما المشتق فهو على ثمانية اقسام هي

- ١ - اسم الفاعل
- ٢ - اسم المفعول
- ٣ - الصفه المشببه
- ٤ - اسم التفضيل
- ٥ - اسم المبالغه
- ٦ - اسم المكان
- ٧ - اسم الزمان
- ٨ - اسم الاله .

كل هذه المشتقات تبني من المضارع و المضارع من الماضى و الماضى من المصدر ففى صوغ كل منها من المضارع يلاحظ وزنه اى وزن ذلك المشتق و يعمل على حسبه

الفصل ١ اسم الفاعل

اسم الفاعل ما دل على ما صدر عنه فعل او قام به حاله حدوثا لا

١١٩

دواما و يبنى من المضارع المعلوم و وزنه من الثلاثى المجرد على فاعل نحو ضرب يضرب ضارب علم يعلم عالم و من غيره يؤخذ من المضارع المعلوم بجعل ميم زائده مضمومه مكان حرفه المضارعه و كسر ما قبل الاخر ان لم يكن مكسورا نحو اكرم يكرم مكرم دحرج يدحرج مدحرج احرنجم يحرنجم محرنجم و هكذا... و لاسم الفاعل ست صيغ الاولى للمفرد المذكر و هي ما ذكر نحو ضارب و مكرم و...

الثانيه للمثنى المذكر تؤخذ من الاولى بفتح اللام و زياده الف و نون مكسوره فى آخرها نحو ضارب ضاربان. الثالثه للجمع المذكر تؤخذ من الاولى بضم اللام و الحاق واو ساكنه و نون مفتوحه باخرها نحو ضارب ضاربون .

الرابعه للمفرد المؤنث تؤخذ من الاولى بفتح اللام و الحاق تاء مربوطه باخرها نحو ضارب ضاربه .

الخامسه للمثنى المؤنث تؤخذ من الرابعه بالحاق الف و نون مكسوره باخرها نحو ضاربه ضاربتان .

السادسه للجمع المؤنث تؤخذ من الرابعه باسقاط التاء المربوطه و الحاق الف و تاء مبسوطه باخرها نحو ضاربه ضاربات .

فتصرفه من ضرب يضرب كذا ضارب ضاربان ضاربون ضاربه ضاربتان ضاربات و من اكرم يكرم كذا
مكرم مكرمان مكرمون مكرمه مكرمتان مكرمات و
هكذا...

و اعلم ان النون فى التنثيه و الجمع عوض عن التنوين فى المفرد و الالف و الواو فيهما علامتان للتنثيه و
الجمع و ليسا بضميرين لانه يبدل عنهما بالياء فى حالتى النصب
و الجر على ما سوف ياتى .

١٢٠

تنبيه فى ضمائر اسم الفاعل اسم الفاعل كفعله المشتق منه يستند الى الفاعل فلا بد له من فاعل و هو اما ظاهر
نحو ا ضارب زيد او ضمير نحو زيد ضارب هو و فى
جميع الصيغ يستنتر الضمير جوازا فالمستنتر فى الصيغه الاولى هو او انت او انا على اختلاف الموارد و فى
الثانيه هما او انتما او نحن و فى الثالثه هم او انتم او نحن و
فى الرابعه هى او انت او انا و فى الخامسه هما او انتما او نحن و فى السادسه هن او انتن او نحن

السؤال و التمرين

١ - عرف الجامد و المشتق.

٢ - بين معنى اسم الفاعل و اوضحه فى امثله.

٣ - هل يدل اسم الفاعل على ما تفيد صيغه المجهول و لم ذلك.

٤ - ما هو الاصل لاسم الفاعل و كيف يشتق منه.

٥ - صغ اسم الفاعل من الافعال التاليه ياكل يشرب يسال يوصى يعاهد يمشى يصبر يقوم يبيع يعد يهب يصل
يميل يسيل يجوز يسلم يختار يستخرج يسلم يقشع يزلزل
يتزلزل.

٦ - صرف اسماء الفاعلين التاليه عالم صابر قائد قاضى والى صائم محرم مجاهد مختار مستغفر مزلزل
محمار محمر.

٧ - لم لا يكون لاسم الفاعل اكثر من ست صيغ و لا يكون كالفعل.

٨ - اذكر ضمائر المضارع و اسم الفاعل.

٩ - ما هو الفرق بين الف يضربان و الف ضاربان مثلا

الفصل ٢ اسم المفعول

اسم المفعول ما دل على ما يقع عليه الفعل حدوثا و يشتق من المضارع المجهول و وزنه من الثلاثى المجرد
على مفعول نحو ضرب يضرب

١٢١

مضروب و من غيره يؤخذ من المضارع المجهول بجعل ميم مضمومه مكان حرفه المضارعه نحو يكرم
مكرم يدحرج مدحرج يحرنجم به محرنجم به و هكذا...

و حيث ان اسم المفعول يبني من الفعل المجهول فلا محاله يبني من المتعدى اما بنفسه او بحرف الجر فان بنى
من المتعدى بنفسه كضرب و اكرم فله ست صيغ بعين ما

مر فى اسم الفاعل فى صوغ الصيغ و المعنى و الضمائر و هكذا يصرف مضروب مضروبان مضروبون
مضروبه مضروبتان مضروبات و مثله مكرم و غيره .

و ان بنى من المتعدى بحرف الجر فله اربع عشره صيغه بعين ما مر فى مجهول المتعدى بحرف الجر
فتصريف اسم المفعول من ذهب به يذهب به هكذا .

مذهوب به مذهوب بهما مذهوب بهم الى آخره و كذلك منكسر به منكسر بهما منكسر بهم الى الاخر .

تنبيه تبين مما سبق ان فى غير الثلاثى المجرى يتحد وزن اسم المفعول مع المصدر الميمى فيفرق بينهما
بالقرينه .

تبصره وردت صيغ سماعيه تؤدى ما يؤديه اسم المفعول و من ذلك فعول و فعيل و فعال نحو رسول و قتيل و
اله

السؤال و التمرين

١ - ما هو اصل اسم المفعول و كيف يشتق منه.

٢ - هل هناك فرق بين اسم الفاعل و اسم المفعول فى عدد الصيغ و لم ذلك .

١٢٢

٣ - بين ضمائر اسم المفعول المصوغ من المتعدى بنفسه.

٤ - صغ اسم المفعول من مجهول ما يلى من الافعال المعلومه يظلم يختار ينقلب يدخل يخرج يستخرج
يكسب يكتسب ياكل يموت ينام يصفر يحمار .

٥ - صرف اسماء المفعولين التاليه ممدوح مقتول ممرور به مغشى عليه مصطفى مقتدى به مدعى عليه محمار
به مدحرج محرنجم فيه.

٦ - فى اى موضع يتحد وزنا اسمى الفاعل و المفعول

الفصل ٣ الصفه المشبهه

و هى ما دل على صفه و صاحبها و ثبوت تلك الصفه له و الغالب فيها ان تكون بمعنى الفاعل نحو كريم
شجاع و...

و كونها بمعنى المفعول نحو عليل قليل و الصفه المشبهه تصاغ من الفعل اللازم فقط فمن الثلاثى المجرى تاتى
على افعال بشرط ان يكون الفعل دالا على لون او عيب او

حليه نحو حمر احمر عرج اعرج بلج ابلج و فى غير ذلك لا يقاس فى وزنها بل تاتى على اوزان شتى سماعيه
نحو شريف شجاع جبان سيد صعب صلب ذلول بطل
صفر نجس غضبان عريان و...

و من غيره غير الثلاثى المجرى تصاغ على وزن اسم الفاعل من ذلك الفعل و يراد به الثبوت نحو منقطع
معتدل مستقيم و...

تنبيه قد تاتى الصفه المشبهه من الثلاثى المجرى ايضا على وزن اسم الفاعل او اسم المفعول نحو طاهر القلب و
محمود المقاصد و...

تتمه للصفه المشبهه ست صيغ غالبا لانها تؤنث بالتاء و تثنى ب ان او ين و تجمع جمع المكسر على ما سياتى
فعليك فى كل صفه بملاحظه السماع و يلاحظ فيها ما تلاحظ

فى اسم الفاعل من الضمائر

١٢٣

السؤال و التمرين

ما الفرق بين اسم الفاعل و الصفه المشبهه.

٢- تفرس وجه تسميه الصفه المشبهه و بينه.

٣- صغ الصفه المشبهه من الافعال التاليه باض عور حول بكم زرق بهج انبسط استمر اعتل استقام استدار اقام
اشرق توقد.

٤- ميز الصفه المشبهه عن غيرها فى ما يلى فصيح اللسان صادق القول حر الضمير يقظ الفؤاد حديث السن
حسن النيه جليسى فى قطار حاد البصر صاحبي فى

طريق انا حامى الحق كنت حاميك متى كنت محقا وفى كريبه الصوت قبيح المنظر حسن الخلق حامض سالم
شاب داء قاتل.

٥- ما هو الاصل للصفه المشبهه و ما هو القاعده فى صوغها منه ٦ عين صيغ الصفات المذكوره فى المتن

الفصل ٤ اسم التفضيل

و هو كلمه تدل على موصوف و زياده وصفه على غيره نحو زيد اعلم من اخيه و اخوه اتقى منه و وزنه افعال
فى المذكر و المؤنث و قد يؤنث فى المؤنث و يقال فعلى

على ما سياتى .

و لا يبنى اسم التفضيل الا من الثلاثى المجرى المعلوم التام المتصرف القابل للتفضيل غير الدال على اللون او
العيب او الحليه فيصاغ من نحو يعلم يكبر يحسن يفضل و

نحو ذلك و يقال اعلم اكبر و...

و لا يصاغ من الثلاثى المزيد و الرباعى و لا من المجهول و لا من الناقص ككان و صار و لا من غير المتصرف كعسى و ليس و لا من غير القابل للتفضيل

١٢٤

كمات و لا من ما يدل على لون او عيب او حليه من نحو حمر عرج و بلج و اذا اريد بيان التفضيل من الفاقد للشروط يؤتى بمصدره الاصلى منصوبا بعد افعل المصوغ

من فعل آخر مناسب له اى لهذا الفاقد نحو الفعل اكثر تصريفا من الاسم هذا اشد حمرة من ذاك و هكذا...

الا ان يكون الشرط المفقود هو التصرف او القبول للمفاضله فلا يجوز حينئذ بيان التفضيل مطلقا لما لا يخفى .

تتمه لا بد لاسم التفضيل من ان يستعمل على احد وجوه اربعة

١- ان يذكر بعده من مع مجروره نحو على ع افضل من غيره

٢- ان يضاف الى نكره نحو ابو ذر اصدق رجل

٣- ان يكون مدخولا لال التعريف نحو فلان الاعلم

٤- ان يضاف الى معرفه نحو على ع افضل الناس .

فاذا استعمل على الوجه الاول او الثانى فوزنه سواء فى المذكر و المؤنث و المفرد و المثنى و الجمع يقال زيد افضل من...

هند افضل من...

الزيدان افضل من...

و كذلك يقال زيد افضل رجل هند افضل امراه الزيدان افضل رجلين و...

و اذا استعمل على الوجه الثالث و جب فيه المطابقه مع المعنى يقال زيد الافضل هند الفضلى الزيدان الافضلان و هكذا...

و اذا استعمل على الوجه الرابع جاز فيه الامران المطابقه و عدمها و الامثله ظاهره .

تنبيهان

١- كلمتا خير و شر تستعملان للتفضيل تخفيفا لاخير و اشر و تؤنث خير على خيره و شر على شره و شرى

٢- قد يجرد وزن التفضيل من معنى المفاضله و يستعمل بمعنى

١٢٥

الصفه المشبهه او اسم الفاعل كقوله تعالى و هو اهون عليه ٢٧ الروم اى هين و قوله تعالى الله اعلم حيث يجعل رسالته ١٢٤ الانعام اى عالم

السؤال و التمرين

١- ما هي صيغته اسم التفضيل و ما هو معناها و اصلها.

٢ -بين التفضيل فيما يلي يغفل يحضر يعتاد يحمر يتزلزل يبهج يعيش يسود يجوز يكثر يقل يغيب يدوم ينقلب.

٣ -اصحح في الكلمات التاليه اغلاطها انت الافضل منى هي الافضل منا انا اسن منها فاطمه اكبر من غيرها فاطمه كبرى النساء هي اكبر النساء هي فضلى من غيرها

اختك الاصغر ابى الاكبر من امى هو الحسنى هي احسن من غيرها هم افضلو رجل

الفصل ٥ اسم المبالغه

هو ما دل على ما يكثر صدور فعل عنه او قيام وصف بهنحو علام من يكثر علمه و حمال من يكثر حمله للاتقال و نحو ذلك و بينى من الثلاثى المجرد كثيرا و من غيره

على قلبه و وزنه سماعى مطلقا فمن الثلاثى المجرد نحو كذب كذوب رحم رحيم قام قيوم جلد جلد شر شرير قدس قدوس در مدرار نطق منطيق و...

و من غيره نحو اعطى معطاء انذر نذير ادرك دراك اتلف متلاف تتمه لاسم المبالغه و باقى الاسماء المشتقه يعنى اسماء المكان و الزمان و الاله ست صيغ فى الغالب

على حد ما سبق فى الصفه المشتبهه تماما فراجع فى صيغ كل اسم من كل اسم من هؤلاء الاسماء المعاجم اللغويه

١٢٦

السؤال و التمرين

١ - بين معنى اسم المبالغه و صيغته و اصله.

٢- ما الفرق بين اسم الفاعل و اسم المبالغه.

٣ -هات اسم المبالغه من الكلمات التاليه عطر جلد كذب نصح لمز جزع صدق فهم شكر كر رمل ود حال عاد رؤوف صبر

الفصل ٦ اسم المكان

هو اسم مشتق يدل على محل وقوع الفعل و مكانه نحو مجلس زيد اى محل جلوسه يصاغ اسم المكان من الافعال كلها الثلاثى و غيره ففى الثلاثى المجرد يكون على زنه

مفعل بكسر العين و مفعل بفتحها فمفعل فى موردين الاول الصحيح اذا كان مضارعه مكسور العين نحو ضرب يضرب مضرب الثانى المثال اذا كان مضارعه محذوف

الفاء نحو وعد يعد موعد و مفعل بفتح العين فى غير ذلك مطلقا نحو جرى مجرى و جل يوجل موجل طبخ مطبخ و...

و فى غيره اى غير الثلاثى المجرد يكون على وزن اسم المفعول مطلقا و يفرق بينهما بالقرينه نحو مجتمع مستقر و...

تنبيه ما يرى من نحو جزر يجزر مجزر غرب يغرب مغرب نبت ينبت منبت سجد يسجد مسجد طلع يطلع
مطلع شرق يشرق مشرق و مشرق شاذ لا يقاس عليه نعم ورد
نحو مسجد و مطلع و مشرق ايضا و هو على القياس .

تتمه قد يلحق اسم المكان تاء مربوطه نحو مقبره ماذنه محكمه...

١٢٧

و قد يصاغ من الاسم الجامد اسم المكان على مفعله و يدل على كثره معنى ذلك الاسم فى المكان نحو ماسده
مكلبه مسبعه مبطخه و...

اى ارض يكثر فيها الاسد الكلب السبع البطيخ و...

الفصل ٧ اسم الزمان

و هو اسم يدل على وقت وقوع الفعل نحو قولنا مغرب الشمس ساعه كذا اى زمان غروبها و يشترك اسم
الزمان مع اسم المكان فى الصوغ و الوزن فيجرى فيه كل ما

مر هناك و الفارق بينهما بل بين كل منهما و بين المصدر الميمى هو القرينه و قد تلحقه تاء مربوطه كقوله
تعالى و ان كان ذو عسره فنظره الى ميسره ٢٨٠ البقره اى الى

زمان اليسر و اما الصوغ من الجامد فيختص باسم المكان و لا يصاغ اسم الزمان الا من الفعل

التمرين صغ اسم المكان و الزمان من الافعال التاليه ولد ذهب غرب نام شرب سعى قتل اوى صلى اغتسل
غسل استشفى فر قر احمار انقلب كسب زرع ازدحم اصطاد

الفصل ٨ اسم الاله

اسم الاله كلمه تدل على آله ايجاد الفعل و يصاغ من الفعل الثلاثى المجرد قياسا على ثلاثه اوزان هى مفعل
مفعله و مفعال نحو نشر الخشب منشر منشار منشره فتح الباب

مفتح مفتاح مفتحه عرج معرج

١٢٨

معراج و هكذا...

و ما ورد من نحو منخله مكحله و مدق قليل لا يقاس عليه تنبيه تدل على بعض الالات اسماء جوامد نحو قلم
جرس سكين و...

و لا يطلق عليها اسم الاله فى اصطلاحهم

التمرين ابن اسم الاله مما يلى كسح عرج برد رقى طرق دفع ندف لعق حلب

الفصل ٩ فى تقسيم الجامد و المشتق الى الموصوف و الصفه

الموصوف ما وضع اسما لذات او حدث فقط نحو زيد اسد قتل والصفه ما وضع اسما لذات او حدث لاقتراهما بحدث نحو فاضل مفضول افضل و نحو الجهاد الاكبر .

ثم الجوامد موصوفات كلها الا ما يلحق منها بالمشترك و سيأتي نحو زيد جعفر شجر و...

و يلحق بالجامد هنا ما ترك فيه معنى الوصفيه من المشتقات نحو السياره بمعنى الاوتومبيل و الصحيفه بمعنى الجريده و كذا الجريده و من ذلك ما استعمل علما منها نحو

محمد احمد قاسم منصور و...

و المشتقات صفات الا ما الحق بالجامد منها و يلحق بالمشترك هنا ثلاثه جوامد ١ المنسوب نحو ايراني ٢ المصغر نحو رجيل ٣ ما قصد منه معنى المشتق نحو اسد في

قولنا زيد اسد اي شجاع و من ذلك المصدر عند قصد المبالغه نحو زيد عدل او ثقه .

١٢٩

تنبيه ما جاء هنا من الموصوف و الصفه غير ما يبحث عنه في علم النحو فان الوصف و الموصوف هناك و قد يعبر عنهما بالنعته و المنعوت ببيان رابطه خاصه بين

جزاين من اجزاء الكلام فلا تعنون كلمه وحدها بانها موصوف او صفه او فقل نعت او منعوت اما هنا فالوصفيه و الموصوفيه عنوانان للكلمات بالنظر الى انفسها مع قطع

النظر عن نسبه كلمه الى شئ آخر في الكلام

السؤال و التمرين

١ - الموصوف ما هو و الصفه ما هي اي اسم موصوف و ايه صفه.

٢ -ميز الموصوف من الصفه فيما يلي الصبر مفتاح الفرج الصمت زين و السكوت سلامه العلم خير من المال تجربه علم مستفاد الفقر سواد الوجه في الدارين العالم

سراج لا فضل لعربي على عجمي الا بالتقوى الصلاه معراج المؤمن صدر العالم بحر الحكيم نمله العدو افعى المنافق ثعلب اسد على و في الحروب نعامه العلم مكسحه

الاوهام الموت مع العز حياه و الحياه مع الذله موت انما الحياه عقيدته و جهاده هو الله... الملك القدوس السلام المؤمن المهيمم العزيز الجبار المتكبر محمد ص رسول

الله و خاتم النبيين مجارى الامور بيد العلماء انا مدينه العلم و على بابها قضيتكم على عمرحبا بقوم قضوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاكبر

١٣٠

المبحث الثالث المذكر و المؤنث

الفصل ١ في اقسام المذكر و المؤنث

الاسم على نوعين مذكر و مؤنث و كل منهما على قسمين حقيقى و مجازى فالحقيقى ما دل على ذكر او انثى من الانسان و الحيوانات و المجازى ما ذكر او انثى مجازا و

اعتبارا فالمذكر الحقيقي نحو رجل و جمل و نحوهما و المؤنث الحقيقي نحو امرأه و ناقة و نحوهما و المذكر المجازى نحو قلم و جدار و المؤنث المجازى نحو دار و غرفه .

ثم المذكر على قسمين خاصين به ١ ما يمكن ثانيته ٢ ما لا يمكن ثانيته فالاول منه ما يؤنث بالتاء و منه ما يؤنث بالالف المقصوره و منه ما يؤنث بالالف الممدوده كما سيأتى و الثانى ما لا يمكن ثانيته على ثلاثه اقسام

١- ما لا مؤنث له اصلا نحو كتاب قلم و...

٢- ما لمؤنثه لفظ خاص نحو اب ابن اخ بعل صهر ديك ثور و...

فان بازائها ام بنت اخت زوجه كنه دجاج بقره و...

١٣١

ما يستعمل للمذكر و المؤنث على السواء و ذلك فى ثلاثه موارد الف المصدر المذكر نحو زيد عدل و هند عدل ب اكثر اوزان المبالغه نحو رجل منطيق و امرأه منطيق ج فعول بمعنى الفاعل و فعيل بمعنى المفعول نحو رجل صبور و امرأه صبور رجل جريح و امرأه جريح بخلافهما اذا كان بالعكس من ذلك نحو رسول و رحيم فانه يقال امرأه رسوله و ام رحيمه .

تنبيه الصفات الخاصه بالانثى نحو حائض حامل و مرضع لا تؤنث غالبا و ان جاز ثانيتها .

و المؤنث ايضا على قسمين يختصان به لفظى و معنوى اللفظى ما كان فى آخره احدى علامات التانيث و هى التاء المربوطه و الالف المقصوره و الالف الممدوده نحو امرأه و حبلى و حمراء لفظى حقيقى و نحو تمره و رجعى و صحراء لفظى مجازى و المعنوى ما كان خاليا منها نحو مريم معنوى حقيقى و نحو بئر معنوى مجازى .

تتمه المؤنث المعنوى قياسى فى موارد و سماعى فى اخرى فالقياسى فى اربعة موارد

١- المؤنث الحقيقى نحو مريم زينب هند اخت و نحو ذلك

٢- اسماء البلاد نحو قم نجف تهران ايران و...

٣ - اسماء الاعضاء المزدوجه من البدن نحو عين اذن يد رجل الا بعضها نحو خد و مرفق و حاجب

٤- اسماء الرياح نحو صبا شمال جنوب قبول دبور حاصب و...

١٣٢

و اما السماعى ففى كلمات لا ضابط لها منها ارض اصبع ارنب افعى بئر جحيم سقر حرب دلو دار رحم رحى ريح سن سبيل شمس ضبع عصا عين فلك قوس كاس نار نعل و...

و يعرف هذا القسم القسم السماعى بجريان احكام المؤنث فيه بان يسند اليه الفعل المؤنث او يشار اليه باسم الاشاره المؤنث او يوصف بالمؤنث او يرجع اليه ضمير المؤنث و نحو ذلك نحو

و اخرجت الارض اثقالها هذه جهنم التي كنتم توعدون فيها عين جاريه و الشمس وضخيتها

تنبيه

هناك امور يجوز فيها التذكير و التانيث كلاهما و ذلك قياسى فى ثلاثه موارد

١ - عامه الكلمات اذا قصدت الفاظها فالتذكير باعتبار اللفظ و التانيث باعتبار الكلمه تقول مثلا اللام احد الحروف الهجاء او احديها من ياتى لمعان او تاتى يدخل كان على المبتدا و الخبر او تدخل زيد يلحقه التنوين او يلحقها

٢ - اسماء القبائل نحو عاد و ثمود و اوس و خزرج قال الله تعالى كذبت ثمود بالنذر ٢٣ القمر

و قال تعالى و اما ثمود فهديناهم ١٧ فصلت فالتذكير باعتبار القوم و التانيث باعتبار القبيله

٣ - اسماء الاجناس الجمعيه و هى ما يفرق بينه و بين مفرده بتاء او ياء النسب فى مفرده نحو نخل و افرنج قال تعالى كانهم اعجاز نخل خاويه ٧ الحاقه

و قال تعالى كانهم اعجاز نخل منقعر ٢٠ القمر فالتذكير باعتبار اللفظ و التانيث باعتبار المعنى .

و سماعى فى اسماء لا ضابط لها منها حال حانوت خمر درع ذهب سكين سلم ضحى طريق عقاب عقرب عنق عنكبوت فرس قدر كبد لسان مسك ملح منجنيق ماء و...

١٣٣

السؤال و التمرين

١ - ميز الحقيقى عن المجازى فيما يلى من الاسم المذكر قرطاس شجر لباس ثور ديك كلب سنور ماء حجر جمل زيد ابن بعل باب فحل يوم ليل شهر.

٢ - عين الحقيقى و المجازى فيما يلى من الاسم المؤنث ساعه ارض زينب شاه بئر عين كف ضان معز كاس نعل نار جهنم دار حرب هند شعار مريم عصا ساق.

٣ - اعط لكل من الاقسام الثلاثه للمذكر الذى لا يمكن تانيثه خمسه امثله.

٤ - عين نوع التانيث الحقيقى و المجازى اللفظى و المعنوى فى الكلمات التابعه كلثوم رقيه رباب ام عمه اخت قوس فخذ حرب تمره صحراء سلمى قيمه ضبع سماء

ارض شمس رحم سعيده بنت ريح يد رجل امراه حسناء بطحاء حجره دواه قدر شجره حوزة نمل نحل الى حتى صار اصبح صاد فاء عاد تبع

الفصل ٢ اسناد الفعل الى المؤنث

من احكام المؤنث تانيث الفعل المسند اليه كما اشير اليه في الفصل السابق و ذلك قد يجب و قد يجوز بيان ذلك يجب تانيث الفعل اذا اسند الى المؤنث الحقيقي سواء كان لفظيا نحو امراه ام معنويا نحو هند و سواء اسند الفعل الى نفسه او الى ضميره نحو جائت امراه و ذهبت سالت هند و احببت و كذا اذا اسند الى ضمير المؤنث المجازى نحو الشمس طلعت و البئر امتلات و نحو ذلك و اما اذا استند الى نفس المؤنث المجازى لا الى ضميره فيجوز تانيثه نحو طلعت الشمس او طلع الشمس .

١٣٤

تنبيهان ١ اذا اسند الفعل الى ظاهر المؤنث و فصل بينهما فاصل ففي المجازى يحسن تذكير الفعل و في الحقيقي يجوز ذلك نحو طلع اليوم الشمس في ساعه كذا و جاء او جائت اليوم هند ٢ في الجمع المكسر و المؤنث السالم اذا اسند الفعل الى ضميرهما جاز امران الف رعايه المعنى و ارجاع ضمير الجمع المذكر او المؤنث اليه نحو الرجال جاؤوا و المسلمات جنن و الدور هدمن و المطلقات يتربصن بانفسهن ثلاثه قروء ٢٢٨ البقره و العاديات ضبحا...

فاثرن به نقعا ١٤ العاديات ب رعايه اللفظ و ارجاع الضمير المفرد المؤنث اليه و ذلك باعتبار تاويله الى الجماعه تقول الرجال جائت و المؤمنات ذهبت و الفتيات آمنت .

و اذا اسند الفعل الى ظاهرهما و جب فيه الافراد مع جواز التذكير و التانيث تقول جاء الرجال و جائت الرجال جاء المسلمات و جائت المسلمات مضى الايام و مضت الايام قال تعالى اذا جاءك المؤمنات ١٢ الممتحنه و قال تعالى قالت الاعراب آمننا ١٤ الحجرات

التمرين

١- اسند الى كل من الاسماء المؤنثه التاليه فعلا مره الى نفسه و اخرى الى ضميره حاله عروس حانوت سن شمال كاس قدم علام امه ام اخت ايام دار غرفه شمس رسوله مرضع حامل صاحبات طالبه ازمنه آيات احوال قضاء مسائل رياح قانتات اخوات مصطلحات.

٢- ارسم جدولا يبين اقسام المذكر و المؤنث و اعط لكل قسم امثله من غير ما ذكر

١٣٥

الفصل ٣ فى علامات التانيث و آثارها و مواضعها

العلامه الثلاث للتانيث و هى التاء المربوطه و الالف المقصوره و الالف الممدوده كما سبق قد تفيد التانيث الحقيقي و قد لا تفيد بيان ذلك التاء المربوطه تفيد التانيث الحقيقي غالبا فى خمس موارد

١ - اسم الفاعل نحو ضارب ضاربه محسن محسنه

٢ - اسم المفعول نحو مظلوم مظلومه مؤدب مؤدبه

٣ - الاوزان السماعيه للصفه المشبهه نحو شريف شريفه سيد سيده و كذا القياسيه منها في غير الثلاثي المجرد نحو منقطع منقطه

٤ - المنسوب نحو ايراني ايرانيه قرشي قرشيه

٥ - بعض الجوامد نحو امرء امراه نمر نمره و لا ضابط لهذا الاخير الا السماع .

الالف المقصوره تفيد التانيث الحقيقي في موردين

١ - الصفه التي على فعلا فانه توث على فعلى نحو سكران سكرى غضبان غضبى الا ست عشره صفه هي منان كثير المن و الاحسان اليان عظيم الاليه حبلان كثير الغيظ خمسان دقيق الوسط ضامر البطن دخان ما يغشاه الدخان ريحان طيب الرائحه

١٣٦

سيفان الرجل الطويل سخنان الحار ضحيان الذي ياكل في الضحى صوجان الشديد الصلب من الدواب علان الجاهل قشوان الضعيف مصان اللئيم موتان موتان الفود البليد ندمان من يندم نصران نصراني فان هذه توث بالتاء يقال امراه ندمانه نصرانه و...

٢ - افعال التفضيل فانه يؤنث على فعلى نحو افضل فضلى اصغر صغرى و...

و الممدوده تفيد التانيث الحقيقي في مورد واحد و هو الصفه المشبهه التي تكون على افعال فانه توث على فعلاء نحو احمر حمراء اعمى عمياء ابلج بلجاء و في غير ما مر اذا زيدت العلامات الثلاث افادت التانيث المجازى و لا قياس لهذا النوع بل يعرف بالسماع منه تمره ضربه عده اقامه و...

دعوى بردى نهر في دمشق رجعى اربى الداهيه حبارى و...

سراء صحراء فقهاء اربعاء كبرياء عاشوراء و...

نعم التاء لا يخلو من فائده اخرى غير التانيث المجازى غالبا ككونه لبيان الوحده نحو تمر تمره ضرب ضربه او عوضا عن الفاء نحو وعد عده او عوضا عن العين نحو اقوام اقامه او عوضا عن اللام نحو شفه شفه او عوضا عن الزائد نحو تبصير تبصره او لغير ذلك و قد لا يفيد الا التانيث المجازى نحو غرفه و عمامه...

تنبيه و تتمه ان التاء و الالف بنوعيه لا تفيدان التانيث الا عند زيادتهما و اما ان كانتا اصليتين او بحكم الاصليه فلا توثان الكلمه اى تانيث فليعلم هنا موارد اصلية هذه الحروف و موارد ما تكون الزائده بحكم الاصليه التاء اصلية في كلمات معدوده تعرف بالسماع نحو وقت سبت و...

١٣٧

و تلحق بها و تكون بحكمها في عدم افاده التانيث مطلقا التاء الزائده في المذكر الحقيقي نحو طلحه معاويه و ما زيدت لبيان المبالغه نحو راويه من كثرت روايته او لتأكيد المبالغه نحو علامه و فهامه .

الالف المقصوره اصلية فى الناقص نحو رحي رضا مرمى و...

و تلحق بها الزائده فى ثلاثه موارد

١ - الزائده فى المذكر الحقيقى نحو موسى

٢ - ما زيدت سادسه نحو قبعثرى بكسر القاف و فتحه القوى من الابل

٣ - التى زيدت لللاحق و معنى اللاحق ياتى فى محله نحو ارطى شجر يشبه ثمره العناب .

الالف الممدوده اصلية فى مهموز اللام و معتله نحو قراء سماء اناء دعاء اعطاء و...

و تلحق بها الزائده فى موردين

١ - ما زيدت فى المذكر الحقيقى نحو زكرياء

٢ - ما زيدت لللاحق نحو حرباء دويبه تتلون فى الشمس الوانا مختلفه يضرب بها المثل فى التقلب

السؤال و التمرين

١ - اعط لكل مورد من الموارد التى تفيد فيه التاء التانيث الحقيقى خمس امثله.

٢ - عين الحقيقى و المجازى فيما يلى و اذكر المائز بينهما سماحه علامه عالمه قاعده مشيه شورى حسنى
حسنا طيبه وديعه صغرى صحراء شهلاء ندمانه مصانه
ريحانه غضبى عوراء عطيه رضيه عشيه سوداء عاشوراء قرشيه زكيه زكويه سوءى حبلى سلمى صفراء .

١٣٨

ما هى علامات التانيث و متى لا تكون تلك الحروف علائم للتانيث اعط لذلك امثله.

٤ - هل الاسماء التاليه مؤنثه ام لا و ما الدليل عليه عطيه اسم رجل عيسى يحيى علباء ملحق صمت فتوى
زحمه حمزه همزه نباته اسم رجل زياء

١٣٩

المبحث الرابع المتصرف و غير المتصرف

مقدمه

الاسم على قسمين متصرف و غير متصرف المتصرف ما يثنى و يجمع و يصغر و ينسب اليه نحو اسد اسدان
اسود اسيد اسدى و غير المتصرف ما لا يعرضه هذه
الحالات فلنبحث عن هذه الحالات الاربعه و كيفيتها و احكامها

الفصل ١ المثنى

المثنى ما دل على فردين من افراد جنسه بزياده فى آخره و تثنيه الكلمه هى الحاق علامه المثنى باخرها و
علامه المثنى هى الالف و النون المكسوره او الياء المفتوح ما

قبلها مع النون المكسوره نحو رجلا و امراتين فلا يكون حسين مثنى لان النون فيه اصلية و لا يكون اثنتين
مثنى لان

١٤٠

ياءه اصلية و لا يكون بحرين مثنى لانه لا يدل على فردين بحر و بحر ثم كيفية صوغ المثنى فى الموارد
المختلفه هكذا الصحيح و شبهه تلحق باخرهما علامه المثنى
نحو اسدان و ظبيان و كذا المنقوص الذى لم تحذف لامه نحو الهادى الهاديان .
و المنقوص المحذوف اللام يرد لامه عند التثنيه نحو هاد هاديان مهتد مهديان .

و المقصور ان كان ثلاثيا و كانت الفه منقلبه عن واو ردت الفه الى اصلها نحو العصا العصوان و العصوين
الربا الربوان و الربوين و...

و الا قلبت ياء نحو الفتى الفتيان المصطفى المصطفيان المستشفى المستشفيان .

و المقصور المحذوف لامه لالتقاء الساكنين يرد لامه عند التثنيه نحو عصا بالتثوين عصوان فتى فتيان .

و الممدود ان كانت همزته اصلية اى كان الممدود كلمه مهموزه اللام بقيت على حالها و ان كانت للتانيث قلبت
واوا و ان كانت منقلبه او مزيده لللاحق جاز فيها وجهان
ابقاؤها على حالها و قلبها واوا نحو قراء قراءان حمراء حمراوان دعاء دعاءان و دعاوان و اهداء اهداءان و
اهدوان علباءان و علباوان .

و الثلاثى المحذوف لامه ان لم يعوض عنه بشيء و بقى ثنائيا رد لامه عند التثنيه نحو اب ابوان اخ اخوان الا
يد و فم فان المحذوف منهما لا يرد نحو يد يدان فم فمان و
كذلك دم على

١٤١

الاصح و ان عوض عن اللام بشيء ثنى كما هو نحو سنه سنتان اسم اسمان و...

و المركب الاضافى يثنى جزؤه الاول نحو عبد الله عبدا الله و عبدى الله و اما المزجى و الاسنادى فيضاف
اليهما ذوا او ذوى فى المذكر و ذواتا او ذواتى فى المؤنث
نحو سيبويه ذوا او ذوى سيبويه تابط شرا ذوا او ذوى تابط شرا .

تنبيه الحقت بالمثنى خمس كلمات هى اثنان اثنتان ثنتان كلا كلتا فان هذه ليست بمثنيات لعدم انطباق حد المثنى
عليها و ان وافقته فى الصورة و المعنى .

تتمه قد يقصد من المثنى افراد كثيره كما فى قوله تعالى ثم ارجع البصر كرتين ٤ الملك اى كرات و نحو لبيك و
سعديك و ذلك لان المثنى فى حكم المكرر و المكرر قد
يفيد الكثره نحو كلا اذا دكت الارض دكا دكا و جاء ربك و الملك صفا صفا ٢١ و ٢٢ الفجر

السؤال و التمرين

١ - عرف المتصرف و غير المتصرف.

٢- ما هو المثنى و التثنيه و علامه المثنى.

٣- ميز غير المثنى من المثنى فيما يلى و اذكر لم لا يكون مثنى جولان خذلان قوچان من بلاد خراسان خمين جبان عيان حنين ثنتين غزلان.

٤- كيف يثنى المفرد الصحيح و شبه الصحيح اعط امثله على ذلك.

٥- كيف يثنى المقصور و الممدود و المنقوص و الثنائى و المركب اعط لكل نوع امثله.

٦- ثن الكلمات التاليه صحراء سماء رضا بابويه قولويه بيت لحم بعلبك ابو الحسن دار مسجد مسعى رفيق سؤال نداء مولى ثقه راع نام محيى

١٤٢

الفصل ٢ الجمع

الجمع ما دل على اكثر من اثنين بزياده فى آخره او تكسر بناء مفردوه هو على ثلاثه اقسام

البحث ١- جمع المذكر السالم

١ - جمع المذكر السالم

٢ - جمع المؤنث السالم

٣ - جمع المكسر هذا و الكلام فى بيان اقسام الجمع و ما يتعلق به فى ابحاثالبحث

١ - جمع المذكر السالم علامته و او مضموم ما قبلها مع نون مفتوحه او ياء مكسور ما قبلها مع نون مفتوحه فى آخر المفرد نحو مسلم مسلمون مسلمين و يشترط فى المفرد الذى يجمع هذا الجمع ثلاثه شروط

١ - ان يكون مذكرا خاليا عن التاء

٢ - ان يكون اسما لذى عقل

٣ - ان يكون مما يؤنث بالتاء ان كان وصفا او يكون علما ان كان موصوفا .

فعلى هذا لا يجمع جمع المذكر السالم نحو هند و ضاربه للانوثه و لا نحو طلحه و علامه للاقتران بالتاء و لا نحو كلب و صاهل لكونهما اسمين لغير ذى العقل و لا نحو غضبان و احمر لكونه صفة تؤنث بغير التاء و لا نحو رجل و غلام اذ ليسا بعلم هذا و يستثنى من الشرط الثالث افعل التفضيل فانه يجمع هذا الجمع مع تانته بالالف .

١٤٣

ثم المنقوص تحذف يائه عند الجمع نحو الهادى الهادون و الهادين المهتدى المهتدون المهتدين و كذلك الف المقصور نحو المصطفى المصطفون و المصطفين موسى موسون و موسين و اما الممدود فحكمه ما سبق فى التثنيه نحو وضاء وضؤون و وضائين فراء فراؤون و

فرائين فراوون و فراوين و المركب مطلقا يجمع باضافه ذو
او ذوى اليه نحو ذو عبد الله ذو سيبيويه ذو تابط شرا .

تتمه الحقت بجمع المذكر السالم عده كلمات منها عليون العلى العلو و عليون اسم لاعلى الجنه مفرد عالمون
معناه العالم كما قيل فهو بمعنى الخلق كله و قيل معناه العقلاء
من الخلائق فلا مفرد له فى شىء من المعنيين عشرون الى تسعين اولو بمعنى اصحاب و لا مفرد له ارضون
جمع ارض و هى مؤنث سنون جمع سنه و هى ايضا مؤنث
باب سنون و هى كلمات ثلاثيه حذفتم لامها و عوضت عنها تاء التانيث و لم يجمع جمع التكسير نحو عضه
بمعنى الكذب او التفريق فعلى الاول اصلها عضه و على
الثانى اصلها عضو و نحو عزه بمعنى الفرقة من الناس اصلها عزى و نحو ثبه بمعنى الجماعه اصلها ثبى
فتجمع هذه على عضون عزون ثبون فليس من هذه نحو يد و
لا نحو زنه و لا نحو شفه و شاه لعدم التعويض فى الاولى و كون التعويض عن الفاء فى الثانيه و وجود جمع
التكسير فى الثالثه شفه شفاه شاه شياه و من الملحقات
اهلون جمع اهل و ليس علما بنون جمع ابن و هو ايضا غير علم و انما الحقت هذه الكلمات بالجمع لان فيها
علامه الجمع دون حده او شروطه

١٤٤

السؤال و التمرين

- ١ - ما الفرق بين معنى المثنى و الجمع و ما الفرق بين علامتيهما.
- ٢ - الجمع ما هو و كم قسما له.
- ٣ - اجمع الكلمات التابعه جمع المذكر السالم زيد سعد سعيد سائل ندمان نصران عالم حريص طبيب اكبر اعلم
قرشى اصولى اخبارى عدل.
- ٤ - هل يجمع ما يلى جمعا مذكرا سالما او لا لما ذا صبر علم ذو الفقار المدينه النجف طهران سعيده زينب
سكران اخضر اصغر صغرى صفراء صوره كتاب اعرج
خجول منطبق اعشى جريح حيران قلم رسول بتول امه رحمن الله.
- ٥ - اجمع الكلمات التاليه جمع المذكر السالم قاضى مفتى على رضا سلمى موسى و شاء عيسى حذاء مرتضى
مجتبى غازى مقتدى شكر الله بيت لحم عبد مناف
بابويه.

٦ - ما هو الملحق بجمع المذكر السالم و لم يسمى ملحقا بالبحث

٢ - جمع المؤنث السالم علامه جمع المؤنث السالم الف و تاء زائدتان فى آخر المفرد نحو ضاربات و يجمع
بهذا الجمع اربعة امور

البحث ٢ - جمع المؤنث السالم

١ - علم المؤنث نحو هند هندات

٢ - ما فيه تاء التانيث و ان كان مذكرا و يحذف منه التاء عند الجمع نحو ضاربه ضاربات طلحه طلحات ثمره ثمرات و يستثنى من ذلك عده كلمات منها شفه شاه امه امراه امه مله

٣ - ما فى آخره الف التانيث و حكم الالف هنا حكمها فى التثنيه نحو حبلى حبليات صحراء صحراوات و يستثنى من ذلك عند غير الكوفيين فعلى مؤنث فعلا ن نحو سكرى مؤنث سكران و فعلاء مؤنث افعل نحو حمراء مؤنث احمر

١٤٥

المذكر غير العاقل اذا كان وصفا نحو راسى راسيات مطبوع مطبوعات جميل جميلات الهى الهيات دريهم دريهامات و كذا اذا كان موصوفا بصوره المصدر بشرط ان يزيد على ثلاثه احرف نحو سؤال سؤالات امتحان امتحانات و مما يجب التنبيه له حال الاسم الثلاثى المختوم بالتاء عند جمعه جمع السلامه و نبينه بالجدول فتنبه فعله الصفه تبقى على حالها نحو ضخمه ضخمات حره حرات حسنه حسنات فعله الموصوف متحرك العين تبقى على حالها نحو شجره شجرات فعله الموصوف ساكن العين مفتوح الفاء اجوف تبقى على حالها نحو حوزة حوزات فعله الموصوف ساكن العين مفتوح الفاء غير اجوف تفتح عينها نحو ثمره ثمرات فعله الموصوف ساكن العين غير مفتوح الفاء يجوز فيها ثلاثه اوجه

١ - ابقاء العين على حالها نحو حنطه حنطات جمله جملات

٢ - اتباع العين للفاء نحو حنطات و جملات

٣ - فتح العين نحو حنطات و جملات و لهم كلمات جمعت على خلاف القياس منها بنت بنات و القياس بنتات اخت اخوات و القياس اختات ام امهات و القياس امات و وردت امات ايضا .

١٤٦

تنبيه الحقت بجمع المؤنث السالم اولات صاحبات و اذرع اسم قريه بالشام و نحوه و عرفات بناء على كونه مفردا لا جمعا لعرفه فان الاول لا مفرد له من لفظه و مفرده من معناه ذات بمعنى صاحبه و الثانى مفرد راسا و كذا الثالث .

تذكار يقال لهذين النوعين من الجمع السالم او المصحح و ذلك لسلامه بناء المفرد فيهما فى الغالب بخلاف القسم الاتى

السؤال و التمرين

١ - اجمع الكلمات التابعه جمع المؤنث السالم زينب مريم سكينه سلمى فاطمه زهراء بيضاء رحمه قساوه ثوره حبلى حبارى كتاب مكاتبه تحيه مقاله تمايل سؤال نجد صخره هيبه دوره ثمره صفره عزله عوده سكته غرفه قيمه حيله تكامل كمال منصوب مرفوع مجرور موصوف صغرى مصغر صفراء اخت ام بنت قوه مشهى.

فاعل ان كان موصوفا يجمع على فواعل نحو خاتم خواتم دائق دوائق و ان كان صفة جمع على فعال و فعل و فعله او بعض هذه الثلاثة نحو جاهل جهال جهل جهله و كافر كفار كفره هذا فيما صح لامة فان اعتل اللام جمع على فعله نحو قاضى قضاه داعى دعاه .

فاعله ت جمع على فواعل وصفا كانت او موصوفا نحو كاتبه اسم لما بين كتنى الفرس كواثب ضاربه ضوارب و فى حكمها حامل حوامل حائض حوائض .

افعل ان كان صفة مشبهه جمع على فعل نحو اخضر خضر و ان كان للتفضيل جمع على افاعل نحو افضل افاضل .

فعلى ان كان للتفضيل جمع على فعل نحو كبرى كبر و الا جمع على فعلى نحو خنثى خنثى .

فعلى ان كان مؤنثا لفعالن جمع على فعال نحو عطشى عطاش و الا جمع على فعلى و فعلى نحو فتوى فتاوى و فتاوى .

فعلاء ان كان صفة مشبهه جمع على فعل نحو خضراء خضر و الا جمع على فعال او فعلى و فعلى نحو بطحاء بطاح صحراء صحارى و صحارى .

فعالن بتثليث الفاء ان كان موصوفا جمع على فعالين نحو سرحان و هو الذئب سراحين سلطان سلاطين و ان كان صفة و لا يكون حينئذ الا مفتوح الفاء جمع على فعال او فعلى نحو عطشان عطاش سكران سكارى و اما نحو كسالى جمعا لكسلان و سكارى جمعا لسكران فنادر .

١٤٩

و اما الرباعى و الخماسى مجردين كانا ام مزيدا فيهما موصوفين كانا ام صفتين فيطرد جمعهما على فعالن بحذف اللام الثالث من الخماسى و حذف الزائد منهما مطلقا نحو درهم دراهم غضنفر غضافر سفرجل سفراج خندريس خنادر و يستثنى من ذلك الرباعى المزيد فيه الذى قبل لامة الاخيريه مده فانه يجمع على فعاليل نحو قرطاس قرطيس .

و المماثل للرباعى و الخماسى من الثلاثى المزيد فيه يجمع على مماثل فعالن بشرط ان لا يشمله حكم من الاحكام السالفه و المراد بالمماثل هو الموافق فى عدد الحروف و الحركة و السكون لا فى الاصله و الزيادة و لا فى نوع الحركة نحو جواهر سلم سلالم مصدر مصادر مشرق مشارق مساله مسائل منبر منابر و كذلك المماثل لنحو قرطاس يجمع على مماثل فعاليل نحو مفتاح مفاتيح مسكين مساكين مطموره مطامير كراسى اسلوب اساليب حلقوم حلاقيم ارجوزه قصيده من الرجز اراجيز .

تتمه يكثر الخروج عن الاطراد فى الجمع المكسر و منه فلس افلس صوم صيام ثور ثيران ثوب ثياب جمل جمال حجر حجاره ساق سوق تاج تيجان اخ اخوان نمر نمر و نمور سبع سباع رجل رجال رجل علم علوم حسن محاسن ريح رياح قرء قروء رمح رماح حوت حيتان رطب ارطاب فلك فلك فلك فلك صديق اصديق طريق طرق كسرى اكاسره غلام غلمه و ياتى اغلمه و غلمان ايضا كريم كرماء و...

١٥٠

تنبيه الجمع المكسر يرد الاشياء الى اصولها نحو حال احوال ناب انياب دينار اصله دنار دناتير اخ اخوه و اخوان اب آباء اسم اسماء ماء مياه نار نيران دار دور و ادور

السؤال و التمرين

١ - الجمع المكسر ما هو.

٢ - ما الفرق بين المكسر و السالم فى الدلاله على الجمعيه.

٣ - ما هي الاوزان المشهوره فى جمع الثلاثى المجرد و ما هي مفردات تلك الاوزان اعط امثله.

٤ - اجمع الكلمات التاليه جمع التفسير حول قول علم سهم هرم حمل قلم سر رب عذر سوء نعم قدر ثقل سؤال متاع طعام دعاء سفير عزيز سفينه جريمه علامه
كتيبه كاتب سائل عالمه عالم داعى راميه قافى ساعى باكيه حامى اصغر ابيض اكبر اعظم اقرب انثى
كبرى عظمى سكرى غضبى دعوى.

٥ - اجمع جمع التفسير عذراء زهراء بيضاء حوراء عمياء ميدان ديوان اصله دووان حيران ندمان سلمان
يقظان ربحان مسجد معبر محمده مكرمه معصيه معيشه
مصرف محرم.

٦ - اجمع جمع التفسير معذره مقدره مسعى مرحمه مقضى مغزى مسلخ مزجر ميسره مغرب اسبوع اعجوبه
صوره غرفه حجره عبره سدره سوره صيغه شعبه
حكمه قلعه فضله عقده غده غيضة صيحه اسطوره حليه ثلمه حوزه.

٧ - اجمع جمع التفسير جحمرش جخدب ثعلب حودج حيدر صندر قذعمل قلنسوه مكتب مقلب موسى دينار
اصله دننار غربال.

٨ - رد الجموع التاليه الى مفرداتها و بين كلا منها انه من الصيغ المطرده او من غيرها قوارير حوادث مراحم
سلاسل قرائن ديالمه حور عيدان اسواق اقيسه آبال
اعضاء رقباء مراثى مبادى ايدى ايدى غيب نواميس

١٥١

قراطيس شرفاء صبر امالى دعاوى فتاوى مدائح اجانب اوائل اناعيم قبائل قرب طعان حفر خضر اهرام قبور
بدور فراعنه فتن رياض حيل معارج اسامى اسماء
سماوات اراضى زعماء براهين قوانين غضاب سكار صغر اصاغر صفر معادن مرضى قذاعم جحامر خنادر
اقننه بنادر اسهم سهام اظافير اساطير

البحث ٤ القله و الكثره

جمع التفسير على نوعين

١ - القله و هو ما دل على الثلاثه الى العشره و لها اربع صيغ مشهوره هي افعله افعل فعله افعال نحو اغلمه
اشهر غلمه افراس

٢-الكثرة و هو ما دل على الثلاثة فما فوقها و صيغه ما عدا الاربعه المذكوره لجمع القله من صيغ جمع التكسير .

هذا و الجمع السالم يستعمل فى الثلاثة فما فوقها مطلقا و ان لم يطلق عليها جمع الكثره و كذا صيغ القله تستعمل فى اكثر من العشره مع القرينه

التمرين

١ - ميز القله عن الكثره فى الجموع المذكوره فى التمرين السابق.

٢ - عرف القله و الكثره

البحث ٥ منتهى الجموع

قد يجمع بعض الجموع جمعا مكسرا او سالما فيقال له جمع الجمع نحو اكلب جمع كلب اكالب اقوال جمع قول اقاويل بيوت جمع بيت بيوتات .

١٥٢

فان جمع الجمع جمع تكسير قيل له جمع منتهى الجموع ايضا و له وزن افاعل نحو اكالب و افاعيل نحو اقاويل .

هذا و يقال لمطلق الجموع المماثله لوزنى جمع منتهى الجموع صيغه منتهى الجموع و لو لم يكن جمع الجمع كمفاعل و مفاعيل و فواعل و فواعيل نحو مساجد و مصابيح نواجذ و نواميس فصيغه منتهى الجموع هى كل جمع مكسر بعد الف تكسيروه حرفان متحركان او ثلاثه احرف اوسطها ياء ساكنه قد يعد منها نحو سراويل مع كونه مفردا ثم اقل مدلول جمع الجمع تسعه لما لا يخفى

التمرين

١ - ميز جموع منتهى الجموع فى التمرين ٨ للبحث ٢ . ٣ ميز صيغ منتهى الجموع فى التمرين المذكور و اذكر الفرق بين منتهى الجموع و بين صيغته ثم الفرق بين منتهى الجموع و جمع الجمع

البحث ٦ اسم الجمع و اسم الجنس

الجمعى اسم الجمع ما دل على اكثر من اثنين و لا مفرد له من لفظه نحو قوم و جيش و اسم الجنس الجمعى ما له مفرد يشاركه فى لفظه و يمتاز بقاء تانيث او ياء النسب نحو تمر و تمره مجوس و مجوسى التمرين عرف اسم الجمع و اسم الجنس الجمعى و اذكر الفرق بينهما و عينهما فى الكلمات التابعه عسكر قطيع فار شجر ضرب ثبه فئه فكر

١٥٣

الفصل ٣ المنسوب

هو الملحق باخره ياء مشدده لتدل على نسبه الى المجرّد عنها نحو ايراني المنسوب الى ايران و ياء النسب تكسر ما قبلها مطلقا و للنسبه قواعد خاصه اليك فيما يلي بيانها

١ - الثلاثي المحذوف منه بعض اصوله ان كان المحذوف منه فاء الفعل و جب رده ان اعتل لامه نحو شبيه علامه و شوى و الا لا يرد نحو عده عدى و ان كان المحذوف منه لام الفعل و جب رده ان كان يرد في التثنيه او الجمع السالم نحو اب ابوى اخ اخوى سنه سنوى عصا بالتثوين عصوى فتى فتوى و الا جاز الرد و عدمه نحو دم دمي و دموى ابن ابني و بنوى اسم اسمى و سموى

٢ الثلاثي المكسور العين يخفف بفتح عينه نحو نمر نمرى ابل ابلى دئل دئلى و ما قبل آخره ياء مشدده مكسوره يخفف بحذف الياء التانيه نحو طبيب طبيى اسيد مصغر اسود اسيدى

٣ - المختوم بتاء التانيث يحذف عنه تاؤه عند النسب نحو بصره بصرى كوفه كوفى فان كانت المنسوب مؤنثا لحقته تاء التانيث تقول فتاه بصريه و جماعه كوفيه

٤ - المقصور تقلب الفه واوا ان كانت ثالثه نحو الربا الربوى و كذا فيما اذا كانت رابعه و سكن الثانى نحو الدنيا الدينوى فان تحرك الثانى حذفت الالف نحو بردى و كذا اذا كانت خامسه فصاعدا نحو الحبارى الحبارى المصطفى المصطفى و قد ينقلب واوا نحو

١٥٤

المرتضى المرتضى المصطفى المصطفى

٥ - الممدود حكم همزته هنا حكمها في التثنيه نحو قراء قرائى صحراء صحراوى سماء سماءى و سماوى حرباء حربائى و حرباوى

٦ - المنقوص حكمه هنا حكم المقصور نحو العمى ذو العمى العموى الثانى الثانوى المعتدى المعتدى

٧ المختوم بالياء المشدده ان كانت ياء المشدده بعد حرف واحد قلبت الياء الثانى واوا و رد الاولى الى اصلها نحو حى حيوى طى طوى و ان كانت بعد حرفين حذفت احديهما و قلبت الاخرى واوا نحو على علوى و ان كانت بعد ثلاثه احرف او اكثر حذفت راسا نحو كرسى كرسى الا ان يكون احدى الياءين اصلية فابقاء الاصلى و قلبها واوا احسن من حذفها نحو معنى معنوى مهدى مهدى

٨ - المثنى و الجمع ينسب الى مفردهما نحو زيدان زيدى مساجد مسجدى الا ان يكونا علمين فينسب الى انفسهما نحو كاظمين كاظمينى انصار انصارى

٩ - المركب المزجى و الاسنادى ينسب الى صدرهما غالبا نحو بعليك بعلى و تابط شرا تابطى و اما الاضافى فينسب اليه برمته او الى صدره او عجزه مراعىا رفع الالتباس فعين ابل عين ابلى امرؤ القيس امرؤى عبد مناف منافى

١٠ فعيله فعلى و فعيله فعلى بشرط ان يكونا صحيحى العين غير مضاعفين نحو مدينه مدنى جهينه قريه بالعراق من نواحى الموصل جهنى و اما الاجوف او المضاعف

منهما فينسب الى لفظه بعد حذف التاء نحو طويله طويلي جليله جليلي نويره مصغر نار نويري فعدم حذف الياء في طبيعي و رديني منسوبين الى طبيعه و ردينه

١٥٥

امراه اشتهرت بتقويم الرماح شاذ على المشهور .

تكملة اذا وقعت واو منقلبه قبل ياء النسب فتح ما قبلها كما مر في الامثله من نحو دنيوي عموي علوي مهدوي ... و

بخلاف غير المنقلبه نحو دلوي و عدوي .

و قد يجيء المنسوب شذوذا على غير ما ذكر نحو اميه اموي مرو مروزي يمن يمان و يمانى رى رازى رب ربانى روح روحانى بحرین بحرانی باديه بدوي قریش قرشى هذيل هذلي .

تتمه اوزان فعال فاعل و فعل قد تدل على النسب من دون لحوق الياء باخرها و ذلك اذا قصد منها صاحب الشئ نحو تمار اى صاحب التمر و لابن اى صاحب اللبن و طعم اى صاحب الطعام و من ذلك ظلام فى قوله تعالى و ما ربك بظلام للعبيد ٣٦ فصلت و قد تسمى الاوزان الثلاثه صيغ النسب فتنبه

التمرين

١- عرف النسب و المنسوب و المنسوب اليه و اذكر امثله لذلك .

٢ - انسب الى الكلمات التابعه علم بنت اخ اخت ديه ابن اسم قيمه دئل فم حم ابل سنه صله سيد ميت عاده مائه حله صبا ربا عليا مرتضى حبا لواء مستشفى صحراء زهراء بيضاء ربضه علباء مجتبي غراء حامى وافي عالي مشتري موسوى رى غى غنى ردى جيد مرضى كبد كتف .

٣ - انسب الى الكلمات التاليه بحرین عابدين عليون قزوين اليان عرفات اولاد نساء جاريات العاديات قوانين عبد الله ايرانشهر ابن عرس بيت لحم فيض الاسلام زين العابدين رباط سكينه سفينه كليله رقيه امير حسين شريف قضيه سلحفاه عليه عويل جنايه رياضه جعاله حنين

١٥٦

صفي صفيه غروب صعوبه حراره بروده كفيل.

٤ - جرد الكلمات الاتيه عن علامه النسب غروي مدنى شرطى اهلى حلى قاضوى ثانوى فاطمى طنطاوى خباز بقال سافر بدوى فرنسوى ولائى عمى عموى معدى كربي رازى سنى

الفصل ٤ المصغر

١٧١ المصغر اسم زيدت بعد حرفه الثانى ياء ساكنه ليذل على تقليل و هذا المعنى بالنسبه الى الجئه تصغير نحو جبيل اى جبل صغير و رجيل اى رجل قصير و الى الشان تحقير نحو عبيد اى عبد ذليل و رجيل اى رجل حقير و الى العدد تقليل نحو دريهمات اى دراهم معدوده و الى الزمان و المكان تقريب نحو قبيل الظهر و بعيد الجدار .

و قد يجىء للحنو و الاشفاق نحو بنى و اذى قال تعالى يا بنى لا تشرك بالله ان الشرك لظلم عظيم لقمان ١٣ و من الغريب مجيؤه للتعظيم كقول الشاعر فويق جبيل شاهر الراس لم تكن لتبلغه حتى تكل و تعملهذا و لتصغير الاسم قواعد خاصه نبينها فيما يلى الاول اذا كان الاسم ذا ثلاثه احرف ضم اوله و فتح ثانيه و زيدت الياء ياء التصغير بعد حرفه الثانى نحو حسن حسين اوس اويس و ان كان الاسم ذا اربعه احرف فصاعدا جرى فيه ما سبق و انكسر ما بعد الياء نحو درهم دريهم الا فى اربعه موارد

١ فيما كان ما بعد ياء التصغير متصلا بعلامه التانيث نحو سبحة سبيحه سلمى سلمي حمراء حميراء

٢ فيما- كان متصلا بالف افعال من اوزان جمع المكسر نحو

١٥٧

اطفال اطيفال او الف افعال فى التفضيل من الناقص نحو اشهى اشهى و مثله افعال التعجب من الناقص كما احلاه ما احيلاه

٣- فيما كان متصلا بان فعلا بنثليث الفاء بشرط كونه علما او وصفا نحو سلمان سليمان سكران سكيران بخلاف غير العلم و الوصف و هو اسم الجنس نحو فنجان فنجين

٤ - فيما كان متصلا بعلامه المثنى او الجمع السالم نحو حسنين حسنين بكرون بكرون هندات هندات

الثانى الثلاثى المحذوف بعض اصوله يرد حرفه المحذوف عند التصغير سواء لم يعوض عنه بشىء نحو اب او عوض عنه بالهمزه نحو ابن او بالميم نحو فم او بناء التانيث نحو زنه او بالياء المبسوطه نحو اخت و بنت اصلهما اخو و بنو الا ان العوض ان كان همزه او ميما حذف و ان كان تاء تانيث بقى و ان كان تاء مبسوطه تبدل تاء مربوطه نحو اب ابى ابن بنى فم فويه زنه وزينه اخت اخيه

الثالث الثلاثى المزيد فيه حرفان يحذف احدهما عند التصغير و المزيد فيه ثلاثه يحذف اثنان منها اى من الزوائد و الرباعى المزيد فيه تحذف زوائده مطلقا و الخماسى المجرى يحذف آخره و الخماسى المزيد فيه يحذف زائده و آخره امثله ذلك منطلق مطبق مستخرج مخيرج مدرج دحرج سفرجل سفيرج خندريس خنيدر تنبيه لا يحذف الزائد الواقع فى اول الثلاثى المزيد فيه حرفان او

١٥٨

ثلاثة احرف ابدأ بل يحذف غيره نحو منطلق مطيلق مستخرج مخيرج و ان كان الزائدان او الزوائد في غير
الاول حذف ايا شئت نحو قلنسوه قلينسه و قليسيه الرابع
يستثنى من حذف الزائد ما اذا كان الزائد لنا رابعه فصاعدا او تاء تانيث او الفه او الالف و النون او علامتى
المثنى و الجمع السالم او ياء النسب و يجرى حكم الزيادة
على غيرها نحو مصباح مصبيح تملاق بكسر الاول و الثانى و تشديد اللام مصدر تملقه اى تودد اليه تميليق
مسلمه مسيلمه خنفساء خنيفساء زلزله زليزله زعفران
زعفران رجلان رجيلان بكرون بكرون مريمات مريمات مشهدى مشيهدى سلمى سلمى الخامس الجمع
المكسر ان كان جمع قله صغر على صورته نحو غلمه غليمه
افنده افينده اكلب اكيلب افراس افيراس و ان كان جمع كثره صغر مفردة ثم جمع جمع السلامه فان كان لمذكر
عاقل جمع جمع المذكر و الا جمع جمع المؤنث سواء كان
مذكرا غير عاقل ام مؤنثا نحو رجال رجيلون كتب كتيبات ضوارب جمع ضاربه ضويربات ثم غير المكسر
من الجموع و كذا المثنى يصغر كل على صورته نحو
ضاربون ضويربون مريمات مريمات قوم قويم نخل نخيل رجلان رجيلان السادس المركب الاسنادى لا
يصغر و اما المزجى و الاضافى فيصغر صدرهما و يبقى العجز
على حاله نحو عبد الله عبيد الله حسنعلى حسينعلى

١٥٩

السابع المؤنث المعنوى اذا كان ثلاثيا تظهر فى مصغره تاء التانيث نحو هند هنيده شمس شميسته بخلاف غير
الثلاثى نحو عقرب عقيرب مريم مريم و ما خالف ذلك من
نحو عريس مصغر عرس و اصبيعه مصغر اصبع شاذ لا يقاس عليه

التمرين

١- صغر الكلمات التابعه حجر حجره بيت باب دار دوره بر قرضه كتاب اسد غضنفر ثعلب حمار ناقه بعير
صحراء قبضه اسرار بصره عده ديه قاتل مقتول
مستشفى مسجد معبر اطراف غربال سربال عثمان عمران يقظان طهران سامراء كبرى موسى صفراء رداء
كساء روايه قبه كره سفينه جزيره جريده .

٢ - صغر الكلمات التالیه قضاه عابدات عرفات كاظمين بحرين اخ ام اخت اسم قليل دليل وعد ريه سمه غالب
مغلوب منتظر مضطرب محمار مستوحش مستولى
قرمز صوره قذعمل قرطعب سلسبيل قرطاس دواه جورب ازار غفران مسبعه حمراء زلخاء هندات مهدوى
علوى اكباد اغلمه ساده شجره شجر جيش قطع ارض
قدر نفس كاس بئر ارنب افعى

تكملة فى شواذ التصغير و تصغير الترقيم

يختص التصغير بالاسماء المعربه و قد يصغر بعض المبنيات و لا تراعى فيها القواعد السالفه و من ذلك ذا ذيا
تا تيا الذى...

الذيا اللذيان الذيون التى...

التنيا اللتيان اللتيات اولى اوليا اولاء اولياء ما افعل للتعجب ما افعل نحو ما املحه ما اميلحه زيت ذبي كيت
كيى و لهم نوع من التصغير يسمى تصغير ترخيم و هو ان
يحذف جميع زوائد

١٦٠

الاسم ثم يصغر نحو احمد حامد محمود محمد و...

حميد و الالتباس يدفع بالقرينه .

تتمه فى اعلال المصغر

الاسم المعل يرد الى اصله عند التصغير ثم يصغر ثم يعل المصغر حسب ما تقتضيه قواعد الاعلال نحو باب
بويب ناب نيبب ميزان موزين ميقات مويقت و...

و من هنا اشتهر ان التصغير كالتكسير يرد الاشياء الى اصولها .

و للمصغر قاعدتان هما

١- اذا كان الثالث من حروف الاسم الفا زائده او منقلبه قلبت ياء و ادغمت ياء التصغير فيها نحو كتاب كتيب
مصاب مصيب

٢- اذا وقع ياءان بعد ياء التصغير فاجتمعت ثلاثه ياءات حذفت الاخيره منها نحو صبي صبي عطاء عطى
معاويه معيه

التمرين

١ - كبر المصغرات الاتيه دويبه دويبيه دويره عذيراء سليمه ثويب مويسر سكيران كبير فريس قدير قديمه
عريضه رحيه اصيبيعه نعيله سفينه فريديس دليه جهينمه
اوليا ذبي جحيمه.

٢ - لخص قواعد التصغير و بين الاعلال المختص بالمصغر و اذكر امثله لذلك الاعلال

١٦١

المبحث الخامس المعرفه و النكره

مقدمه

المعرفه اسم دل على معين معلوم نحو محمد مكه هو هذا و...

و النكره اسم دل على غير معين نحو رجل كتاب و...

ثم النكره قسم واحد و علامتها ان تقبل ال التعريف نحو رجل او تكون بمعنى كلمه هى تقبل ذلك نحو ذو
بمعنى صاحب و المعرفه على سبعة اقسام العلم المعرف بال
الضمير اسم الاشاره الموصول المضاف المنادى و لا بد من توضيح لهذه الاقسام فى فصول

١٦٢

الفصل ١ العلم

و هو ما دل على واحد معين بالوضع نحو محمد و مكة و للعلم تقسيمات لانه

١- اما مفرد نحو زيد و اما مركب و المركب اما اضافى نحو بيت الله و عبد الله و اما اسنادى نحو تابط شرا و اما مزجى نحو سيبويه

٢ - و ايضا اما اسم و هو ما نبا عن المسمى فقط نحو زيد و اما كنيه و هى ما تصدر لافاده التعظيم باب او ام نحو ابى عبد الله و ام كلثوم و جعل منها بعضهم ما تصدر بابن او بنت نحو ابن جلا و بنت الشاطى و اما لقب و هو ما افاد المدح او الذم نحو صادق و بطه

٣ - و ايضا اما مرتجل غير ماخوذ عن شىء من ارتجل الامر اى اخترعه كانه فعله قائما على رجله من غير ان يقعد متانيا فيه نحو ادد اسم رجل و اما منقول و المنقول ما نقل عن اسم ذات نحو اسد و حاتم او عن اسم معنى نحو فضل او عن فعل ماض نحو شمر لفرس او عن

١٦٣

مضارع نحو تغلب لقبيله او عن فعل امر نحو قم او عن التثنيه او الجمع نحو كاظمين و عرفات بناء على كونه جمعا لعرفه لا مفردا ملحقا بالجمع المؤنث او عن اسم جنس نحو النجم لنجم خاص و المدينة لمدينة النبى ص ٤ و ينقسم ايضا الى علم الشخص و علم الجنس و قد مر ان علم الجنس ليس بالعلم حقيقه .

تتمه من العلم ما يقال له العلم بالغلبه و هو كما يظهر من عنوانه ما لم يكن علما فى اصل الوضع بل صار علما بغلبه الاستعمال نحو ابن عباس و ام البنين و المدينة .

تنبيه من خواص العلم انه لا يضاف الى شىء و لا يثنى و لا يجمع و لا يدخله لام التعريف و قد ينكر العلم و ذلك فيما اذا اطلق على فردين او افراد اشتركوا فى اسم واحد فحينئذ يضاف و يثنى و يجمع و يدخله ال التعريف كقول الشاعر علا زيدنا يوم النقا راس زيدكم بابيض ماضى الشفرتين يمان و نحو جاءنى الزيدان و البكرون

السؤال و التمرين

١ - عين المعرفه و النكره فى الكلمات التابعه قلب قلعه قم قوم قریش محمد بن عبد الله ص على بن ابى طالب ع على حسن حسين بن على ع كتاب قرآن قاموس ناقوس ابنى امك ابیه نحن هذا يا رجل رجل

١٦٤

رجال رجیل انجیل عیسی نصران سلطان عثمان غلمان عمر بن عبد العزيز سلمان الفارسی ابو ذر الغفاری.

٢- ما هو علامه النكره و كم هى اقسام المعرفه و ما هو تعريفهما.

٣- اذكر لكل من اقسام المعرفه خمسة امثله من غير ما ذكر.

٤- العلم ما هو و ما هو الفرق بينه و بين النكره.

٥- كم قسمه تكون للعلم و كم قسما يكون له اعط على كل قسم امثله من غير ما ذكر.

٦- عين نوع العلم فيما يلي ام عريط ابن اللبون ابن عرس معاويه صديق سالم مرتضى زهراء عزيز ابو عبد الله سجاد باقر رضا جواد تقى نقى احمد على محمد فاطمه زينب

الفصل ٢ المعرف بال

ال على ثلاثه اقسام موصوله و زائده و حرف تعريف اما الموصوله فسياتي البحث عنها و الزائده ما ليست بموصوله و لا للتعريف و ما للتعريف على قسمين الاول ما تفيد التعريف الحقيقى و هى ما اذا كانت للعهد و تسمى لام العهد و العهد على ثلاثه اقسام حضورى كقولك ضربنى الرجل اذا كان حاضرا بين يديك و ذكرى كقوله تعالى كما ارسلنا الى فرعون رسولا

١٦٥

فعصى فرعون الرسول ١٦ المزملة و ذهنى كقولك اشتريت الكتاب فيما تريد كتابا معهودا بينك و بين المخاطب و الثانى ما تفيد التعريف اللفظى و هى ما اذا كانت للجنس و تسمى لام الجنس و هى على ثلاثه اقسام ايضا لام الحقيقه و هى ما تدل على نفس الحقيقه و الماهيه و لا دلالة فيها على كميته الافراد كما فى قوله تعالى ا فلا ينظرون الى الابل كيف خلقت ١٧ الغاشيه و لام الاستغراق و هى ما تدل على جميع افراد الماهيه كما فى قوله تعالى ان الانسان لفى خسر ٢ العصر اى كل انسان و لام تدل على بعض مجهول من الماهيه كقوله تعالى حكاية عن يعقوب ع و اخاف ان ياكله ١٣ يوسف و كما فى قولك ركبت السياره .

هذا و بديهى ان المعرف بلام الجنس لا دلالة فيه على معين بل هو نكره فى المعنى و الحقيقه .

تنبيه فى لغه حمير و نفر من طى يبذل الميم من لام ال و يقال ام فى الحديث ان احدهم سال رسول الله ص ا من امير امصيام فى امسفر فاجابه ص على لغتهم و قال ليس من امبر امصيام فى امسفر

السؤال و التمرين

١ بين اقسام ال الداخلة على العلم و موارد ال الزائده.

٢- كم قسما لال اذكرها.

٣- لم لا يكون علم الجنس علما حقيقه و لم يسمى علما.

٤- عين الاعلام فى الايات التابعه و عين نوعها اطيعوا الله و الرسول محمد رسول الله و خاتم النبيين و لقد مننا على موسى و هارون و لقد اتينا موسى الهدى و اورثنا بنى اسرائيل الكتاب و اذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت و اسمعيل لايلاف قريش ايلافهم رحله الشتاء و الصيف تبت يدا ابى لهب و تب .

متى تفيد ال التعريف الحقيقى و ما الفرق بين التعريف الحقيقى و اللفظى.

٦- عين نوع ال فى الايات التالیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک و العصر ان الانسان لفى خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر قل اعوذ برب الناس قل اعوذ برب الفلق انا اعطيناك الكوثر ان شانك هو الا بتر ان الدين عند الله الاسلام الهیكم التكاثر حتى زرتم المقابر ان هذا القرآن یهدى للتى هی اقوم.

٧- التعريف فى علم الجنس لفظى ام حقيقى

الفصل ٣ الضمير

ما وضع للغائب او المخاطب او المتكلم نحو ه ك ی هو انت انا و الضمير على قسمين متصل و هو ما يتصل بكلمه اخرى و يكون كجزء منها نحو ضربه غلامك انى و نحوانا رادوه اليك ٧ القصص و منفصل و هو ما لا يتصل بشىء و لكل منهما اربع عشره صيغه ست للغائب و ست للمخاطب و اثنتان منها للمتكلم ثم المنفصل على قسمين مرفوع و منصوب و المتصل على ثلاثه اقسام مرفوع و منصوب و مجرور المتصل المرفوع قد يكون بارزا و قد يكون مستترا و المستتر على ضربين واجب الاستتار و جائز الاستتار و اما المنفصل فلا يكون الا بارزا فتحصل للضمير سبعة اقسام

١- المنفصل المرفوع له اربع عشر صيغه و هى هو هما هم هى

١٦٧

هما هن انت انتم انت انتم انتن انا نحن نحو ه

و قال هما جاءا و...

٢- المنفصل المنصوب له اربع عشره صيغه و هى اياه اياهما اياها اياهن اياك اياكم اياك اياكما اياكن اياى ايانا نحو لا نعبد الا اياه اياهما سالت و...

٣- المتصل المنصوب له اربع عشره صيغه و هى ه هما هم ها هما هن ك كما كم ك كما كن ي نا نحو لقينته سالتهما رايتك امرتى و...

٤- المتصل المجرور له اربع عشره صيغه و هى عين ما مر فى القسم السابق المتصل المنصوب نحو مررت به قلت لهما دعوت لك و...

٥- المتصل المرفوع البارز هو ما فى صيغ الماضى عدا الاولى و الرابعه و ما فى صيغ المضارع و الامر الا خمس صيغ منها هى ١٤ ١٣ ١٢ ١١ و بين ذلك فى القسم الاول قسم الفعل فراجع

٦- المتصل المرفوع المستتر وجوبا و هو ما فى الصيغ ١٣ ١٢ و ١٤ من المضارع و الامر

٧- المتصل المرفوع المستتر جوازا و هي ما فى الصيغتين ١ و ٤ من الماضى و المضارع و الامر و صيغ اسمى الفاعل و المفعول و شبههما كما مر .

١٤٨

تتمه فى بيان مرجع الضمير لا بد فى المضمر الغائب ان يرجع الى ما تقدم لفظا او تقديرا او معنى او حكما الاول نحو ضرب زيد غلامه و من ذلك اعدلوا هو اقرب للتقوى ٨ المائده فان مرجع الضمير هنا تقدم ذكره ضمنا لا صراحة و هو العدل الذى يتضمنه اعدلوا و الثانى نحو ضرب غلامه زيد فان ضمير غلامه يرجع الى زيد و زيد لكونه فاعلا فى تقدير التقدم على المفعول لتقدم رتبته عليه و الثالث هو ان يسبق الضمير شىء معنوى يدل على ما يرجع اليه هذا الضمير كان تتجه الى الشرق صباحا فتقول اشرفت او تتجه الى الغرب آخر النهار فتقول غربت و من ذلك قوله تعالى انا انزلناه فى ليله القدر ١ القدر و قوله تعالى حتى توارت بالحجاب ٣٢ ص و نحو ذلك

١٤٩

و الرابع هو ان يرجع الضمير الى متاخر لفظا و رتبه لنكته نحو نعم رجلا زيد فالضمير فى نعم يرجع الى رجلا فان المتكلم فى مثل ذلك يتصور المفسر اى مرجع الضمير و يقصده ثم ياتى بالضمير و يرجعه اليه عند نفسه ثم ياتى بالمفسر و يصرح به و فى ذلك توضيح بعد الابهام و هو يفيد التفخيم و يكون الكلام معه اوقع فى نفس المخاطب فتسميه مرجع الضمير فى مثل ذلك بالمتقدم حكما اما لان التاخر لافادته هذه الفائدة فى حكم التقدم و اما لان ما تصوره المتكلم و ارجع الضمير اليه فى حكم المذكور المتقدم و هذا النوع من التقدم فى موارد منها باب نعم و بئس كما مر و منها المجرور برب نحو به رجلا و ربه صديقا و منها ضمير الشأن و القصه نحو قل هو الله احد وانها لا تعمى الابصار و لكن تعمى القلوب التى فى الصدور ٤٦ الحج السؤال و التمرين

١- الضمير ما هو و ما هو الفرق بينه و بين العلم.

٢- استعمل كلا من صيغ المنفصل المرفوع و المنصوب فى جمله.

٣- صل المتصل المنصوب بالماضى المعلوم من الضرب و استعمل صيغ المتصل المجرور فى جملات.

٤- اوضح كيفيه الضمير فى الماضى و المضارع و الامر انه فى اى صيغه يبرز و فى ايه يستتر و المستتر ما هو و كيف هو و نحو ذلك.

٥- كيف الحركه و السكون فى ياء المتكلم و ما هى موارد نون الوقايه و ما هو حكمه.

٦- ارسم جدولا يحتوى جميع الاقسام السبعه للضمير و اكتب تجاه كل قسم ارقام صيغه.

٧- بين اقسام المرجع للضمير الغائب و اذكر وجه تسميه المتقدم الحكمى بهذا الاسم و بين موارد

١٧٠

الفصل ٤ اسم الاشارة

هو ما دل على معين باشاره نحو ذا تا هنا و...

و هو على قسمين الاول ما يشترك بين المكان و غيره و الثانى ما يختص بالاشاره الى المكان فالاول على ثلاثه اقسام القسم الاول ما يستعمل فى القريب و له ست صيغ هى

١ - ذا للمفرد المذكر

٢ - دان او دين للمثنى المذكر

٣ - اولى و اولاء للجمع المذكر

٤ - تا و تى و ته و ته و ذى و ذه و ذه للمفرد المؤنث ٥ تان او تين للمثنى المؤنث

٦ - اولى و اولاء للجمع المؤنث و تدخل هذه الصيغ هاء التنبيه كثيرا فيقال هذا هذان هذين...

القسم الثانى ما يستعمل فى الاشارة الى المتوسط و له ست صيغ هى

١ - ذاك ٢ ذانك او ذينك ٣ اولئك ٤ تاك و تيك ٥ تانك او تينك ٦ اولئك و المعانى كما مر و قد يدخل ذاك و تيك هاء التنبيه و يقال هذاك هاتيك القسم الثالث ما يستعمل فى البعيد و له ايضا ست صيغ هى

١ - ذلك ٢ ذانك ٣ اولئك ٤ تلك ٥ تانك ٦ اولئك و مورد كل كما مر فتبين ان اذا اتصل باسم الاشارة القريب كاف الخطاب دل على المتوسط و اذا اتصل به لام مع الكاف دل على البعيد و الكاف هذه حرف خطاب و لذا تختلف باختلاف المخاطب ككاف الضمير يقال ذاك

١٧١

يا رجل ذاك يا امراه ذاكم يا رجال ذلك يا رجل ذلك يا امراه قال تعالى فذلكن الذى لمتننى فيه ٣٢ يوسف و اما الثانى اى المختص بالمكان فعلى ثلاثه اقسام ايضا

١- القريب و هو هنا و كثيرا ما يتصل به هاء التنبيه و يقال ههنا

٢- المتوسط و هو هناك

٣- البعيد و هو هنالك هنا هنا ثم و ثمه .

تنبيه قليلا ما يشار بهنالك و هنا الى الزمان كقوله تعالى هنالك الولاية لله الحق ٤٤ الكهف و كقول الشاعر حنت نوار و لات هنا حنت

السؤال و التمرين

١ - اسم الاشارة ما هو و كم قسما يكون له و كم قسما يكون لهذه الاقسام و ما هى الفاظه و ما هو مورد كل لفظ ارسم ان استطعت جدولا يحتوى جميع ذلك.

٢ - ما هو الكاف المحلق باسم الاشارة و ما هو حاله فى التغير اعط على ذلك امثله توضح المراد

الفصل ٥ الموصول

الموصول ما وضع ليستعمل فى معين يعين بجملة بعده نحو الذى فى قوله تعالى تبارك الذى بيده الملك...

١- الملك و هو على قسمين مختص و مشترك الموصول المختص ما يختص بالمفرد او المثنى او الجمع و المذكر او المؤنث فله ست صيغ هى الذى للمفرد المذكر اللذان و اللذين للمثنى المذكر الذين الاولى و الاولاء للجمع المذكر التى للمفرد المؤنث اللتان و اللتين للمثنى المؤنث اللات اللاتى اللواتى اللاء اللائى و اللوائى للجمع المؤنث

١٧٢

نحو زيد الذى...

زيدان اللذان...

القوم الذين...

هند التى و هكذا...

و اما الموصول المشترك فهو ما يستعمل فى المذكر و المؤنث و فى المفرد و التثنيه و الجمع و له ستة الفاظ هى من ما ال اى ذا ذو نحو قوله تعالى ا لم تر ان الله يسجد له من فى السموات و الارض الحج ١٨ و...

١٧٣

السؤال و التمرين

١- الموصول ما هو و كم قسما يكون له و ما هى الفاظ كل قسم و ما هو مورد كل لفظ ارسم لذلك جدولا ان استطعت.

٢- اذكر لكل من الكلمات التابعه ما يصلح له من اسم الاشاره المشترك و الموصول المختص رجلا ابوين زيد هندات زينبين مريمان فاطمه زيدون قاصدين امرين غلام سكران غضبى افضل صغرى كبريات الفضليان عنصرين صغريين نجوم سماء قطام والدين اولاد اخوات اخوه عزله سهام سرور قبور يدين مرفقين حاجبان رجلين

الفصل ٦ المضاف

الاضافه هى انتساب شىء الى شىء نوع انتساب يسمى الاول مضافا و الثانى مضافا اليه نحو غلام زيد صلاه الليل خاتم فضه و ضارب زيد و الاضافه على قسمين معنويه و لفظيه .

المعنويه ما افادت كون المضاف اليه مالكا للمضاف نحو غلام زيد او ظرفا له نحو صلاه الليل او جنسا له نحو خاتم فضه .

و اللفظية هي اضافة الصفة الى معمولها نحو زيد ضارب بكر .

الاضافة اللفظية لا تفيد الا التخفيف في لفظ المضاف باسقاط التنوين منه و اما المعنوية فتفيد تعريف المضاف بشرط ان يضاف نكره الى معرفه نحو غلام زيد منه او ما عوض من التنوين و اما اذا اضيفت نكره الى مثلها نحو ثوب رجل فتفيد الاضافة التخصيص لا التعريف فتبين ان من المعارف النكره المضافة الى المعرفه اضافة معنوية هذا و اشباع البحث عن الاضافة في علم النحو

١٧٤

السؤال و التمرين

١- ما هي الاضافة و كم قسما يكون لها و ايها يفيد التعريف.

٢- ارسم جدولاً لبيان اقسام الاضافة و انواع كل قسم مع امثله جليه

الفصل ٧ المنادى

المنادى ما وقع بعد احرف النداء و هي يا ايا و...

و هو على اربعة اقسام

١ - المنادى المضاف نحو يا عبد الله

٢ - المفرد المعرفه نحو يا زيد

٣ - النكره غير المقصوده كقول الاعمى يا رجلاً

٤ - النكره المقصوده كقولك يا شرطى و القسم الاخير و هو النكره المقصوده يصير معرفه بوقوعه منادى فاحد المعارف هو المنادى اجمالاً و تفصيل الكلام فى النحو

السؤال و التمرين

١ - ما هو المنادى و ما هي اقسامه و ايها يفيد التعريف.

٢ - اذكر لهذا القسم خمسة امثله و لكل من غيره مثالا من غير ما ذكر.

٣ - عرف المعرفه و النكره

١٧٥

المبحث السادس المعرب و المبني

مقدمه

العلم الباحث عن الاعراب هو النحو لا الصرف الا ان الاعراب و البناء لمكان تأثيرهما فى ابنيه بعض الكلمات لا بد ان نتعرض لهما قدر ما يهمننا فى بحثنا الصرفى و لا

سيما ان ما يتداول من كتب النحو لم تتعرض لما نحن بصدده فنقول للمعرب ما يقبل الاعراب اى ما يختلف
آخره باختلاف العوامل و المبنى ما لا يقبله و للاعراب انواع و
للمبنى طوائف يبحث عنها فى فصول

الفصل ١ فى انواع الاعراب و علائمه

اعراب الاسم على ثلاثه انواع الرفع و النصب و الجر و له اى

١٧٦

للاعراب علامتان اصلية و فرعية الاصلية هى الضمه للرفع و الفتحة للنصب و الكسره للجر نحو جاء زيد
رايت زيدا مررت بزيد و الفرعية هى ما تنوب عن الاصلية
و هى خمس

١ - الواو و تنوب عن الضمه فى الاسماء الستة و جمع المذكر السالم نحو جاءنى ابوك و نحو فاز المسلمون
٢ - الياء و تنوب عن الكسره فى الاسماء الستة و فى المثنى و جمع المذكر السالم و عن الفتحة فى الاخيرين
نحو مررت بابيك مررت برجلين مررت بالمسلمين و
نحو رايت رجلين و رايت المسلمين

٣ - الالف و تنوب عن الفتحة فى الاسماء الستة و عن الضمه فى المثنى نحو رايت اباك و جاءنى رجلان
٤ الكسره و تنوب عن الفتحة فى جمع المؤنث السالم نحو
رايت المسلمات ٥ الفتحة و تنوب عن الكسره فى غير المنصرف نحو مررت باحمد

١٧٧

السؤال

١ - ما هو المعرب و الاعراب و المبنى و البناء.

٢ - ما هو حق الاسم الاعراب او البناء و لما ذا.

٣ - كم هى انواع اعراب الاسم و ما هى و ما هى العلائم الاصلية لاعرابه و ما هى العلائم الفرعية له و ما
هى موارد كل من الفرعية.

٤ - غير المنصرف ما هو و بم يصير الاسم غير المنصرف و متى ينصرف غير المنصرف

١٧٨

الفصل ٢ الاعراب التقديرى

قد يقدر الاعراب فى الاسم و لا يظهر على لفظه و ذلك فى سبعة مواضع ١ المنقوص و يقدر فيه حركتان
الضمه و الكسره نحو الخلق العالى سلاح لصاحبه فتمسك

بالخلق العالى و تظهر الفتحة نحو ان الخلق العالى سلاح لصاحبه ٢ المقصور و يقدر فيه جميع الحركات
كقوله تعالى ان الهدى هدى الله ٧٣ آل عمران رايت ان كان

على الهدى ١١ العلق ٣ المضاف الى ياء المتكلم و يقدر فيه جميع الحركات نحو هذا كتابى قرأت كتابى انتفعت

بكتابي ٤ ما وقف عليه و يقدر فيه جميع الحركات نح و
قال الاستاذ رايت الاستاذ انتفعت بدرس الاستاذ ٥ الاسماء السنه و تقدر فيها الاحرف الاعرابيه عند التقاء
الساكنين ن و قال ابو الحسن رايت ابا الحسن قلت لابي
الحسن ٦ المثني و يقدر فيه الالف الاعرابي عند التقاء الساكنين نحو يوما العيد حرام صومهما ٧ جمع المذكر
السالم و يقدر فيه الواو عند الاضافه الى ياء المتكلم نحو
علمنى معلمى و الواو و الياء عند التقاء الساكنين نحو عاملو الخير و عاملى الخير و هذا الاخير فيما اذا لم
يكن قبلهما اى قبل الواو و الياء فتحه و الا تحركا بالحركه
المناسبه نحو مصطفى القوم و مصطفى

١٧٩

القوم و التقدير فى موارد التقاء الساكنين انما هو فى اللفظ فقط دون الكتابه السؤال و التمرين ١ ما هو الاعراب
التقديري و ما هى مواضعه فى الاسم.

٢ - هل الفعل كالاسم فى كونه ذا انواع من الاعراب و ذا نوعين من العلامه و ذا الاعراب التقديري بين ذلك و
اذكر الموارد و اعط امثله عليها

الفصل ٣ المبني

الحروف كلها مبنيه لعدم اختلاف المعانى فيها و الاسم حقه الاعراب كما مر فان بنى اسم فلتشبه فيه للحرف فى
الوضع اى عدد الحروف او المعنى او الاستعمال او غير
ذلك كذا قالوا و المبني قد يكون مبنيا على السكون نحو من و قد يكون على الحركه نحو حيث اين امس و
المبنى على اربعة عشر قسما هى الضمير اسم الاشاره
الموصول اسم الشرط اسم الاستفهام الظرف الكنايه اسم الفعل المركب اسم لافى الجنس المنادى المفرد
المعرفه الحكايه ما بنى لعدم التركيب و كلمات متفرقه اخرى
فلنوضح هذه بالاجمال

١٨٠

السؤال كم هى و ما هى اقسام المبني و لم بينى الاسم و يعدل فيه عن الاعراب الذى هو حقه

الضميران جميع الصيغ من جميع اقسام الضمير مبنيه و بديه ان ما يرى من الحركه فى هاء الضمير و غيره
ليس باعراب لانها لا تكون من جهه اختلاف العوامل كما
مر

اسم الاشاره و يعرب منه المثنيات من القريب و المتوسط و الباقي مبني كما سبق

الموصول و يعرب المثنيات منه و الباقي مبني كما مر و من الموصولات المشتركه ايضا بينى اى فى بعض
الحالات توضيح ذلك انه بينى على الضم اذا اضيف و كانت
صلته جمله اسميه صدرها اى جزؤها الاول ضمير محذوف كقوله تعالى ثم لننزل عن من كل شيعه ايهم اشد على
الرحمن عتيا ٦٩ مريم و يعرب اذا فقد بعض تلك الشروط
كان يكون صدر صلتها مذكورا نحو سيسعد ايهم هو مجد و حسن ايهم هو مجد و ادع لايهم هو مجد او يكون
غير مضافه نحو سيسعد اى مجد او اى هو مجد و
هكذا...

السؤال و التمرين هل المبنى من الضمير و الموصول و اسم الاشاره جميع الفاظها بين ذلك و مثل عليها

١٨١

٤- اسم الشرط اسماء الشرط احد عشر هي من ما متى اى انى اين ايان كيفا حيثما مهما و ادما نحو من يعمل سوءا يجز به ١٢٣ النساء و ما تفعلوا من خير فان الله به عليم ٢١٥ البقره و اسماء الشرط مبنى كلها الا اى فانه يعرب مطلقا

اسم الاستفهام اسماء الاستفهام ايضا احد عشر و هي من ما متى اى انى اين ايان كيف كم من ذا و ما ذا نحو من خلق السموات و الارض ٦١ العنكبوت و ما لكم لا تؤمنون ٨ الحديد و هكذا...

و اسماء الاستفهام ايضا مبنى كلها الا اى فانه يعرب مطلقا

لسؤال و التمرين

١ - اتحد اسماء الشرط مع اسماء الاستفهام ام تختلف ام يتحد بعض و يختلف بعض بين ذلك.

٢ - ابنى جميع اسماء الشرط و الاستفهام ام بعضها بين ذلك

٦ الظرف الظروف المبنية ستة عشر و هي حيث لدن لدى اين هنا و اخواته اذا امس مذ منذ قط لما متى ايان الان انى .

١٨٢

تنبيه يعرب امس اذا دخله ال او اريد به مطلق اليوم الماضى لا السابق على اليوم الحاضر نحو كان الامس اول الشهر و نحو كل يوم يصير امسا و الظرف المبنى يقال له غير المتصرف كما يقال للمعرب منه المتصرف السؤال ما هو المتصرف و غير المتصرف من الظروف و ما هي الفاظ كل منهما ٧ الكنايه و هي التعبير عن شىء معلوم عند المتكلم بلفظ غير صريح لئلا يتعين عند المخاطب و المبنى منها خمسها هي كم كاي كايين كذا كيت ذيت يكنى بكم عن العدد نحو كم رجل رايت و كم كتب قرأت و كم من يوم اتيت و كم هذه تسمى بكم الخيره يراد بها الافتخار و التكثير و هي غير كم الاستفهاميه و يكنى بكاي ايضا عن العدد نحو كاي من نبى قاتل معه ربيون كثير ١٤٦ آل عمران و يكنى بكذا عن العدد و غيره و تستعمل اما مفرده نحو عندى كذا درهما او مركبه نحو قرأت كذا كذا كتابا او معطوفا عليها نحو قلت كذا و كذا و يكنى بكيت عن القول او الفعل و تستعمل اما مركبه او معطوفا

١٨٣

عليها و مثلها ذيت فى جميع ذلك نح و قال كيت كيت فعل ذيت و ذيت السؤال ما هي الفاظ الكنايه و عما يكنى بكل منها

اسم الفعل هو ما ناب عن الفعل معنى و عملا و لا نظير له فى اوزان الافعال او يقبل بعض خواص الاسم ان كان له نظير من وزن الفعل فيقال له الاسم من جهة عدم

١ - ما هي اقسام اسم الفعل و كم هي الفاظ كل ادرج من كل قسم خمسها الفاظ في جملات.

٢ -ترجم الجمل التابعه ايه ايها الفكاهى هاك جزاء الامانه وراءك يا غلام مكانك و الا تصرع صرعه هوان آه من هذه المصيبه الفادحه هيهات بين الجد و المجون
شتان بين الفريقين فى الندى امامك لا تخش ملامه لائم يا سرعان ما كان طربى عند لقائك هاك ما عندى هيا الى نادى الكرام اف من هذه الدنيا الغداره اليك عنى ايها
المداهن اليك رسمى يا عنوان الوفاء هيووا بنا الى حيث الانس و الصفا رويد اخاك فى السفر بله التوانى انه آفه
الفلاح دونك العلم فهو خير حليه عيلك باخى النصح فى
آونه المحن عليك اخاك انه مورد عزائك فى الشدائد زه يا قارىء القرآن بدار ايها الطلاب اقتباس من مبادئ
العربيه ج ٤

المركبو المراد به هنا المركب المزجى فانه ان كان عددا و هو من احد عشر الى تسعه عشر بنى جزءاه
على الفتح الا الجزء الاول فى موردين ١ فى احدى عشره
و حادى عشر و ثانى عشر فانه فى هذه المواضع الثلاثه يبنى على السكون ٢ فى اثنا عشر و اثنتا عشره فانه
فيهما يعرب اعراب المثنى و ان كان المركب المزجى غير
العدد فالجزء الاول يلفظ على ما ركب عليه و الثانى يبنى على الكسر ان كان ويه و يعرب اعراب غير
المنصرف ان كان غيره نحو بعلبك و نيويورك

١٨٤

السؤال و التمرين

١ - ما هي اقسام المركب و ما هو حكمها فى الاعراب و البناء .

١٨٧

كم قسما يكون للعدد و كم هي اقسام كل اذكر الاقسام و اعط على كل قسم خمسها امثله.

٣ -اذكر الاعداد المناسبه مكان الارقام ١١ كوكبا ٩٩ نجه ٧ سنين ٧ بقرات ٨ ازواج ٧ ليال ٨ ايام ٣٠ ليله
٢ يوم ٤ ايام ١٢ عينا ١٠٠٠ سنه ٥٠ عاما ٢٧
رجلا ٧٢ امراه ١١٦ كتابا ٥١٩ ورقه ٨ اقلام ٦ اقدام ٨١٠ اشجار ٦٤ منا ٥٦ اسبوعا.

٤ -ضع مكان الارقام اسماء عدد ترتيبى الصحيفه ٢٢ الدرس ١٥ العظه ١٨ النافذه ١٢ الباب ٦ البحث ٥
المطلب ٢ الفئه ٢ الفصيله ٢١ المقاله ١ الشارع ١١
البيت ٥١ الطبقة ١٣ المجله ٤ الجزء ١٢ الفصل ١٩١ المرمله ٩ زله ٦ نصيحه ١ خطاب ٢ مبادئ العربيه
ج ٤ ص ١٥٨ ١٠ اسم لا لنى الجنس اذا وقعت نكره
مفرده بعد لا التى لنى الجنس بنيت على الفتح و المراد بالمفرد هنا ما يقابل المضاف فيشمل التثنيه و الجمع
فبينان على ما يقوم مقام الفتح نحو لا رجل فى الدار لا
رجلين فى الدار و هكذا...

و تفصيل الكلام فى النحو ١١ المنادى المفرد المعرفه المنادى على اربعة اقسام كما مر فاذا كان مفردا معرفه
او نكره مقصوده بنى على الضم او ما يقوم مقامه نحو يا

زيد يا شرطى يا رجلا و...

و التفصيل فى النحو السؤال متى يبني اسم لا لئفى الجنس و كيف البناء فيه و اى منادى يبني (١٢) الحكايه و المراد منها حكايه الاصوات فان الصوت المحكى مبنى على ما يصات به نحو صاحت الدجاجه قاق نعب الغراب غاق طار الذباب خازباز وقع السيف قب وقعت الحجاره طق و هكذا...

١٨٨

و يلحق بالحكايه اسم الصوت و هو ما يصوت به الانسان للخطاب مع غير العاقل من الحيوان او الطفل فانها ايضا مبنيه على ما يصات به كما يقال لزجر الفرس هلا هلا او هلا هال و للابل اذا ارادوا منها الاناخه نخ و لتويم الطفل لا لا و...

السؤال ما هو المراد من الحكايه و من اسم الصوت و كيف يكون البناء فيهما

١٣ ما يبني لعدم التركيب اذا اريد ارداف كلمات مفرده من غير تركيب بينها بنى كل واحد منها على السكون لعدم موجب للاعراب نحو زيد بكر خالد...

و نحو الف باء تاء...

١٤ المتفرقات منها كل علم على فعال فهو مبنى على الكسر نحو قطام و حدام اسما امراتين و منها قبل و بعد و حسب و غير و اول كل هذه يبني على الضم اذا قطعت عن الاضافه و نوى معنى المضاف اليه نحو الله الامر من قبل و من بعد ٤ الروم اى من قبل ذلك و من بعده و هكذا...

السؤال ما هو المراد من المبنى لعدم التركيب و ما هى المبنيات المتفرقه

١٨٩

خاتمه فى مباحث شتى

خاتمه فى مباحث شتى يعنون فى الخاتمه هذه ما لا يختص بالفعل و لا بالاسم بل يجرى فى الكلمه مطلقا و يعم القسمين كليهما بل قد يجرى فى الحرف ايضا كما سيأتى و فيها فصول

الفصل ١ فى القراءه و الكتابه

و فيه اربعة اباحث

البحث ١ فى الكتابه

تكتب ال و الباء و التاء و الكاف و اللام و الفاء و السين من حروف المعانى و احرف المضارعه عدا الهمزه منها متصله بما بعدها نحو الكتاب بالله تالله كزيد ليكر و الله لاذهبن ليذهب فذهب سيذهب .

١٩٠

تكتب ان المصدريه متصله بلا الواقعه بعدها كقوله تعالى امر الا تعبدوا الا اياه ٤٠ يوسف بخلاف ان المخففه من الثقيله كقوله تعالى و حسبوا ان لا تكون فتنه ٧١ المائده على قراءه رفع تكون و ان التفسيريه كقوله تعالى فنادى فى الظلمات ان لا اله الا انت ٧٨ الانبياء .

تكتب اذ متصله بما اضيف اليها كقوله تعالى يومئذ تحدث اخبارها ٤ الزلزله .

تكتب الضمائر المتصله و نون التوكيد و ياء النسب و هاء السكت متصله بما قبلها كقولك انا مسلم شيعى و قوله تعالىهاؤم اقرؤوا كتابيه ١٩ الحاقه و باقى الامثله ظاهر .

تكتب ما الحرفيه متصله بما قبلها نحو كيفما ليتما انما و...

تكتب ما و من الاسميتان متصلتين بمن و فى و عن الواقعه قبلهما تقول مما و فيما و عما و ممن و فيمن و عمن و فى سوى ما مر تكتب كل كلمه منفصله عما سواها .

يكتب المشدد حرفا واحدا اذا كان المدغم و المدغم فيه فى كلمه واحده نحو شد امل اذكر و ... و بصوره حرفين اذا كانا فى كلمتين نحو اللحم الرجل و...

و استثنى من ذلك موارد معدوده هى الذى الذين التى مم اما الا امن و نحوها هذا و قد مر اجمال البحث عن الادغام فى هامش بحث المضاعف و التفصيل فى المفصلات .

تكتب تاء التانيث بصوره ت اذ لحقت آخر الفعل نحو ضربت و علمت او آخر جمع المؤنث نحو ضاربات و عالمات و يقال لها المبسوطه و بصوره الهاء المنقوطه ه اذا لحقت الاسم المفرد نحو عالمه او الجمع

١٩١

المكسر نحو قضاة و يقال لها المربوطه .

تكتب الالف الواقعه فى آخر الاسم المعرب و الفعل بصوره الياء نحو رحى فتى صغرى روى يرضى و...

الا اذا كانت قبلها ياء او كانت ثالثه منقلبه عن الواو فتكتب حينئذ بصوره الالف نحو دنيا عليا عصا غزا و...

و اما الواقعه آخر الحرف او الاسم المبنى فتكتب بصوره الالف مطلقا الا فى نحو متى و لى و انى و بلى و على و حتى و الى فتكتب بصوره الياء كما ترى هذا و قد

تكتب الف صلاه و زكاه و حياه و مشكاه و ربا بصوره الواو تفخيما للالف و تكتب الف هيهنا بصوره الياء الياء الصغيره و يجوز حذفها راسا .

تتمه فى كتابه الهمزه المبدو بها و المتوسطه و المتطرفه الهمزه المبدو بها تكتب بصوره الالف مطلقا نحو انمله بتثليث الهمزه و الميم اصبع اسطوانه و لا يغير هذا الحكم دخول حرف عليها نحو لان الاسطوانه و...

نعم شاع كتابه لئلا و لئن و حينئذ بصوره الياء لكثرة الاستعمال .

و المتوسطه تكتب بحرف حركتها ان كانت متحركه نحو سال سئم لؤم يسال يلؤم الا ان تكون مفتوحه بعد ضم او كسر فتكتب بحرف حركه ما قبلها نحو مؤنث سؤال

ذئب و تكتب اى المتوسطه بحرف حركه ما قبلها ان كانت ساكنه نحو باس بس بسؤس الا ان تكون بعد همزه

الوصل فتكتب مع سقوط الهمزة في الدرج بصوره ما كانت
تكتب بها مع الهمزة نحو يا رجل ائذن الذي او تمن عليه

١٩٢

و المتطرفه تكتب بحرف حركه ما قبلها ان تحرك ما قبلها سواء اتصل بها شيء كالضمير و تاء التانيث او لم
يتصل نحو قرا برىء جرؤ و نحو رداه و طئها فئه لؤلؤه و
تكتب بصوره الهمزة ان سكن ما قبلها و لم يلحقها شيء نحو جزء ضوء و ضوء فان لحقتها علامه التانيث فان
كان ما قبلها صحيحا ساكنا كتبت بصوره الالف نحو نشاه
و مره و ان كان ليئا او مدا كتبت بصوره الياء بعد الياء و بصوره الهمزة بعد الالف و الواو نحو خطيئه
جاءت سوءه قراءه مروءه سوءى و ان لحقها ضمير غير الياء
كتبت بحرف حركه نفسها نحو بقاؤك جزؤه بنائهم اقرؤوا الا اذا تحركت بالفتح فتكتب بالهمزة لا بالالف نحو
جاءك جزءه بقاءهم و كذا اذا اتصل بها ما اوجب فتحها
كعلامه المثني نحو جزءين و جزءان و ان لحقها ياء الضمير او ياء النسب كتبت بصوره الهمزة او بصوره
الياء نحو رداى و رادئى الجزى و الجزئى و ان كانت
الاولى فى الاول اولى و الثانيه فى الثانى .

تنبيه للقرآن الكريم كتابه خاصه بالنسبه الى بعض الحروف و الكلمات فليراجع الطالب مواضعها

البحث ٢

فيما يكتب و لا يقرأ يكتب الالف و لا يقرأ فى خمس مواضع

١ بعد واو الجمع المتطرفه فى الفعل نحو علموا ان يعلموا اعلموا بخلاف غير المتطرفه نحو ضربوه و فى
المتطرفه فى الاسم وجهان نحو ساكنو الدار و ساكنوا الدار

٢ بعد تنوين الفتح فى غير المقصور و الممدود و المؤنث بالتاء نحو رجلا بخلاف فتى و كساء و غرفه و
نوها و يلحق بالتنوين هنا نون

١٩٣

انا ضمير المتكلم وحده يكتب بعدها الف و لا يقرأ و يلحق بالممدود هنا المختوم بالهمزة المكتوبه بصوره
الالف نحو خطا و امره و نحوهما

٣ مكان همزه الوصل بعد سقوطها فى اثناء الكلام نحو يا عبد الله اجلس و انا ابن فلان

٤ عند التقاء الساكنين نحو كتابا الاستاذ و فتى و هدى

٥ فى مائه و مائتان و كذلك الواو يكتب و لا يقرأ فى خمس مواضع

١ - فى عمرو فى حالتى الجر و الرفع ليميز من عمر نحو جاء عمرو و مررت بعمر و اما فى حاله النصب
فلا لعدم اللبس فان وجود الالف فى عمرا يميز بينه و
بين عمر لان عمر غير منصرف للعلميه و العدول و لا يدخله التنوين

٢ - عند التقاء الساكنين نحو معلو الاخوات

٣ - فى اولو و اولات بمعنى صاحيون و صاحبات

٤ - فى بعض اسماء الاشاره و هى اولى اولاء اولئك اولئك

٥ - فى بعض الموصولات و هو الاولى و الاولاء و كذلك الياء يكتب و لا يقرأ عند التقاء الساكنين نحو
ناصرى الاسلام

البحث ٣

فيما يقرأ و لا يكتب يقرأ الالف و لا يكتب فى اربعة مواضع

١ - بعد همزه مكتوبه بصوره الالف نحو سامه بخلاف مؤانسه و نحوها

٢ - فى اسم الجلاله و هو الله و كذلك فى رحمن و اله

٣ - فى بعض اسماء الاشاره و هى هذا هذان هذين هؤلاء ذلك اولئك

١٩٤

فى كلمات متفرقه هى هكذا لكن لكن ابراهيم اسمعيل اسحق هرون سليمان ملئكه سموات ثلث ثلثين و ان حسنت
كتابتها فى غير الثلاثه الاول و كذلك الواو يقرأ و لا يكتب
فى موردين

١ - بعد همزه مكتوبه بصوره الواو نحو رؤس

٢ - بعد واو مضمومه مسبوقة بالالف نحو داود طاوس و...

و ايضا يقرأ المدغم و لا يكتب اذا كان المدغم و المدغم فيه فى كلمه واحده نحو شد و...

و الا يقرأ و يكتب نحو اللحم و الرجل الا اذا كان لاما واقعا بين لامين اخريين نحو للحم فيه ايضا يقرأ الاول
و لا يكتب

البحث ٤

فيما لا يقرأ و لا يكتب يحذف كتبا و لفظا هو همزه القطع من اسم الجلاله اعنى الله اصله الاله على قول و
همزه الوصل فى خمسة مواضع

١ من البسملة الشريفه بسم الله الرحمن الرحيم تحذف منها لكثره استعمالها و لذا لا تحذف من باسم الله او باسم
الرحمن

٢ من ابن اذا وقع بين علمين و لم يقع اول السطر نحو على بن ابى طالب ع بخلاف يا ابن آدم و نحوه و
بخلاف الواقع اول السطر

٣ من ال اذا وقع بعد اللام كقوله تعالى للرجال نصيب ٧ النساء وللدار الاخره خير ٣٢ الانعام

٤ فيما اذا وقعت بعد همزه كقوله تعالى سواء عليهم استغفرت لهم ام...

٦ المنافقون اصلها استغفرت هذا في غير المفتوحه و اما فيها فيجوز القلب الى الالف ايضا نحو الله اذن لكم ٥٩
يونس اصله

١٩٥

١ الله و يحذف ايضا الف ما الاستفهاميه اذا وقعت بعد حرف الجر نحو عم يتساءلون ١ النبء لم تقولون ما لا
تفعلون ٢ الصف و...

٥ - في الامر اذا كانت بعد الواو او الفاء و قبل الهمزه نحو و اذن لى و فاتنى

التمرين ١ اصلح الاغلاط التاليه يوماذ يصدر الناس اشتاتا فلو لا اذا بلغت ال حلقوم و انتم حينئذ تنظرون
اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الثمر منكم انما المؤمنون
اخوه لان اشركت ليحبطن عملك سئل سائل بعذاب واقع و اذا انعمنا على النئسان اعرض و نئى بجانبه لا يسئم
الانسان من دعاء الخير و ان مسه الشر فيؤس قنوط و اما
السائل فلا تنهر و ياثرون على انفسهم رزء ربياه ائذن ماخر و طئه ائثار وفا فئاد مئانسه مرئى مرأى مابد
رزياه يهنء رداءك سئم بئس باس بار مساه يقرئان فالت برائه
مرءات مرئات و لاءك لئلؤ لئلاء و دءاع بريءء راوف رئفه هءات قضاة صابراه مؤمناه حياة سماواه كبرا
فضلا يسعا دعى حوا اللذين آمنوا و عملوا الصالحات النك
الالى قتل عمر بن عبد و د بيد على بن ابى طالب

ع بسم الله و بالله بسمه باسم الله الرحمان الرحيم و الهكم اله واحد فاسال به خبيرا لا اسالكم عليه اجرا ٢ ارسم
جدولا و بين فيه كتابه الهمزه

الفصل ٢ فى التقاء الساكنين

يجوز التقاء الساكنين و هو ان يتجاوز حرفان ساكنان فى اربعة مواضع و هى

١ فى الوقف على كلمه ما قبل آخرها ساكن نحو كل نفس ذائقة الموت ١٨٥ آل عمران

١٩٦

فيما بنى لعدم التركيب و ما قبل آخره ساكن نحو زيد بكر باء تاء و... و يلحق بذلك نحو آه و اوه من اسماء
الافعال

٣ فى لام ال مع همزته المقلوب الفا بعد همزه الاستفهام نحو الله الحسن آلان

٤ فيما كان اول الساكنين حرف لين و الثانى مدغما و هما فى كلمه واحده نحو ضالين دابه دويبه ا تحاجونى و
حمل عليه نحو يضربان مع كونهما فى كلمتين احترازا عن
الالتباس بالمفرد و يمتنع فى غيرها و ذلك فى سته مواضع

١ فيما كان اول الساكنين حرف عله و هما فى كلمه واحده و لم يكونا من المواضع السالفه فتحذف حرف العله
اذن نحو يرميون يرميون يرمون ليقوم ليقم قول قل

٢ فيما كان اول الساكنين حرف عله و هما فى كلمتين فيحرك الاول بحركه تجانسه ان كان لينا نحو اخشى الله
و لا تخشوا القوم و يحذف لفظا لا خطأ ان كان مدا نحو
ادعوا الناس داعى القوم قاضيا المدينه

٣ فيما كان اول الساكنين نون من فيفتح مع لام ال نحو من المؤمنين رجال ٢٣ الاحزاب و يكسر مع غيرها
كقول الوالد لولده سررت من احتفاظك على صلاتك

٤ فيما كان اول الساكنين ذال مذ او ميم ضمير الجمع فيضم نحو لا اقول كذا مذ اليوم

١٩٧

غافر قل الله ١٧٦ النساء ام اتخذوا من دونه آلهه ٢٤ الانبياء عن النبء العظيم ٢ النبء ثم ارجع البصر كرتين ٤
الملك و نحو ذلك .

فائده هامه لا يعيؤ بالحركه المجتلبه دفعا لالتقاء الساكنين فلا يعل نحو اخشى الله و ارعوا العهد و لا يرد
المحذوف فى نحو قل الحق و سل العالم

الفصل ٣ فى الوقف و الابتداء بهمزه الوصل

و فيها بحثان البحث ١

فى الوقف الوقف هو السكوت على آخر الكلمه لجعلها آخر الكلام و الغرض منه التخفيف و الاستراحه و
المشهور من وجوه سته

١ - الاسكان

٢ - الاشمام

٣ - التضعيف

٤ - الابدال

٥ - الحذف

٦ - الحاق هاء السكت و لكل واحد مورد يخص به .

فالاسكان اما باسقاط الحركه و هو اكثر وجوه الوقف و جار فى جميع الكلمات الا المنون المنصوب كما سيأتى
و لا يكتفى بسكون نون التنوين فى المنون المرفوع و

المجورور بل يسقط التنوين و يسكن الحرف نحو هذا زيد و اما بنقل الحركه الى ما قبلها و هو قليل و يشترط
فيه ان يكون ما قبل الاخر صحيحا ساكنا و يختص بالكسره
و الضمه نحو هذا بكر و قلت لبكر فلا يجرى فى رايه البكر

و قال الامير و هذا صرد .

و الاشمام يختص بالضمه و هو تصوير الفم عند حذف الضمه بالصوره التى كانت تعرضه عند التلفظ بها .

١٩٨

و التضعيف هو ان يضعف اى يكرر الحرف الاخر بعد حذف حركته و يشترط فيه ان لا يكون همزه و لا من حروف العله نحو هذا جعفر .

و الابدال للوقف فى ثلاثه مواضع

١ ابدال تنوين المنون المفتوح الفا نحو رايت زيدا

٢ ابدال نون اذن و نون التاكيد الخفيفه المفتوح ما قبلها الفا نحو دخلت فى الصف فاذا يا زيد اضربا

٣ ابدال تاء التانيث المربوطه هاء كما سيأتى نحو هذا بيان للناس و هدى و موعظه .

و الحذف يكون فى ياء المتكلم اذا كانت ساكنه و لحقت الفعل نحو فيقول ربى اكرمن...

فيقول ربى اهانن ١٥ و ١٦ الفجر او الاسم كقوله تعالى فذكر بالقرآن من يخاف و عيد ٤٥ ق و قوله تعالى فذوقوا عذابى و نذر ٣٧ و ٣٩ القمر و قوله تعالى فستعلمون

كيف نذير ١٧ الملك .

و الحاق هاء السكت للوقف لازم فيما بقى على حرف واحد نحو ق و ف قه و فه و جائز فيما حذف منه بعض حروفه و بقى على اكثر من حرف نحو لم يدعه و لم

يخشه و فيما كان حرفا واحدا متصلا بغيره بحيث صار كجزء منه نحو لمه كتابيه حسابيه ضربتكه و فيما لولاه لالتقى ساكنان نحو انه كيفه ليته و فى كلمات اخرى نحو

هوه و هيه

البحث ٢

فى الابتداء بهمزه الوصل كما لا يوقف الا على ساكن لا يبتداء الا بمتحرك فان سكن الحرف الاول من كلمه جىء بهمزه متحركه

١٩٩

فى اولها تسمى همزه الوصل و ذلك فى اربعة مواضع

١- فى عشره اسماء هى ابن ابنه ابنم اسم است امرؤ امراه اثنان اثنتان ايمن الله و فى مثنيات السبعه الاول من هذه الاسماء

٢ - فى مصادر احد عشر بابا من ابواب المزيد فيه و افعالها الماضيه و الامر و هى افتعال و انفعال و افعال و استفعال و افعلال و افعنلال نحو اقعنساس و افعنلاء

نحو اسلنقاء و افعال نحو اجلواز و افعيعال نحو اعشيشاب و افعنلال نحو احرنجام و افعلال نحو اقشعرار التسعه الاول من الثلاثى و الاخيران من الرباعى و قد يؤتى

بهمزه الوصل فى بابى تفعل و تفاعل ايضا و ذلك اذا ادغم تاءهما فى فاء الفعل نحو اصدق و اصادق و فروعهما

٣ - فى الامر المخاطب مطلقا اذا كان ما بعد حرف المضارعه من مضارعه ساكنا نحو اضرب اذهب اقتل اکتسب و...

الا الامر من باب افعال فان همزته همزه قطع كما سبق

٤- فى ال مطلقا و يلحق به الذى و التى و فروعهما و فى حكمه ام على لغه طبيء ثم حركه همزه الوصل كسره وفقا للقاعده فى تحريك احد الساكنين الا فى لام التعريف و ايمن فتفتح و الا فيما بعد ساكنه ضمه اصلية فتضم نحو اقتل و استخرج و فى حكمه اغزى بخلاف الضمه غير الاصلية نحو ارموا و امرؤ و ابنم ثم ان همزه الوصل يؤتى بها فى الابتداء خاصة و اما اذا اتصلت

٢٠٠

الكلمه بشيء قبلها او وقعت فى درج الكلام فلا و بعباره اخرى همزه الوصل هى التى تلفظ فى الابتداء و تسقط فى الاثناء اثناء الكلام الا فى الضروره و فيما يوجب حذفه اللبس الاول كقوله كل حرف جاوز الاثنين شاع كل علم ليس فى القرطاس ضاع الثانى كما فى الحسن ع افضل ام ابن الحنفية و ايمن الله يميناك و نحو ذلك .

تنبيه مر فى باب الفعل اشاره الى قسمي الهمزه الوصل و القطع و تبين ههنا معنى همزه الوصل و مواضعها و اما همزه القطع فهى التى تلفظ حيثما وقعت فى الابتداء او فى الاثناء او فى الانتهاء و مواضعها المشهوره سبعة

١ - الهمزه الاصلية نحو اذن سال المرء ان همزه النداء و الاستفهام

٢ - الزائده فى المضارع الصيغه ١٣ نحو اضرب و يتفرع عليه الامر نحو لاضررب

٣ - الزائده فى باب افعال ماضيه و امره و مصدره كما مر

٤ - الزائده فى الجموع نحو اغلمه اشهر انياب اكاسره و هكذا...

٥ - الزائده فى الاسماء الجوامد غير العشره السابقه نحو اصبع ارنب افعى اسطوانه اسلوب و...

٦ - الزائده فى افعال التفضيل و الصفه المشبهه نحو زيد افضل من...

و نحو زيد ابلج

٧ - الزائده فى آخر الكلمه نحو حمراء صحراء خنفساء بلجاء

٢٠١

السؤال و التمرين

١ - ما هو حكم الساكنين اذا التقيا و ما هى وجوه الوقف و اى منها اكثر موردا اعط على كل وجه ثلاثه امثله.

٢- كم هى اقسام الهمزه و ما هى مواضع كل قسم و ما هى حركه همزه الوصل و متى يستغنى عن هذه الهمزه اعط على ذلك امثله

الفصل ٤ فى الابدال

الابدال جعل حرف مكان آخر نحو اوتعد اتعد و هو اعم من القلب لان القلب يختص فى اصطلاحهم بحروف العله و الهمزه و اخص من التعويض لان التعويض لا يلزم فيه جعل العوض مكان المعوض عنه نحو وزن زنه بخلاف الابدال و بالجمله احرف الابدال اى الحروف التى تقع بدلا عن غيرها احيانا لا دائما عشره و هى ه د ء ت م و ط ي ا ص بيان ذلك تبدل الهاء من التاء المربوطه عند الوقف عليها نحو هذا بيان للناس و هدى و موعظه تبدل الدال من التاء فى باب الافتعال اذا كان فاء الفعل دالا او ذالا او زايا كما مر نحو ادرا اذدكر ازدجر تبدل الهمزه من الواو و الياء و الهاء نحو قائل بايع بائع ماه ماء بدليل مياه و هذا سماعى .

٢٠٢

تبدل التاء من الواو و الياء فى باب الافتعال نحو اوتعد اتعد و ايتسر اتسر و فى كلمات اخرى سماعيه و هى وجه تجاه وهمه تهمة وقوى و وقاه تقوى و تقاه وتترى تترى من المواتره و هى المتابعه قال تعالى ثم ارسلنا رسلنا تترى ووراه تواره من الورى ووام توام من الونام و هو الوفاق اخو اخت بنو بنت و غير ذلك .

تبدل الميم من الواو و من اللام على لغه نحو فو اصله فوه فم و نحو ال ام على لغه طيىء تبدل الواو من اختيها و من الهمزه ضارب ضورب ميغن موقن اءمن او من .

تبدل الطاء من التاء فى باب الافتعال اذا كان فاء الفعل صاد او ضادا او طاء او ظاء كما مر نحو اصتبر اصطبر .

تبدل الياء من اختيها و من الهمزه و من لام الفعل من مضاعف باب التفعّل نحو مفتاح مفاتيح موقات ميقات انت ايت تظنن تظنى .

تبدل الالف من اختيها و من الهمزه نحو قول قال بيع باع اءدم آدم .

تبدل الصاد من السين اذا كان بعدها و لو بالفصل القليل خاء او غين او طاء او قاف نحو صلخ صلخ اسبغ اصبغ يبسط يبسط سقر سقر .

٢٠٣

تنبيهان

١ - الابدال فى المورد الاخير اى الصاد من السين جائز و سبق حكم البواقى من هذه الجهه فى تضاعيف الكتاب

٢ - اصطلاح الصرفيون ان يجعلوا حروف الابدال تلك العشره و انت خبير بانها لا تنحصر فيها و ينجلي لك الامر بالمراجعه الى القواعد الخاصه للابدال فى ابواب الافتعال و التفعّل و التفاعل

الفصل ٥ فى الاسم المزيّد فيه

قد حصل بالابحاث السابقه ان كلا من الفعل و الاسم على نوعين مجرد و مزيّد فيه و ان لا اشكال فى معرفه المجرد اسما كان او فعلا لان له اوزانا معينه و كذلك المزيّد

فيه من الافعال فالمشكل معرفه الاسم المزيد فيه و تمييز حرفه الزائد عن الاصلى اذ ليس للمزيد فيه من الاسماء اوزان مضبوطة فنقول يعرف الزائد بالاشتقاق فان فقد فوجود بعض الزوائد فى الكلمه و ان لم تكن فبخروجها عن ابنيه الاصول فهنا ثلاثه ابحاث

البحث

١ - فى الاشتقاق المراد بالاشتقاق كون احدى الكلمتين ماخوذه من الاخرى او كونهما ماخوذتين من ثالث فبانطباق بعض المشتقات

٢٠٤

على بعض يعرف المزيد فيه و يعرف الحرف الزائد ايضا و لهذا يقال عرضنه و هى مشبهه تاخذ عرض الطريق من النشاط يوازن فعلنه للقياس مع العرض و غيره و لو لا الاشتقاق لكان كقمطر .

ثم ان رجعت الكلمه الى اشتقاقين او اكثر رجح الاظهر و ذلك نحو ملاك و هو اصل ملك بدليل قوله و لست لانسى و لكن لملاك تنزل من جو السماء يصوب و بدليل جمعه على ملائكه فالنتموا فيه التخفيف بحذف الهمزه لكثرة استعماله قيل انه ماخوذ من الالوكه و هى الرساله و قيل مشتق من لآك اى ارسل و الاخير اولى لاستلزام الاول القلب دون الثانى فملاك مصدر ميمى استعمل فى معنى المفعول و ان تساوى

٢٠٥

الاشتقاق فى الظهور احتمل الجميع نحو اولق بمعنى الجنون فانه يحتمل ان يكون فوعل بدليل مالوق و ان يكون افعال بدليل مولوق يقال رجل مالوق او مولوق اى

مجنون و لا ترجيح لاحدهما على الاخر

البحث ٢

فى الزوائد لزيادة عشره حروف تسمى حروف الزيادة او الزيادات او الزوائد هى س ء ل ت م و ن ي ه ا تجمعها سالتمونيه و ليس معنى زياده هذه الحروف انها لا تكون الا زائده بل المعنى ان المزيد فى الكلمه لا يكون الا من هذه الحروف الا ان يكون المزيد تضعيفا فيكون من جميع حروف الهجاء اى من حروف الزيادة كعلم و من

غيرها كقطع ثم لزياده كل من تلك الحروف فى الكلمه مواضع خاصه تكثر زيادتها فيها اليك فيما يلى بيانها السين تطرد زيادته فى باب الاستفعال .

الهمزه تغلب زيادتها فى موضعين

١ - اول الكلمه اذا كان بعدها ثلاثه اصول نحو افكل و هو رعه تعرض الانسان من برد او خوف فوزنه افعال بخلاف ما اذا كان بعدها اكثر من ثلاثه اصول فتكون

اصليه نحو اصطبلى وزنه فعلل الا ما كان جاريا على الفعل نحو احرنجام و اقشعرار

٢ - فى آخر الكلمه بشرط ان تقع بعد الف زائده قبلها ثلاثه اصول فصاعدا نحو علباء سواداء احبظاء
كاحرنجام من الحبنطى القصير البطين بخلاف وفاء و ملا و
نحوهما .

اللام زائده فى بعض اسماء الاشاره نحو ذلك تلك هنالك اولالك .

٢٠٦

التاء تطرد زيادته اولا فى باب التفعيل و نحوه و وسطا فى الافتعال و نحوه و آخرى فى المؤنث و الجمع .

الميم يغلب زيادته اول الكلمه اذا كان بعده ثلاثه اصول نحو مقتل بخلاف ما كان بعده اكثر نحو مرزنجوش
نبت فهو فعلنلول الا ما كان جاريا على الفعل نحو مدرج و

محرنجم و نحوهما .

الواو يطرد زيادته فى غير الاول مع ثلاثه اصول فصاعدا نحو عروض عصفور قرطبوس و حنطاو عظيم
البطن بخلاف ورنتل الشر و الامر العظيم .

النون يطرد زيادته فى بابى الانفعال و الافعلال و نحوهما و يغلب زيادته فى موضعين ١ فيما اذا وقع آخر
الكلمه بعد الف زائده قبلهما ثلاثه اصول فصاعدا نحو سكران

و قبان دوبيه و زعفران ٢ ما اذا وقعت ثالثه ساكنه بعدها حرفان او اكثر نحو شرنبث القبيح الاسد قلنسوه و
جعنظار قصير الرجلين عظيم الجسم بخلاف عرند الشديد

من كل شىء فان نونه و ان كانت زائده و لكن يعرف زيادتها من جهه الاشتقاق لانه من العرد بمعنى الصلب
لا من جهه غلبه زيادتها فى هذا الموضع .

الياء يغلب زيادته اذا كان مع ثلاثه اصول فصاعدا نحو يلمع بمعنى السراب و فليق بمعنى باطن عنق البعير و
خيتعور بمعنى السراب ايضا و ليالى و سلسبيل .

الهاء زيدت فى جمع ام امهات و فى باب اراقه اهراق يهرق اهراقه بمعنى اراق يريق اراقه و فى الوقف على
ما مر .

٢٠٧

الالف يطرد زيادته فى غير الاول مع ثلاثه اصول فصاعدا نحو حمار سرداح بمعنى الضخم من كل شىء و
ارطى شجر ينبت فى الرمل و قبعثرى بمعنى العظيم الشديد

البحث ٣

الخروج عن الاصول اذا كان بعض الزوائد فى كلمه و لم يكن فى موضعه الذى تغلب زيادته فيه و كان الامر
بحيث لو حكم باصالة ذاك الحرف لخرجت الكلمه عن ابنيه

الاسم المجرد حكم بزيادته و ذلك مثل التاء فى ترتب بمعنى الثابت و تنفل ولد الثعلب و مثل النون فى كنتال
القصير و كنهيل شجر من اشجار الباديه لعدم وزن فعلل فى

الرباعي المجرد و فعلل و فعلل في الخماسي المجرد فالاولان مزيدا الثلاثي و الاخيران مزيدا الرباعي بخلاف كنهور و هو العظيم من السحاب فانه كسفرجل و قس على ذلك غير ما ذكر من الامثله .

تتمه اذا كان في كلمه ثلاثه اصول فصاعدا و ضوعف بعض اصوله اي كرر فالمكرر زائد غالبا نحو قردد و هو الارض المستويه اصله قرد و مرمريس و هو الداويه اصله مرس و نحو عصببب بمعنى الشديد اصله عصب و نحو ذلك بخلاف زلزله و نحوه اذ لا يبقى فيه بعد حذف المضاعف ثلاثه اصول ثم التضعيف يكون لللاحق غالبا فلنبحث عن اللاحق و احكامه بالاجمال

٢٠٨

الفصل ٦ في اللاحق و احكامه

اللاحق زياده حرف او حرفين في كلمه لتلحق بكلمه اخرى اكثر حروفا و تصير مثلها في عدد الحروف و نوع الحركات و يشملها حكمها من كيفيه تصريف الماضي و المضارع و الامر و اسمى الفاعل و المفعول و المصدر و غيره ان كانا فعلين و من التصغير و التكسير و غيرهما ان كانا اسمين و الملحق به اسم رباعي و لللاحق ثلاثه احكام

١ - تكون الزياده لللاحق اذا لم تكن تلك الزياده في ذلك الموضوع مطرده لافاده معنى فلا تكون زياده الهمزه في افعال التفضيل و زياده الميم في المصدر و اسماء الزمان و المكان و الاله لللاحق و ان صارت الكلمه بهما كالرباعي في الحركات و السكناات و التصغير و الجمع و غير ذلك

٢ - حق اللاحق ان يكون بالمجرد فالثلاثي يزداد فيه حرف واحد و يلحق بالرباعي او حرفان و يلحق بالخماسي نحو كوثر و الندد بمعنى الشديد الخصومه و

الرباعي يزداد فيه حرف واحد و يلحق بالخماسي نحو جحفل الغليظ نعم يجوز اللاحق بالمزيد فيه ايضا بشرط ان يزداد

٢٠٩

في الملحق ما زيد في المزيد فيه بعينه نحو شيطان تشيطان الحاقا بتدحرج

٣ - الملحق لا يدخله الادغام و لا الاعلال لانكسار الوزن معهما الموجب لزوال الغرض فلا يدغم نحو قردد و مهدد اسم امراه و الندد الشديد و يلندد بمعنى الندد و

لا يعل نحو جهور و ترهوك و انما اعل نحو قلنسى لان الاعلال جرى على آخره و لا يفوت الوزن باعلال الاخر قلبا و تسكينا كما انه قد يسكن بالوقف بلا باس و مما يتفرع على ذلك ان نحو قمد القوى الشديد غير ملحق .

تنبيه لا يلزم ان يكون لاصل الملحق معنى كما لا معنى لككب و زنب فى كوكب و زينب ملحقين بالرباعى .
تتمه لا يكون فى اصول الرباعى و الخماسى تضعيف لثقلهما و ثقل التضعيف الا اذا فصل بينهما اى بين
المثلين حرف اصلى نحو زلزله و سلسبيل و حدر اسم رجل و
درديس الداهيه فاذا التقى مثلان فى رباعى او خماسى فاحدهما زائد لا محاله ثم ان عرضهما الادغام لم يكن
الزائد لللاحق نحو قنب ضرب من الكتان و علكد الشديد و
قرشب سىء الحال و الا فهو لللاحق نحو مهدد و غيره
٢١٠

السؤال و التمرين

- ١ - ما هى طرق معرفه الاسم المزيدي فيه و ما هى حروف الزيايده اعط على كل مثالا .
- ٢ - رجوع الى ما سبق ما هى اقسام المصدر و ما هو المناط فى صوغ كل و ما هو اسم المصدر و ما هو
الفرق بين المصدر و الفعل و بينه و بين الاسم .
- ٣ - الجامد ما هو و ما هو المشتق و ما هى اقسامه عرف كلا منها و اعط عليه مثالا .
- ٤ - الموصوف ما هو و ما هى الصفه و ما هى مواضع كل منهما .
- ٥ - بين ما يلى اقسام المذكر و المؤنث كيفيه معرفه المؤنث المعنوى علامات التانيث و موارد كل منها مواضع
ما لا تفيد التاء و الالف تانيثا .
- ٦ - ما هى الامور التى يثبت بها التصرف فى الاسم بين كلا منها بالاجمال .
- ٧ - ما هى اقسام المعرفه عرف كلا منها .
- ٨ - كم هى اقسام المبنى .
- ٩ - ما هى حروف الابدال و ما هى طرق معرفه الاسم المزيدي فيه و ما هى حروف الزيايده و ما هو اللاحق و
ما هى احكامه .
- ١٠ - الصرف ما هو و ما هو موضوعه .

تم الكلام بعون الله الملك العلام المنان المستعان و منه التوفيق و له الامتنان و لا حول و لا قوه الا بالله العلى
العظيم و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و اللعن الدائم
على اعدائهم اجمعين و الحمد لله رب العالمين